

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.3, No.25, May 1992

سال سوم، شماره ۲۵، اردیبهشت ۱۳۷۱

پایان اعتصاب ۵ ماهه کارگران کاترپیلار در آمریکا

اعتراض تشکلهای کارگری به دستگیری سعید ساعدی و زاهد منوچهری

صفحه ۶

سعید ساعدی و زاهد منوچهری



تظاهرات کارگران اعتصابی کاتر پیلار در آمریکا

مرکز خبری کارگر امروز: تشکلهای کارگری در کشورهای فرانسه، سوئد و کانادا در اعتراض به دستگیری سعید ساعدی و زاهد منوچهری دو تن از فعالین جنبش کارگری ایران که در سندیج دستگیر شده اند نامه و قطعنامه صادر کردند و نسخه هایی از آنرا به سفارتخانه های ایران در این کشورها ارسال داشتند.

در فرانسه، دانیل بلان برود، دبیر کل کمیته استانی "ثاژت"، منطقه رون آلپ، طی نامه ای خطاب به سفیر ایران در پاریس خواستار آزادی فوری سعید ساعدی و زاهد منوچهری و رعایت سلامتی جسمی شان شد. وی طی این نامه همچنین خواستار آزادی تمام زندانیان عقیدتی در ایران شد.

در سوئد، بخش ۲۶ اتحادیه کارگران شهرداری سوئد در قطعنامه ای که در جلسه ۲ مارس ۹۲ به تصویب رسیده است شرایط کارگران در ایران و سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کرده و خواستار آزادی فعالین کارگری در ایران و حق اعتصاب و تشکیل برای کارگران ایران شد.

در کانادا، سیلویو گانون، رئیس شورای مرکزی کنفدراسیون اتحادیه های سراسری (سی.اس.ان)، شاخه مونترال، طی نامه ای به سفیر ایران در اوتاوا، جمهوری اسلامی را محکوم کرد. در بخشی از این نامه آمده است: این حق کارگران است و چنانچه بخواهند برای بهبود شرایط کار خود دست به اعتصاب بزنند.

اتحادیه متحد کارگران برق، رادیو، و ماشین سازی کانادا (تاوا) یک قطعنامه پیشنهادی برای تصویب در کنگره کار کانادا ارسال داشته اند که طی آن با اعتراض به دستگیری سعید ساعدی و زاهد منوچهری، خواستار آزادی فوری آنها شده اند. در این قطعنامه همچنین به زیر پا گذاشتن حقوق بشر توسط دولت ایران، اخراج تعداد زیادی از ایرانیان از ترکیه و خطراتی که جان آنها را تهدید می کند اشاره شده است.

لزلی دیکبرسون، دبیر کمیته حقوق بشر شورای کار شهر ویندزر و حومه، ایالت اونتاریو، در نامه ای به سفیر ایران در اوتاوا، ضمن اظهار نگرانی عمیق خود نسبت به گزارش اقدامات سرکوبگرانه شدید دولت ایران علیه فعالین اتحادیه ای در ایران، شکنجه و اعدام کارگران، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط سعید ساعدی و زاهد منوچهری شده است.

انتقاد کارشناسان آی.ال.او از قانون کار ایران

اسلامی نقش مسلط را در روابط صنعتی ایران دارند. انتخاب شوندگان در این شوراها باید مسلمان متمهد و ایرانی باشند و وابستگی به رژیم سابق یا گروههای مخالف جمهوری اسلامی نداشته باشند. اتحادیه های کارگری در ایران صرف نظر از ماهیت آنها باید به بقیه در صفحه ۲

تشکیل آزادانه اتحادیه، عدم برسمیت شناختن حقوق دوران نگهداری از کودکان و برخی موارد دیگر نظیر بی حقوقی کارگران کارگاههای خانوادگی مورد انتقاد قرار داده است.

بولتن سازمان بین المللی کار در رابطه با تشکلهای کارگری در قانون کار جمهوری اسلامی نوشت که شوراهای

مرکز خبری کارگر امروز: کارشناسان سازمان بین المللی کار ضمن بررسی قانون کار جمهوری اسلامی که در بولتن کار و مسائل اجتماعی شماره سوم و چهارم سال جاری به چاپ رسیده است، قانون کار جمهوری اسلامی را بخاطر جنبه های اسلامی و تبعیض آمیز آن، برسمیت نشناختن حق

اعتصاب کارگران مجتمع پتروشیمی در ماهشهر

اعتصاب که دو روز ادامه داشت با موفقیت نسبی کارگران پایان یافت. به گزارش "حسن صالحی" خبرنگار کارگر امروز در ترکیه، کارگران اعتصابی "شرکت بازسازی و نوسازی صنایع" که غالباً متخصص هستند در روز اول اعتصاب کار را کاملاً متوقف

بقیه در صفحه ۲

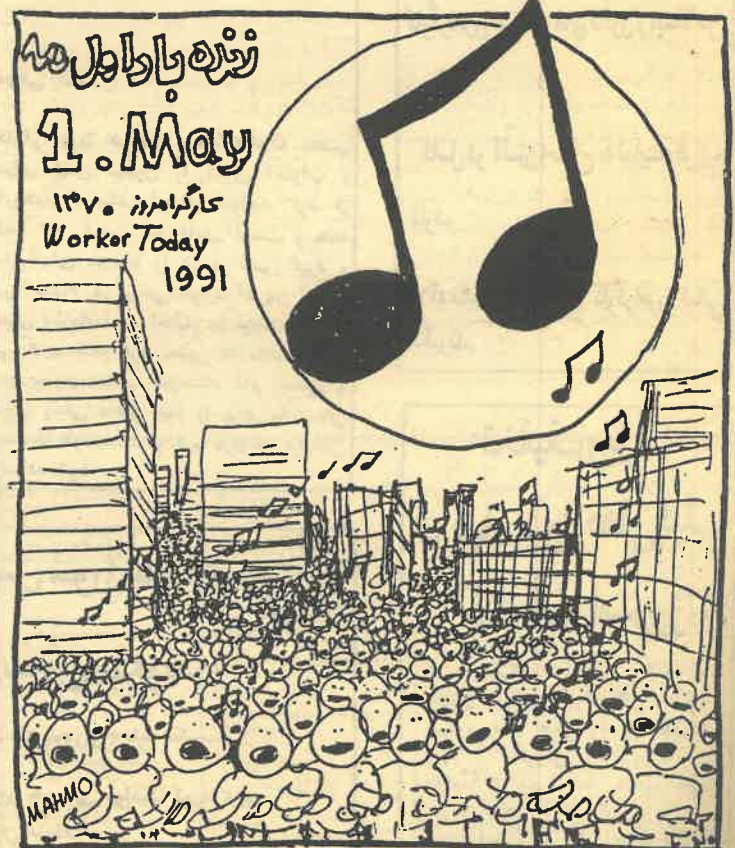
مرکز خبری کارگر امروز: حدود ۲۰۰ کارگر یک شرکت پیمانکار در مجتمع پتروشیمی بندر امام (مجتمع ایران و ژاپن سابق) چند روز پس از اعلام افزایش حداقل دستمزد از طرف دولت، برای افزایش دستمزدها و برخی خواسته های دیگر در نیمه دوم اسفند ماه گذشته دست به اعتصاب زدند. این

اعتراض به میزان افزایش دستمزدها

مرکز خبری کارگر امروز: اعتراض به میزان افزایش دستمزدها که بلافاصله بعد از اعلام افزایش حداقل دستمزد در سال ۷۱ اعلام شد همچنان ادامه دارد. از جمله کارکنان شرکت پلاستیران طی نامه ای که متن آن در روزنامه کار و کارگر به چاپ رسیده خواهان تجدید نظر شوریاعالی کار و افزایش بیشتر دستمزدها شده اند.

کارگران پلاستیران در نامه خود خطاب به شوریاعالی کار می نویسند: شما لافل باید پول ۳۰۰ گرم گوشت را به دستمزدها اضافه می کردید تا خانواده کارگران بتوانند هفته ای یک وعده گوشت بخورند

بقیه در صفحه ۲



طرح اول ماه مه نشریه کارگر امروز، سال ۱۳۷۰ - ۱۹۹۱

سوسیالیسم برای جنبش کارگری متولد شد و زنده است

صفحه ۹

مراسم و تظاهرات اول ماه مه و استقلال از شوراهای اسلامی

رضا مقدم

تعطیل کردن روز کارگر و برگزاری تظاهرات در این روز حکم حزب جهانی کارگران در سال ۱۸۸۹ بود. از آن زمان تاکنون هدف کارگران در کشورهایی که روز اول ماه مه تعطیل نیست و کارگران حق تظاهرات ندارند تحمیل حکم حزب جهانی خویش به سرمایه داران کشور خود بوده است.

در ایران نیز مانند تمام کشورهای دیگر تعطیل کردن اول ماه مه و برگزاری تظاهرات آزادانه توسط کارگران مبارزه پر فراز و نشیبی را از سر گذرانده است. در دوران پهلوی هرگاه که توازن قوای بین رژیم و مردم تغییر می کرد کارگران بدون اینکه قانونی به تصویب رسیده باشد، روز کارگر را تعطیل می کردند، دست به تظاهرات می زدند، همبستگی خود را با کارگران دیگر کشورها اعلام می داشتند و خواستهای خود را بیان می کردند. هرگاه چنین امکانی نبود اول ماه مه در سطح محدود و به شکل مخفیانه برگزار می شد.

بالاخره حکومت پهلوی تسلیم خواست کارگران شد و روز کارگر را تعطیل کرد. اما کارگران حق برگزاری مراسم مستقل خود را نیافتند. دولت مراسم فرمایشی ترتیب می داد تا کارگران به ستایش از شاه و سیاستهای پیردازند.

در دوران جمهوری اسلامی نیز مبارزه کارگران برای تحمیل تعطیلی روز کارگر و برگزاری مراسم مستقل به سرمایه داران، همین روند را طی کرده است.

سال ۵۸ کارگران ایران وسیعترین و باشکوه ترین مراسم اول ماه مه در تاریخ ایران برگزار کردند، زیرا رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی توان مقابله با کارگران را نداشت. سالهای ۵۹ و ۶۰ که رژیم خود را هنوز محکم نکرده بود اول ماه مه با آنکه قانوناً تعطیل نبود اما کارگران دست از کار کشیدند و مراسم خود را اگر نه به گستردگی سال ۵۸ برپا داشتند. پس از سال ۶۰ بجز در سنندج در سالهای ۶۵ - ۶۸ کارگران نتوانستند روز کارگر را تعطیل و یا مراسم گسترده ای برپا کنند. اعدامهای دسته جمعی و دستگیری های وسیع،

جنبش کارگری را به عقب نشینی وادار کرد. بعلاوه مبارزه بر سر قانون کار که تعطیلی روز کارگر را برسمیت نشناخته بود به جلوی صحنه آمد و مبارزه برای تعطیلی اول ماه مه بخشی از مبارزه بر سر قانون شد. در هر انتقادی به قانون کار تعطیل نبودن روز کارگر عنوان گشت.

رژیم اسلامی ابتدا تلاش کرد که وجود چنین روزی را برسمیت نشناسد. خمینی گفت که خدا و مورچه هم کارگرند. اما مبارزه کارگران خاموش نشد. رژیم کوشید یک روز مذهبی را بعنوان روز کارگر تعیین کند (نظیر آنچه بر سر روز جهانی زن آورد) و اول ماه مه را از ماهیت اصلی آن که روز همبستگی جهانی کارگران است، تهی کند. مانند آمریکا. اما کارگران زیر بار نرفتند. بالاخره در پیش نویسهای بعدی قانون کار رژیم تسلیم خواست کارگران شد و اول ماه مه را بعنوان روز کارگر برسمیت شناخت و تعطیل کرد.

در تمام این سالها کارخانجات، کارگاهها و بعضاً محلات کارگری در روز کارگر حالت عادی نداشتند. هر جا که کارگران توانستند کل روز یا بخشی از آنرا تعطیل کردند و مراسم روز کارگر را برپا داشتند. شهر سنندج در سالهای ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸ شاهد بزرگترین مراسم روز کارگر در ایران بود. و کارگران خواستهای خود را با تصویب قطعنامه هایی بیان داشتند.

با تصویب قانون کار و اجرای آن از ابتدای سال ۷۰ روز کارگر رسماً تعطیل است. اما هنوز حکم حزب جهانی کارگران کائلاً به اجرا در نیامده است.

آنچه کارگران ایران در دستور دارند مبارزه برای گرفتن حق برگزاری مراسم اول ماه مه مستقل از دولت و شوراهای اسلامی است. مبارزه برای برگزاری مراسم روز کارگر مستقل از دولت و شوراهای اسلامی با تحریم مراسمی که آنها بمناسبت روز کارگر برگزار می کنند توأم است. باید مراسم دولتی و شوراهای اسلامی را تحریم کرد و مراسم مستقل و بدون دخالت آنها را به هر نحو و به هر شکلی که ممکن است برگزار کرد.

نحوه پرداخت عیدی و پاداش به کارگران

مرکز خبری کارگر امروز:

مجلس اسلامی در روز ۶ اسفند ماه گذشته لایحه جدید پرداخت عیدی و پاداش به کارگران که مقررات قدیمی مصوب شورای انقلاب اسلامی در سال ۵۹ را ملغی می کند به تصویب رساند. این قانون بلافاصله به تائید شورای نگهبان رسید و برای اجرا ابلاغ گردید.

بنا به این مصوبه میزان عیدی و پاداش برای سال ۷۰ معادل دو ماه حقوق تا سقف حداکثر ۹۰ روز حداقل دستمزد (۱۶۷ تومان برای هرروز در سال گذشته) پرداخت خواهد گردید. سقف ۸۵۰۰ تومان بود که مدتهاست تحت

فشار اعتراض کارگران رعایت نمی شد. دولت امیدوار است که سقف جدید و افزایش آن بتواند مهاری برای اعتراضات گسترده ای باشد که هر سال بر سر دریافتیهای پایان سال برپا می شود. با این وصف قانون جدید ناگزیر شده است تا پیشرویهای کارگران در برخی کارخانه را به رسمیت بشناسد. در تبصره ۲ این قانون آمده در کارگاههایی که بیش از مبلغ تصویبی پرداخت می شود، عرف کارگاه معتبر خواهد بود. روزنامه کار و کارگر ناشر افکار خانه کارگر جمهوری اسلامی طی سرمقاله کوتاهی از دولت، مجلس و شورای نگهبان بخاطر این قانون تشکر کرد.

حمل ۲۰ کیلو بار با دست برای زنان کارگر مجاز شناخته شد

مرکز خبری کارگر امروز:

بنا به تصمیم وزیر کار حداکثر حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای زنان و مردان نوجوان ۲۰ کیلو تعیین شد. در این مقررات میزان حمل بار بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای مردان بالغ مشخص نگردیده است.

این تصمیمات که به پیشنهاد شورایی عالی کار و تصویب وزیر کار جمهوری اسلامی در اواخر فروردین ماه ۱۳۷۱ اتخاذ شده، حداکثر حمل بار با دست را برای زنان

نوجوان ۱۰ کیلو تعیین کرده است. همچنین مقررات جدید حمل بار برای زنان باردار را ممنوع کرده است. شرایط سخت کار در ایران تا آنجاست که محدود کردن حمل بار با دست و بدون ابزار مکانیکی برای زنان و نوجوانان تا حد بیست کیلو یک "اصلاح" در قانون و مقررات ایمنی کار محسوب می شود. همچنین از مقررات جدید چنین پیداست که ممنوعیتی در حمل بار با دست توسط زنان باردار که میزان آن قطعاً بیش از بیست کیلو بوده، وجود نداشته است.

اعتصاب کارگران مجتمع ...

بقیه از صفحه اول

ساختند و در مقابل دفتر مرکزی مجتمع پتروشیمی اجتماعی برپا داشتند. در این اجتماع کارگران اعتصابی خواسته های خود را که قبلاً تنظیم شده بود مطالبه کردند. از جمله خواستهای کارگران افزایش دستمزد پایه، حقوق ساعات اضافه کاری، کاهش ساعت کار و پاداش آخر سال مطابق آخرین مصوبه (حدود ۱۵ هزار تومان) بود. در بعداز ظهر روز دوم اعتصاب پس از آنکه مدیریت در مورد افزایش حقوق پایه

کارگران و پرداخت دستمزد اضافه کاری و پرداخت فوری پاداش آخر سال قول مساعد داد کارگران به سر کار بازگشتند.

بنا به این گزارش، از آنجا که دولت مصمم به اتمام هرچه سریعتر ساختمان مجتمع است و پیمانکار مذکور تعهدات مهمی در قبال مجتمع پتروشیمی بمعهد دارد و کار غالب کارگران حساس است، مدیریت ناگزیر از عقب نشینی در مقابل خواستهای کارگران بود. کارگران بویژه در مناطق صنعتی جنوب که بیشتر در حال بازسازی ساختمان است معتقدند که اعتصابات با خواستهای صنفی شان موفقیت زیادی دارد.

اعتراض به میزان ...

مطالبه افزایش دستمزد علاوه بر ذکر تورم و رشد سرسام آور قیمتها به این واقعیت اشاره می کند که دولت در افزایش حقوق کارمندان و کارگران تبعیض قائل شده است. مساله تبعیض بویژه از جانب شوراهای اسلامی مطرح می شود که بنظر می رسد حرکت هماهنگی را آغاز کرده اند و در جلسات این ارگانها در نقاط مختلف این مساله مورد تاکید قرار می گیرد.

از سوی دیگر یکی از اعضای شورایی عالی کار اظهار امیدواری کرد شورایی عالی با افزایش برخی دریافتیهای جانبی نظیر کمک هزینه مسکن تلاش کند تا کم بودن میزان دستمزد کارگران را جبران کند.

انتقاد کارشناسان ...

بقیه از صفحه اول

تایید وزارت کار برسند و اساسنامه خود را جهت تصویب به این وزارتخانه تحویل دهند.

در زمینه نادیده گرفته شدن حق اعتصاب در قانون کار جمهوری اسلامی، بولتن سازمان بین المللی کار نوشت: از اعتصاب و تعطیل کارگاه بوضوح ذکری بعین نیامده است. بدترین سناریویی که در قانون پیش بینی شده ظاهراً تعطیل کار ضمن حضور کارگران در کارگاه یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران است.

روزنامه کار و کارگر که مقاله کارشناسان سازمان بین المللی کار را منتشر ساخته است، در مقدمه ای نوشت: در این بررسی کارشناسان نامبرده ضمن یادآوری بعضی از نکات مثبت قانون کار موادی را نیز بعنوان اشکال مطرح کرده اند که یا حکایت از عدم اطلاع دقیق آنها از مسائل اسلام و جمهوری اسلامی دارد و یا ادامه برخوردهای مغرضانه قبلی است. این روزنامه که ناشر افکار شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی است اضافه می کند: آنها (کارشناسان آی.ال.او) تلاش کرده اند چنین القاء کنند که قانون کار جمهوری اسلامی ایران حقی را برای کارگران در جهت ایجاد تشکلهای آزاد کارگری فراهم نکرده است. در این رابطه، انتصاب نماینده ولی فقیه در تشکلهای را نیز در جهت القاء این نکته مورد استفاده قرار داده اند.

متن کامل مقاله مذکور در همین شماره کارگر امروز به چاپ رسیده است.

قابل توجه خوانندگان کارگر امروز
کارگر امروز در شهرهای فالون و ایسلا در سوئد
کاسل در آلمان احتیاج به نماینده توزیع دارد.
علاقه مندان می توانند با کارگر امروز تماس بگیرند.

تخفیف ویژه
در بهای شماره های قبلی
کارگر امروز
نشریه کارگر امروز برای کمک به تکمیل آرشیو خوانندگان خود، شماره های قبلی را با تخفیف ویژه بفروش می رساند. علاقه مندان می توانند شماره های ۱ تا ۲۰ کارگر امروز را با نصف قیمت که شامل هزینه پست ۴۵۰ خواهد بود، دریافت دارند.

قابل توجه احزاب، گروهها و جمعیت ها
کارگر امروز در نظر دارد در آینده نزدیک دو ستون اول صفحه چهارم نشریه را به معرفی احزاب و گروه ها و جمعیت های ایرانی از زبان خودشان اختصاص بدهد. برای این ستون راهی برای احزاب و مطالب رسیده بدون دخل و تصرف در این ستون چاپ خواهند شد و در پایان هر سال در مجموعه جداگانه ای بصورت کتاب منتشر می شوند. این ستون به احزاب و گروههای سیاسی منحصر نیست و کلیه کانونها و جمعیت هایی که به نحوی از انحاء فعالیت متشکلی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیش آدرس پستی معتبر خود را برای ما ارسال می برند، می توانند نظرات و رنوس کنند تا توضیحات و فرم مربوطه برایشان اهداف و فعالیتهای خود را در این ستون فرستاده شود.

یک فعال جنبش شوراها
از کردستان عراق سخن میگوید
یادداشتی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست
این کتاب را از طریق کارگر امروز هم می توانید تهیه کنید
بها با هزینه پستی اروپا: ۳۵ کرون سوئد
آمریکا و کانادا: ۴۵ کرون سوئد

ISSN 1101-3516
کارگر امروز
نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Workers Paper
Editor: Reza Moqaddam.
Bank Account: حساب بانکی
5201-3306202
S.E. Banken
Stockholm, Sweden
Address: آدرس
W.T.
Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden
اروپا: یکساله ۱۴۰ کرون سوئد - ششماهه ۸۰ کرون سوئد
دیگر کشورها: یکساله ۲۱۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۲۰ کرون سوئد
- بها برای موسسات دو برابر قیمت های فوق است (تمام ثبتا با حساب هزینه پست است)
فرم آبونمان
مایلیم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:
Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____
فرم پرشده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید
W.T.
P.O.Box 241412
L.A., CA 90024
USA
توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر:

اتحادیه کارگران مسلمان در سطح کشورهای اگو

تشکیل خواهد شد

مرکز خبری کارگر امروز: دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی، علیرضا محبوب، طی یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در ششم اسفند ماه گذشته اعلام کرد که خانه کارگر جمهوری اسلامی به همراه اتحادیه سراسری پاکستان تشکیلات واحدی در سطح کشورهای اگو (ایران، ترکیه و پاکستان) بوجود می آوردند که هدف آن دفاع از حقوق کارگران مسلمان است. وی گفت که در ماههای آینده جلسه ای در تهران برگزار خواهد شد تا اساسنامه این اتحادیه اسلامی را مورد تصویب قرار دهد.

محبوب اظهار امیدواری کرد که این اتحادیه اسلامی بتواند در قدم بعد کشورهای مسلمان نشین سازماندهی از شوری و سایر کشورهای مسلمان را در بر گیرد و چون یک تشکیلات مستحکم متکی بر مبانی اسلامی، دیدگاههای خود را در سطح بین المللی مطرح کند. محبوب تاکید کرد که اتحادیه "حق ایش" ترکیه که او آنرا دومین اتحادیه بزرگ

ترکیه خواند، دارای تمایلات اسلامی و احترام و اعتقاد به خمینی است و تشکیلات موسوم به کنفدراسیون سراسری کارگران پاکستان نیز اتحادیه ای است با تمایلات اسلامی و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی و بر همین اساس با ابتکار و تلاشهای مکرر خانه کارگر و کمکهای موثر وزارت خارجه جمهوری اسلامی توافق برای ایجاد این تشکیلات اسلامی سه جانبه حاصل آمده است. دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی گفت: ما تلاش خواهیم کرد تا بین قالبی که امروز بنام سندیکالیسم در دنیا مشهور است با اهداف و محتوای اسلامی یک رابطه معقول ایجاد بشود و الگویی بر اساس شکل سندیکالی اما با محتوایی اسلامی پدید آید.

از سوی دیگر در هفتم اسفند ماه گذشته هیاتی از جانب خانه کارگر به سرپرستی مهندس احمد مشیریان (که در کنفرانس قبلی بین المللی کار بعنوان یکی از نمایندگان کارگران ایران شرکت کرده بود) به کویت اعزام شد تا در "جشنهای آزاد سازی" کویت شرکت

کند. در این دیدار مهندس مشیریان دعوت رسمی و کتبی خانه کارگر جمهوری اسلامی از دبیر کل اتحادیه های کارگری کویت را به تهران جهت گفتگو در باره اتحادیه کارگران مسلمان به وی داد.

با توجه به اینکه کمتر از دو ماه به کنفرانس بعدی سازمان بین المللی کار باقی مانده، خانه کارگر و دولت جمهوری اسلامی خود را آماده می کنند تا ماتریال لازم برای جنجال حول اتحادیه ارتجاعی اسلامی شان در کنفرانس کار را فراهم کنند. کارگران ایران که زندگی هر روزه شان ملو از تلاش و مبارزه برای خنثی کردن نقش ضد کارگری شوراهای اسلامی است از کارگران تمام جهان توقع دارند که از مبارزه آنها حمایت کنند و با طرح خواست اخراج شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار، از جمله به این دلیل ساده که آنها هیچ مشروعیتی نزد کارگران ایران ندارند، مانع طرح افکار ارتجاعی و تفرقه افکنانه اتحادیه اسلامی در سطح کنفرانس بین المللی کار شوند.

قانون کار رژیم اسلامی در حد متوسط است

سلامتی نماینده مجلس:

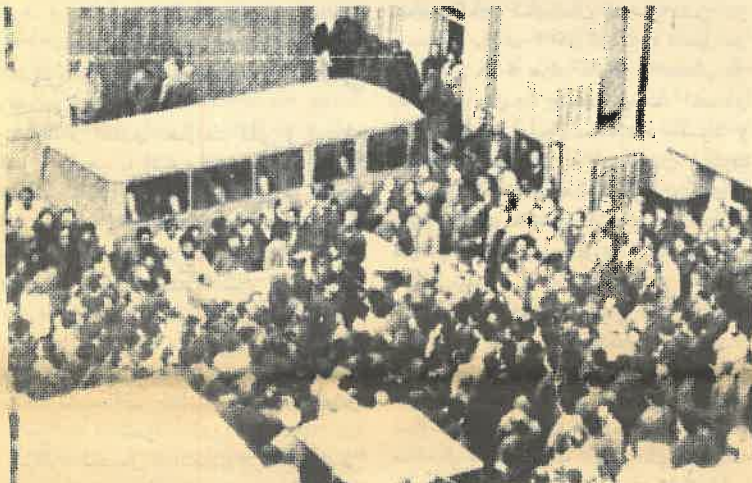
معمولا از قانون کار رژیم چنان تعریف و تمجید می کنند که گویا این قانون بهترین قانون کار دنیاست. و این چیزی جز گارد دفاعی رژیم علیه اعتراضات گسترده کارگران به قانون کار مصوب نیست. اظهارات اخیر سلامتی اولین اظهار رسمی برای تعدیل کردن این تعریفهای پوچ و مضحک است. سلامتی که بعضی اوقات ژست های لیبرال ماب به خود می گیرد و گهگاه از کارگر هم دم می زند امیدوار است اعطا عنوانی چون "قانون متوسط" به قانونی که بدیهی ترین حقوق کارگران نظیر حق اعتصاب و تشکیل را برسمیت شناخته، توجیه آبرومندانه تری باشد.

مرکز خبری کارگر امروز: قانون کار جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با قانون کار کشورهای غربی کمتر از کارگران دفاع می کند "سلامتی" نماینده و عضو کمیسیون دارایی مجلس اسلامی در اسفند ماه گذشته طی یک گردهمایی برای بررسی اقدامات و مصوبات مجلس سوم ضمن مفید دانستن تصویب قانون کار جمهوری اسلامی گفت: قانون کار ما در حد متوسط قوانین کار دنیا قرار دارد. وی افزود که در مقایسه با کشورهای غربی، قانون کار جمهوری اسلامی کمتر از کارگران دفاع می کند. مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی

انعکاس خبر اعتصاب کیهان در روزنامه کار و کارگر

سطح شهر منتشر شد و بعلاوه روزنامه سلام نیز آنرا منعکس کرد، در روزنامه کار و کارگر با این عنوان مطرح گردید: توقف چند ساعته در انتشار کیهان. همچنین در خبر منتشره روزنامه کار و کارگر تاکید زیادی شده که کارگران

مرکز خبری کارگر امروز: همچنانکه در شماره قبل به اطلاع رساندیم کارگران موسسه کیهان در اعتراض به مدیریت و پایین بودن دستمزدها در صبح روز ۱۰ اسفند ماه



اجتماع کارگران روزنامه کیهان در روز تحصن

صرفا خواستههای صنفی داشته اند و شمارهایی در تایید خامنه ای می داده اند تا "مانع هرگونه سوء استفاده افراد فرصت طلب شوند". چند روز بعد نیز شورای اسلامی کار موسسه کیهان ضمن انتشار اطلاعیه ای بر صنفی بودن "حرکت روز شنبه" تاکید کرد و بار دیگر پیروی خود را از ولایت فقیه اعلام داشت.

گذشته دست به اعتصاب زدند. کارگران در محوطه موسسه کیهان اجتماع کردند و حضور اصغری سرپرست موسسه در اجتماع خود را شرط انتشار روزنامه قرار دادند. کارگران پس از اعلام خواسته خود و دادن مهلت چند روزه به مدیریت به سر کار بازگشتند. درز گرفتن این اعتصاب که خبر آن با تاخیر چند ساعته کیهان خود بخود در

بیکاری وسیع در باختران

که در اینجا هم آنها خریداری برای دستهای عاطلشان نمی یابند. طبق گفته مدیر کل کار و امور اجتماعی باختران در مقابل حدود هشت هزار نفر جویندگان کار که طی سال ۷۰ جهت اشتغال ثبت نام کرده اند تنها یک دهم آنها، یعنی ۸۰۰ نفر، به کار گمارده شده اند. خبرگزاری جمهوری اسلامی می افزاید که این آمار با احتساب بیکاران ثبت نام کرده از سالهای قبل که شغلی بدست نیآورده اند بسیار تکان دهنده است.

مرکز خبری کارگر امروز: بیکاری میلیونی در ایران هر روز چهره خود را از جمله در میادین کار در باختران به نمایش می گذارد. بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی هزاران بیکار در استان جنگزده باختران بیکارند و بسیاری از آنها به میادین کار هجوم می آورند تا شاید بتوانند با یک روز کار سخت و پر مشقت زندگی خانواده خویش را تامین کنند. اما بازگشت نویدمانه اغلب آنها به منازلشان در اواسط روز بیانگر اینست

خبرگزاری جمهوری اسلامی:

نحوه افزایش حقوق کارگران بازنشسته و مستمری بگیر اعلام شد

مرکز خبری کارگر امروز: در سال ۷۱ دریافتی تمامی مستمری بگیران و بازنشستگان معادل ۲۰ درصد آخرین حقوق آنها افزایش خواهد یافت و معادل ۵ هزار تومان بعنوان عیدی دریافت خواهند کرد.

سهدی کرباسیان مدیر عامل جدید سازمان تامین اجتماعی در گفتگویی با خبرنگاران در ۱۳ اسفند ماه گذشته ضمن بیان این مطلب افزود، کمک عائله مندی برای مستمری بگیرانیکه دارای همسر هستند ماهانه دو هزار تومان و در صورت داشتن فرزند به ازای هر اولاد ۴۰۰ تومان خواهد بود.

سازمان تامین اجتماعی در نیمه اسفند اعلام کرد که با توجه به تصمیمات اتخاذ شده حداقل مستمری پرداختی در سال ۷۱، ۶۸۰۱۰ ریال خواهد بود و سقف حداکثر مستمریها افزایش می یابد و ۱۸۱۵۰۰ ریال خواهد شد.

کارگران بازنشسته به مناسبت های مختلف و در اجتماعات خویش به نازل بودن سطح دریافتی های خود اعتراض کرده اند. با وجود افزایش دریافتی ها برای سال ۷۱ متوسط دریافتی اغلب کارگران بازنشسته چیزی در حد حداقل دستمزد خواهد بود که حتی ابتدایی ترین نیازهای یک نفر را برآورده نمی کند.

مشکلات شورای اسلامی در کارخانه پارس نخ

مرکز خبری کارگر امروز: شوراهای اسلامی نه تنها با مخالفت و بیزاری کارگران روبرویند بلکه در مواردی مخالفتها و کارشکنی های مدیریت نیز مشکل دیگر آنهاست. روزنامه کار و کارگر ناشر افکار خانه کارگر جمهوری اسلامی در اوایل دیماه گذشته ضمن گفتگویی با کارگران و اعضای شورای اسلامی کارخانه ریسندهی "پارس نخ" که ۱۱۰ کارگر دارد و در نزدیکی اهر واقع است، جنبه هایی از مشکلات شورای اسلامی این کارخانه را بر ملا کرده است. "حسن قهرمانی" یکی از کارگران این کارخانه می گوید:

"شورای اسلامی لازم است، ولی شورای اسلامی ما نه تنها هیچگونه تسهیلاتی در اختیار ما نگذاشته بلکه باعث دلسردی کارگران و کارفرما نیز شده است. برای نمونه بدون هماهنگی با کارگران از زبان ما نوشتند که کارگران خواسته اند روز رخت امام تعطیل شود، در صورتیکه چنین نبود.

کارگر دیگری بنام "علی" در مقابل این سؤال که از فعالیت شورا رضایت دارد یا مدیریت، با قطعیت می گوید: مدیریت و ادامه می دهد:

"شورای اسلامی کاری که برای ما نکرده هیچ، مشکلات هم ایجاد کرده است. مثلا در مورد قند تحویلی به کلیه کارگران از قول آنها نوشتند که کارگران گفته اند قند به آنها تحویل نشده است."

مستولان شورای اسلامی این مسائل را ناشی از کارشکنی های مدیریت می دانند:

"مدیریت مخالف شورا بود. چه آنوقت که ۴ نفر بودیم و دو روزنامه کار و کارگر می گرفتیم و چه حالا که ۱۵ نفر هستیم و ۴۰ روزنامه می گیریم... وقتی خبرنگاری یا کسی به دیدار کارخانه می آید کارگرانی را به او معرفی می کنند که قبلا با آنها هماهنگی شده است. مثلا آقای قهرمانی از اول هم مخالف شورا بود و بین کارگران تفرقه می انداخت که در موقع انتخابات رای پوچ بدهند... ما رقتیم پیش مدیریت و گفتیم ارتحال امام راحلمان را تعطیل کند تا کارگران بهتر عزاداری کنند. او گفت که شما خرابکار هستید و کارگران چنین چیزی را نمی خواهند. ما هم طوماری را برای کارگران خواندیم و ۶۰ نفر از ۸۰ نفر کارگر یک شیفت پای آن امضا کردند. مدیریت وقتی این طومار را دید آنرا از من گرفت، مرا اخراج کرد و کارگران را وادار کرد تا امضایشان را پس بگیرند... تحقیقاتی که از جانب شورا صورت گرفته بود معلوم شد که مقدار ۱۲۹۸ کیلو قند از سازمان قند و شکر اهر تحویل شرکت شده است. اما فقط ۳۰۰ کیلوی آن بین کارگران توزیع شده بود و ما اعلام کردیم که باید باقی مانده قندها بین کارگران تقسیم شود..."

یکی از مستولان شورا گفت:

"همکاری کارگران و شورای اسلامی خوب است و ما مشکلی نداریم. البته اگر مدیریت مقصدی پول و امکانات به شورا بدهد و شورا هم کارگران را تحت نظر داشته باشد و تشویق بکند حتما روی روند تولید تاثیر خواهد داشت."

نمای کارگران

موروثی بر اساسی اول به در شوم
 و رفته اند از روزی زود: زود زود زود زود
 کوبیده های از تفت آن شش شش کوبیده دولت
 سه ماهه در ایران

• روش های برای معالجه و تسکین اجتناب ناهم
 • معاینه و تشخیص: تشخیص، تشخیص، تشخیص، تشخیص
 • همکشی: همکشی، همکشی، همکشی، همکشی
 • راه های تسکین: تسکین، تسکین، تسکین، تسکین
 • اخبار مغز و تپش: مغز، مغز، مغز، مغز

Yürüyüşçülerin tuşunu SEYRETMEYİ BIRAKIN!

خطرات دوران سپری شده

خطرات و اسناد ایوسف افتخاری

۱۳۲۶-۱۳۹۹

به کوشش: کاوه یات / مجید قرشی

میتوانید این کتاب را که توسط دو مستادان کارگر امروز بازتکثیر شده، از طریق مکانبه با مسافرش دهید.

بهای کتاب با هزینه پستی در اروپا معادل ۶۰ کرون سوئد، در آمریکا و کانادا ۸۰ کرون.

مراکز فروش کارگر امروز

انگلستان
 Collects International
 129-131 Charing Cross Rd
 London WC2H 0EG

سوئد
 Videopress
 Halonbergsplan 5
 Stockholm

پروسیا
 Stockholm Central
 Station, Store Hallen
 Gatuplan

بوکهایلند
 Röda Rummet
 Drottning gatan 100
 111 80 Stockholm
 Tel: 08-114210

International Press
 Södergatan 20
 203 12 Malmö

Röda Stjärnan
 Ystadsgatan 15
 214 24 Malmö
 Tel: 040-820340

دانمارک
 Demos Butikken
 Einøgade 27
 2300 København

آلمان
 Zambon-Verlag
 Leipziger str. 24
 8000 Frankfurt 90
 Tel: 778223

Heinrich-Heine
 Buchhandlung
 Schütter str. 1
 2000 Hamburg 13

Buchladen
 Oster str. 156
 2000 Hamburg 20

Das Arabische Buch
 Buchhandlung
 Kneesebeck str. 16
 D-1000 Berlin 12
 Tel: 030-3138021

اتریش - وین
 Karl Winter OHG
 Buchhandlung
 Landesgerichts str. 20.

کریسپلتز
 Passage Lokal 14
 U2 Station
 Mailhiller str.
 Zeltschiffenladen

فلممکت:
 Jeden Samstag
 2000 Hamburg

آمریکا
 Tasvir Gallery
 18154 Sherman Way
 Redds, CA 91335
 Tel: 818-3448494

کوسک
 1387 Westwood Blvd.
 Los Angeles, CA 90024
 Tel: (213)477-7477

کوسک
 Wagiam
 Ch. de Gauelle-Etoile
 Paris

کوسک
 George V
 99 Ave Champs-Elysees
 Paris

کارشناسان آی.ال.او درباره قانون کار ایران:

از اعتصاب و تعطیل کارگاه بوضوح نامی به میان نیامده است

به نقل از: هفتن کار و مسائل و اجتماعی، از انتشارات سازمان بین المللی کار

مقدمه

در فصل مربوط به روابط کار (در این بولتن) فضای نسبتاً قابل توجهی را به تصویب قانون کار اسلامی تازه ای در ایران اختصاص داده ایم. احساس کردیم این قانون احتمالاً آنگاه مورد علاقه خوانندگان بولتن هست تا شایسته فضای بیش از آن باشد که معمولاً می توانیم به یک موضوع واحد اختصاص دهیم.

در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۱ جمهوری اسلامی ایران قانون کار جدید خود مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰ را رسماً منتشر کرد. این قانون مشتمل بر ۲۰۳ ماده و ۱۲۱ تبصره بوده و در نوع خود نخستین قانونی است که در جمهوری اسلامی وضع می شود.

پیشگفتار آغازی تعاریف کلی و اصول قانون جدید، با اشاره ای به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ختم می شود. این اصول کار اجباری را منع کرده و حقوق مساوی را صرفنظر از نژاد، رنگ، زبان و "مانند آنها" مقرر می دارد. شایان توجه است که در عین حال، عقیده سیاسی و مذهبی بعنوان زمینه های تبعیض در اشتغال مشخصاً مستثنی نشده است. اگر چه ماده ۳۸ در فصل راجع به دستمزد ذکر می نماید که "هرگونه تبعیض در تعیین مزد بر اساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است".

زن و مرد "یکسان در حمایت قانون" قرار دارند - که ظاهراً (قانون) شریعت است. و "هرکس حق انتخاب آزادانه شغل را دارد" مشروط به اینکه "مغایر اسلام نباشد". اینگونه مقررات را باید جدی تلقی نمود: در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۹۱ جوخه های انتظامی ۵۰ نفره را در تهران بخاطر "نادیده گرفتن قوانین اسلامی" تعطیل کردند.

اتحادیه های کارگری و سازمانهای کارفرمایی

اتحادیه کارگری مشخصاً در ماده ۱۳۱ قانون در فصل راجع به سازمانهای کارگران و کارفرمایان مورد اشاره قرار گرفته است. طبق این ماده "کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه، صنف یا صنعت می توانند بمنظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی خود بنحویکه متضمن حفظ منافع تمامی جامعه باشد بابتد به تشکیل اتحادیه صنفی یا کارگری نمایند".

متن ماده ۱۳۱ قانون کاملاً روشن نمی نماید که آیا قانون ایجاد چیزی را مقرر می دارد که بتوان آنرا بعنوان اتحادیه کارگری مستقل و صرفاً نماینده منافع کارگران شاغل شناخت، یا آنکه به "اتحادیه صنفی" اشاره دارد که در حال حاضر در ایران وجود دارد. تبصره بیان می دارد که "کارگران یک واحد می توانند یا شورای اسلامی کار، یا انجمن صنفی و یا نماینده کارگر داشته باشند". نظام "اتحادیه صنفی" بر اساس منطقه ای عمل کرده و به صدور پروانه شغلی و تامین مالی تعاونیها و کمک به اعضای صنف جهت یافتن شغل می پردازد. اتحادیه صنفی با همکاری دولت عمل می کند اما عضویت در آنها صرفاً محدود به کارگران شاغل نیست. کارگران

مستقل و در واقع کارفرمایان نیز می توانند عضو شوند. اما صرفنظر از ابهامی که ممکن است در متن قانون در خصوص اتحادیه های کارگری وجود داشته باشد، تاکید آن بر نقش شوراهای اسلامی کار در سراسر قانون جای تردیدی در مورد نقش مسلط آنها در نظام روابط صنعتی ایران باقی نمی گذارد.

شوراهای اسلامی کار

شوراهای اسلامی کار که در سراسر قانون به آنها اشاره شده است بر اساس قانون مصوب ژانویه ۱۹۸۵ ایجاد شدند. این شوراهای را که از بعضی جنبه ها شبیه شوراهای کار هستند، می توان در کلیه موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی که بیش از ۳۵ نفر کارگر دارند تشکیل داد. ترکیب آنها بر اساس نمایندگی انتخابی به تناسب نیروی کار و یک نفر نماینده مدیریت است. تعداد نمایندگان کارکنان از ۳ نفر در موسسات دارای ۳۶ کارگر تا ۱۱ نفر در موسساتی که ۵ هزار کارگر یا بیشتر در استخدام دارند، متغیر است. اعضای شورا باید مسلمان متعهد، باسواد و ایرانی باشند، باید از حسن شهرت برخوردار باشند، نباید هیچگونه پیوندی با رژیم سابق داشته باشند. طرفداران گروههای مخالف جمهوری اسلامی، واجد شرایط نیستند.

وظایف شوراهای اسلامی کار منجمله عبارتند از بهبود همکاری در میان کارگران به نفع کارگاه خود، راهنمایی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ارتقاء مهارت آنان، نظارت بر عملکرد کارگاه و همکاری با مدیریت آن در تهیه برنامه های توسعه، بررسی شکایات کارگران و تلاش جهت بهبود شرایط کار، و ارائه پیشنهاد به مدیریت در خصوص موضوعاتی از قبیل ترفیع و ارتقاء، زمان کار و استراحت، دستمزد، حفاظت و بهداشت کار، خدمات اجتماعی و غیره. شورا در مقابل کمیسیون منطقه ای سه جانبه ای (هیات موضوع ماده ۲۲) پاسخگو است که حق دارد شورایی را که از وظایف قانونی خود تخلف کند، منحل نماید.

شرایط ثبت

اتحادیه کارگری - صرفنظر از ماهیت آنها - می بایست نزد وزارت کار به ثبت برسند و باید اساسنامه خود را جهت تصویب به این وزارتخانه تسلیم نمایند. اینگونه اتحادیه ها حق دارند مراکز استانی و "مرکز عالی انجمنهای صنفی" در سطح ملی ایجاد نمایند. کارگران می توانند "انجمنها و تشکلهای اسلامی"، انجمنهای تعاونی مسکن و مصرف نیز ایجاد نمایند. شوراهای اسلامی که در همه جا حضور دارند می توانند در سطح استان، شورای هماهنگی و در سطح ملی شوراهای هماهنگی تشکیل دهند.

در عین حال مقامات حکومت اسلامی می توانند "در صورت لزوم" نماینده ای در هر یک از تشکلهای یا انجمنهای فوق الذکر منصوب نمایند. وظایف چنین نمایندگان مشخص نشده است.

قرارداد اشتغال

قرارداد می تواند کتبی یا غیر کتبی باشد. اعتبار آن منجمله منوط به این شرط است که طرفهای قرار داد "شرعاً از تصرف اموال یا انجام کار موضوع قرارداد منع نشده باشند". در مقررات گوناگون از کارگرانی که قرارداد اشتغال آنان بعلت رویه های حل اختلاف، خدمت

نظام وظیفه، شرکت داوطلبان در جنگ، فورس مازور، مرخصی تحصیلی یا یازدهم غیر موجه، خصوصاً بدلیل اتهامات وارده از سوی کارفرما معلق می ماند، حمایت شده است، و پس از دوران تعلیق معمولاً باید به کار باز گردانده شوند.

توافقها و حل اختلافات دسته جمعی

توافق دسته جمعی بعنوان توافق کتبی راجع به شرایط کار میان یک یا چند "شورای کارگران، انجمن صنفی یا نمایندگان قانونی و... کارفرمایان یا نمایندگان قانونی آنها" یا میان ارکان مرکزی سازمانهای کارگران و کارفرمایان تعریف شده است. توافق های مذکور می بایست به تصویب وزارت کار و امور اجتماعی برسد. اختلافات کار که نتوان آنها را از طریق مذاکره مستقیم بین کارفرما و کارگر یا نمایندگان آنان در شوراهای اسلامی کار یا ارکان جایگزین حل و فصل نمود، باید به "هیات رسیدگی" محلی مرکب از یک نماینده دولت، یک نماینده کارفرما و یک نماینده کارکنان احواله گردد.

تصمیمات این هیات رسیدگی پس از ۱۵ روز قطعی است اما چنانچه هر یک از طرفین اختلاف به تصمیم آن اعتراض نماید، می توان موضوع را به "هیات حل اختلاف" که مرجعی بالاتر و در سطح استان می باشد احواله نمود که مرکب است از سه نماینده دولت، سه نماینده کارفرما و سه نماینده کارکنان. چنانچه پیشنهاد هیات (حل) اختلاف پذیرفته نشود، شورای وزیران می تواند، ظرف سه روز، ترتیبی اتخاذ نماید تا کارگاه ذریبط تا رفع اختلاف تحت نظارت مستقیم آن آغاز بکار نمایند. از اعتصاب و تعطیل کارگاه بوضوح ذکر می میان نیامده است. بدترین سناریویی که در قانون پیش بینی شده ظاهراً "تعطیل کار ضمن حضور کارگران در کارگاه یا کاهش عمده تولید از سوی کارگران" است.

خاتمه قرارداد

زمینه هایی که مشخصاً برای خاتمه قرارداد در قانون ذکر شده است عبارتند از فوت، بازنشستگی، از کار افتادگی، انقضای قرار داد مدت معلوم، خاتمه قرارداد در خصوص کار معین، استعفا. خاتمه (قرارداد) به سبب سوء رفتار، در ماده ۲۷ آمده است که مقرر می دارد کارفرما می تواند پس از اخطار کتبی راجع به نقض مستمر قواعد و مقررات انضباطی کارگاه، قرارداد اشتغال کارکنان را خاتمه دهد. این خاتمه (قرارداد) می بایست به تایید شورای اسلامی کار برسد.

چنانچه خاتمه قرارداد اشتغال به سبب ایراد لطمه ناشی از کار به توانایی های کارگر باشد، کارفرما باید به ازای هر سال سابقه خدمت معادل دو ماه دستمزد به وی پرداخت نماید.

هیات (حل اختلاف) می تواند چنانچه از آن خواسته شود، نسبت به اخراج کارگر صدور حکم نماید و چنانچه اخراج را غیر موجه تشخیص دهد حکم بازگشت کارگر را همراه با پرداخت کلیه مطالبات وی از زمان اخراج بدهد. اگر کارگری که بدون عذر موجه اخراج شده است، نایب به بازگشت به کار نباشد کارفرما باید به ازای هر سال سابقه خدمت دستمزد ۴۵ روز را بعنوان جبران خسارت به وی پرداخت نماید.

حداقل دستمزد

شوراهای اسلامی کار همچنین مسئول تعیین

حداقل دستمزد در هر سال با توجه به نرخ رسمی تورم می باشد. طبق قانون حداقل دستمزد می بایست "به اندازه ای باشد تا مخارج زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع ذیصلاح مشخص می گردد را تامین کند" لیکن کاهش شدید سطح میانگین دستمزد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به بعد همراه با ۳۰ درصد تورم به معنای آنست که بسیاری از مردم برای تامین مخارج اولیه ناچار از داشتن شغل دوم می باشند. دیگران باید به کوبن های دولتی که توسط آن سبزی از غذای سویدنی به قانون طرفین قرارداد اشتغال را ترغیب می نماید که در مورد پرداخت پاداش بهره وری قرارداد متعهد کنند تا تولید را افزایش داده... و سطح درآمد کارگران را بالا ببرند.

وزارت کار و امور اجتماعی متعهد است با همکاری کارفرمایان به منظور یکپارچه کردن نرخهای دستمزد و بهبود انسجام بازار کار، طرح ارزیابی و طبقه بندی مشاغل را اجرا نماید.

زمان کار و مرخصی

جمعه روز استراحت هفتگی عادی است. استاندارد زمان کار روزانه هشت ساعت یا هفته ای ۴۴ ساعت است. کارفرمایان کشاورزی به شرط توافق با کارگران مجاز به انعطاف بیشتری می باشند. کارگرانی که به مشاغل سخت، غیر بهداشتی یا زیر زمینی گمارده می شوند نباید بیش از روزی شش ساعت یا هفته ای ۳۶ ساعت کار کنند. بملایم (این) کارگران استحقاق پنج هفته مرخصی سالیانه یا حقوق را دارند که این مدت برای سایر طبقات شغلی یک ماه است با احتساب چهار روز جمعه. به کارگرانی که در شب کار می کنند باید برای هر ساعت کار بین ساعت ۱۰ به بعد از ظهر و ۶ صبح ۳۵ درصد اضافه بر مزد پرداخت شود. این اضافه مزد برای اضافه کاری، ۴۰ درصد است مشروط بر آنکه روزانه از چهار ساعت تجاوز نکند، مگر در شرایط خاص. کارگرانی که در شب کار می کنند یا به کار خطرناک یا سخت می پردازند نباید اضافه کار کنند. کارفرمایان می بایست ترتیباتی برای زمان کار کارکنانی که در ماه رمضان روزه می گیرند فراهم نمایند. این موضوع در مورد دعاهای روزانه نیز صادق است. کارگران همچنین یکبار در طول دوران کار استحقاق یک ماه مرخصی بدون حقوق جهت انجام زیارت مکه را دارند. زنان و جوانان را نمی توان برای انجام کار خطرناک، سخت یا زیان آور استخدام کرد.

مرخصی زایمان ۹۰ روز است که در صورت زایمان توانان ۱۴ روز تمدید می گردد. به توصیه سازمان تامین اجتماعی می توان از کارفرما خواست که تا پایان دوران بارداری زن باردار را به کار سبکتری انتقال دهد. اگر چه قانون در مورد مرخصی مراقبت از فرزند مقرراتی وضع نمی کند، کارفرما بایستی تسهیلات مناسب جهت مراقبت از فرزند را فراهم نموده و بدون کسر حقوق تا پایان دو سالگی کودک، در هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیر دادن به مادر بدهد. حداقل سن اشتغال ۱۵ سال و اشتغال کارگران زیر ۱۸ سال موکول به آزمایش پزشکی است. استاندارد ساعات کار برای کارگر نوجوان ۳۰ دقیقه کمتر از بزرگسالان است.

حفاظت و بهداشت کار

کلیه کارگاهها، منجمله کارگاههای خانوادگی باید مقررات حفاظت و بهداشت کار را که توسط هیات جدیدی مرکب از چند وزیر بنام شوراهای حفاظت کار تدوین می شود رعایت نمایند. این موضوع در مورد وارد کنندگان، تولید کنندگان و عرضه کنندگان ماشین آلات و تجهیزات ایمنی نیز مصداق دارد. (احداث) کارگاهها و کارخانجات جدید موکول به تایید وزارت کار و خدمات فنی شوراهای اسلامی است. کارفرما مسئول حفاظت و بهداشت

توضیح کارگر امروز

بدلیل عدم دسترسی به اصل مقاله در زمانی که نشریه به زیر چاپ می رفت، ترجیح دادیم که ترجمه مقاله مذکور را که در شماره ۶ اسفند ۱۳۷۰ روزنامه کار و کارگر آمده است، چاپ کنیم. لازم به تذکر است که در صفحه بندی مقاله مذکور اشتباهاتی در روزنامه کار و کارگر رخ داده بود که ما سعی در مرتفع کردن آن داشته ایم. بملایم برخی ابهامات ناشی از ترجمه نیز به چشم می خورد.

عبارت داخل پرانتز در سراسر متن از مترجم است.

کارگران خود می باشد. کارگرانی که در معرض خطرات بهداشتی ناشی از کار قرار دارند باید مورد معاینه پزشکی سالیانه قرار گیرند و آنها بیک در معرض خطرات ویژه بوده یا مبتلا به امراض ناشی از کار باشند باید بدون کسر حقوق حسب نظر هیات پزشکی به کار دیگری انتقال یابند. نظارت بر اجرای استانداردهای حفاظت و بهداشت کار بر عهده اداره کل بازرسی کار وزارت کار است. این اداره کل برای بازرسی و ورود به کارگاه، نمونه برداری، بررسی حوادث صنعتی و غیره اختیار تام دارد.

اشتغال و آموزش

از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ جمعیت ایران از ۳۷ به ۵۷ میلیون نفر رسید، در حالیکه اقتصاد مبدل انقلاب و جنگ بی وقفه رویه و مخامت رفته است. نیکوکاری که هم اکنون مسئله ای عمده است، ممکن است برتابت وخیم تر شود. از اینرو قانون کار جدید ایجاد شبکه فراگیر مراکز آموزشی را چه برای بیکاران و چه برای آموزش ضمن کار مقرر نموده است. بملایم مقرر است مراکز خدمات اشتغال در سراسر کشور ایجاد و تسهیلات ویژه ای شامل تعاونیهای - که دولت بانی آنهاست، وام بدون بهره و آموزش های ویژه برای معلولین ارائه گردد.

رفاه کارگران

کارگران مشمول قانون و خانواده آنها حق برخورداری از خدمات بهداشتی دولت را دارند. کارفرمایان مشمول قانون باید کارگران خود را طبق مقررات تامین اجتماعی بیمه کنند. کارفرمایان بزرگ بایستی در نزدیکی کارگاه، منزل مسکونی فراهم نمایند. کلیه کارگاهها باید کلاسهای سواد آموزی بزرگسالان دایر کنند: گواهینامه سواد آموزی شرط لازم برای پذیرفته شدن در هر دوره مراکز آموزشی است. بهر تقدیر از نظر ترمیم قانون از "کارگر" و "کارفرما" کارگاههای خانوادگی و سایر کارگاههای بخش غیر رسمی، که سهم عظیمی از نیروی کار را تشکیل می دهند، ظاهراً از شمول مقررات این مقررات خارج اند.

دستمزد

مرد و زن که در شرایط همسان کار همسان انجام دهند، استحقاق مزد همسان دارند. ضوابط و مزایای مربوط به دستمزد شاعتی و کارمزدی بنا به پیشنهاد و توسط شوراهای اسلامی کار که از گامی سه جانبه به ریاست وزیر کار است تعیین می گردد. مزایای رفاهی و مسکن، پاداش اضافه تولید، مزایای خانواده و مزایای نقدی بعنوان دستمزد در نظر گرفته شده است اما نه بعنوان بخشی از مزد پایه.

منابع

- جمهوری اسلامی ایران، قانون کار، روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۸۷ مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۱
- مجله اکنومیست مورخ ۱۱ می و اول ژوئن ۱۹۹۱
- متن کامل قانون کار به زبانهای فرانسه، انگلیسی و اسپانیولی در نشریه "اسناد حقوق کار" ژنو، دفتر بین المللی کار، شماره ۳، سال ۱۹۹۱

کارگر امروز

اولین سالهای برگزاری اول ماه مه در ایران

برگی از تاریخ یادداشتی چند از تاریخ پرافتخار سازمان کارگران

خود را کنار کشیدند. مجید آخوندزاده به خارج از ایران تبعید شد. بالاخره اتحادیه های کارگری مانند سازمانهای اجتماعی آن دوره را از بین بردند. ولی در حقیقت این یک حرکت شکست خورده نبود. مجاهدین راه آزادی کارگری یک آن از وظیفه خود غفلت نکردند. مرحوم حجازی در آن شدیدترین دوره دیکتاتوری از فعالیت باز نماند. ریاست اتحادیه ها را بعهده گرفت و سازمانها را حتی القیدور در جیدودی که وضعیت اجازه می داد نگاهداشت از بین برد. تا سال سوم ۱۳۰۶ رسید.

این جوان رشید که از مرز - که قلعه آهنین رضاخان بود - عبور کرده و در کنگره کارگران عالم شرکت جسته بود، در مراجعت از اروپا در بندر پهلوی گیر افتاده و زیر شکنجه و فشار شهربانی بدرد حیات حیات بعد از آن، کارگرانی که با جان خود بازی می کردند علی شرقی را روی کار آوردند. سید محمد تنها در اصفهان کار می کرد و بنای اتحادیه پر افتخار آنها را می گذاشت. نهایت این قهرمانان نیز گیر افتادند و اتحادیه ها برای مدت مدیدی تعطیل گردید. بعد از شهریور را البته اشخاصی که مستقیماً در اتحادیه ها دخالت دارند خواهند نوشت.

یکی از اسناد پرافتخار اتحادیه کارگری ارگان رسمی آن است که یک سال تمام با ارتجاع مبارزه نمود. این روزنامه حقیقت است که در زمان خود مشهورترین و مبارزترین و کثیرالانتشارترین روزنامه ها بوده است. برای یادآوری یکبار دیگر اسامی اشخاصی را که می شناسم و در راه مبارزه طبقه کارگر جان دادند، تکرار می کنم:

۱ - سید مرتضی حجازی، اهل تهران. از طفولیت وارد چاپخانه شده، ۱۵ سال از عمر خود را در اتحادیه های کارگری صرف کرده و بالاخره در زندان شهربانی قربانی شده است. مزارش معلوم نیست ولی خاطره او در قلب کارگران همیشه باقی خواهد ماند.

۲ - علی شرقی، اهل گرمسود. از مجاهدین ستارخان بود. بعد به جریان کارگری ملحق گردید. خود کارگر حمل و نقل و ساختمان بود. در کنگره جهانی کارگران شرکت کرد. در سال ۱۳۰۹ توقیف شد و پس از شش سال حبس بلا تکلیف در قصر قجر ظاهراً به مرض سکه قلبی فوت کرد.

۳ - سید محمد اسماعیلی (تنها)، اهل تهران. از کودکی در چاپخانه وارد کار شد. در ۱۷ سالگی عضو اتحادیه بود. بعد برای تشکیل اتحادیه کارگران کارخانه های جنوب به اصفهان و خوزستان رفت. در خوزستان گرفتار شد و پس از هفت سال حبس در زندان قصر، ظاهراً به مرض روحی در گذشت.

۴ - محمد انزلی، اهل اردبیل. حروفچین و معلم بود. پس از چهار سال حبس بلا تکلیف، ظاهراً به مرض آپاندیسیت فوت نمود.

۵ - آقای پوررحمتی، از ملوانان بندر پهلوی بود. پس از مدت مدیدی حبس کشیدن، با حال رفت آوری در زندان قصر در گذشت.

بالاخره عده زیادی از یاروژین و کارگران و اعضای اتحادیه ها در زندانها و تبعیدگاهها از بین رفتند تا پایه اتحادیه های آسروزی ایران گذاشته شد. من از کارگرانی که امروز در اطراف این تشکیلات گرد آمده اند تنها دارم قراموش نکند که این سازمان محصول قربانیها و از جان گذشتگی های بسیاری است و آن را باید حفظ کرد. هر آن و هر دقیقه پرچم آنها بالا برند و راهی را که با اشک و خون نوشته شده است کم نکنند. پیروزی قطعی طبقه کارگر و زحمتکش هدف نهایی ما است.

جعفر پیشه وری

از: کتاب جمعه شماره ۳۴، ۱۸ اردیبهشت ۵۹

من از سازمانهای صنفی پیشه وران زحمتکش که از قدیم در شهرهای ایران وجود داشته است نمی خواهم بحث کنم. اینها اگر چه در اواخر "اتحادیه های صنفی کارگری" نامیده می شدند ولی در حقیقت اتحادیه کارگری به معنای امروز نبوده، جنبه حرفه و صنفی داشتند. استادان و شاگردان در آن با رای مساوی شرکت می کردند. حتی در اغلب مواقع رهبری و ریاست آنها با استادان صاحبکاران بود.

هدف آنها هم با هدف اتحادیه های کارگری توفیر داشت. اتحادیه کارگران برای حفظ حقوق طبقه رنجبر و مزدبگیر مبارزه می کند. اتحادیه های اصناف نظرشان حفظ منافع حرفه خود بوده که در نتیجه منظور استادکاران به واسطه آنها تامین می شد.

بطور تحقیق اولین سازمان کارگری ایرانی، اتحادیه کارگران مطابع تهران است. این اتحادیه اثنای جنگ جهانی گذشته در تحت عنوان "سندیکای کارگران مطابع" تاسیس گردیده بود. کارگران چاپخانه هم موفق شده بودند اتحادیه خود را رسمیت بدهند. کابینه و شوق الدوله برای تعیین حدود کارگر و کارفرما، نظامنامه مخصوصی نوشته و رسماً بدست آنها داده بود. شاید اولین سندی است که بواسطه آن، ساعت کار برای کارگر هشت ساعت تعیین گردیده است.

شدیدترین دوره نهضت کارگری به عقیده من در سابق، سال ۱۲۹۰ بوده است. در این تاریخ بود که اتحادیه های کارگری در اطراف یک مرکز واحد گرد آمده توانست در جامعه اظهار وجود بکند. اگر چه آمار دقیق در دست نیست، ولی بطور تقریبی می توان گفت که عده افرادی که دور اتحادیه ها گرد آمده بودند از هفت هزار نفر تجاوز می کرد. این در آن دوره نیروی شگرفی بشمار می رفت.

در راس شورای مرکزی سید محمود دهگان مرحوم قرار گرفته بود. اتحادیه چاپخانه را که در واقع مهمترین اتحادیه های آنزمان بود سید مرتضی حجازی و سید محمد تنها (اسماعیلی) اداره می کردند. شکرالله نساج رئیس اتحادیه بافندگان، استاد میرزا علی و استاد حسین بنا روسای اتحادیه های بنایان و کارگران ساختمانی بودند. حسن آقا و کی سرام (حقیقت) در راس اتحادیه کفاشان قرار گرفته بودند. آقای ابوالفضل لسانی و آقای فروزش از موسسین اتحادیه محسوب می شدند.

علاوه بر تهران، از اتحادیه کارگران بندر پهلوی باید نام برد که از روی تشکیلات صحیح برای انتخاب آقای محمد آخوند زاده در دوره چهارم - مجلس - شدیداً وارد نبرد سیاسی بوده است. اتحادیه ها در آغاز دیکتاتوری شاه سابق از بزرگترین مخالفین او بشمار می رفتند. از اعتراضات آندوره، من خاطرات بسیار شیرینی دارم که شاید در سرفهش بتوانم بنویسم. نقدا باید از اعتصاب کارگران نانواخانه که چندین روز طول کشید و با موفقیت کارگران خاتمه یافت، و دیگر، از اعتصاب بزرگ معلمین که با نمایش عظیم به آخر رسید اسم برده شود. مخصوصاً نمایش اخیر جالب توجه بود.

پس از سقوط سلسله قاجار و برپا شدن اساس مشروطه و آزادی، اتحادیه های کارگری نیز تحت شدیدترین فشار شهربانی قرار گرفتند. عده زیادی را توقیف کردند. بعضی از سزای اتحادیه ها از ترس مزعوب شده پای

صورت گرفت که طی آن هزاران کارگر نفت دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که مدت درازی به طول انجامید با دستگیری صدها کارگر فعال سرکوب شد. سرکوب وحشیانه این اعتصاب بدست پلیس و ارتش رضاخانی و سازمان پلیس شرکت نفت نتوانست کارگران ایران را سرعوب کند و مبارزه همچنان ادامه یافت. اعتصاب بزرگ دیگر کارگران، بدنبال برگزاری جشن اول ماه مه در سال ۱۳۱۰ آغاز شد.

در این سال، یعنی در سالی که "قانون سیاه" ضد سوسیالیستی به تصویب رسید، سرکوب نیروهای انقلابی به مراتب شدیدتر شد و با دستگیری تقریباً کلیه عناصر فعال جنبش کارگری جوان و نوپای کشور و اختناق حاکم بر مناطق کارگری، فعالیت رو به تعطیل گذاشت. تجدید حیات جنبش کارگری در سالهای جنگ جهانی دوم و پس از فرار رضاخان صورت گرفت. در این دوران نیز تظاهرات و جشن کارگران از تجاوزات و تعدی نیروهای انتظامی پهلوی در امان نماند. چنانکه مثلاً در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵، شش کارگر در کرمانشاه بدست پلیس بقتل رسیدند.

تلخیص از: نوشته خسرو شاکری، مقاله "تکوین و گسترش جنبش کارگری در ایران"، کتاب جمعه شماره ۳۳



تظاهرات اول ماه مه سال ۱۳۵۸ - تهران

در تقاطع خیابانهای جمهوری و فردوسی راه را بر کارگران سد کردند. کارگران مسیر راهپیمایی را تغییر دادند و به سمت میدان توپخانه به راهشان ادامه دادند. بار دوم در نزدیکی میدان توپخانه کارگران برای جلوگیری از درگیری با ضد کارگران تصمیم گرفتند قطعنامه پایانی راهپیمایی را در همانجا قرأت کنند.

نیروهای ملی و عناصر آزادی طلب که اکنون علیه رژیم سستیده و علیه فعالیتهای جنایتکارانه، به خاطر آزادی، علیه مظالم و بی قانونی های دولت بورژوا مبارزه می کنند به حمایت شما احتیاج دارند. شما باید حامی و اساس این گروههای انقلابی، پیشقراولان جنبش آزادیبخش و انقلابی باشید.

وقفه، برای کسب حقوق خود، در زیر بیرق سرخ انقلاب متحد شوید! رنجبران و دهقانان ایرانی مدافع و حامی دیگری ندانند مگر فرقه کمونیست ایران که فرقه رنجبران است.

وقفه رنجبر! تظاهرات کنید، زیر آزادی بشریت به اتحاد و تظاهرات رنجبران بستگی دارد. بیا خیزید! زیرا خیانت، ظلم، استبداد و خودسری دولت اشرافیت ایران تحد و سرزی نمی شناسد. متحد شوید و برای ویران کردن اساس این ظلم و استبداد تظاهرات کنید!

زنده باد اتحاد بین المللی و همبستگی رنجبران زنده باد ستاد فرماندهی انقلاب جهانی، بین المللی زنده باد اول ماه مه! فرقه کمونیست ایران! اول ماه مه ۱۹۷۸ (۱۳۰۷)

صنعتی برگزار کردند. بنا بنوشته مجله ستاره سرخ - ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران، این جشن ماهیتی سیاسی داشت و از طرف حزب برگزار شده بود. در اعلامیه ای که برای دعوت به این جشن بخش شد، رضاخان را اکت دست امپریالیسم انگلستان معرفی کرده و کارگران را فراخوانده بودند تا مبارزه خود را علیه سلسله پهلوی تشدید کنند. در این روز که در اثر یورش پلیس صدها کارگر مبارز دستگیر شدند، عده ای از عناصر میانه رو و اصلاح طلب از قبیل میرزا شهاب و سلیمان میرزا اسکندری (که بعدها از موسسین حزب توده شد) نیز حاضر بودند. اینان، برحسب گزارش مجله ستاره سرخ شماره ۱ و ۲، سال ۱۹۲۹، از ترس پشت درخت مخفی شده بودند و از آیراد سخنرانی سر باز زدند. در این روز کارگران خواستهای زیر را مطرح کردند:

- ۱ - آزادی اعتصاب، ۲ - آزادی اجتماعات، ۳ - روزکار هشت ساعته، ۴ - ممنوعیت کار کودکان، تظاهرات عظیم کارگری بعدی در ایران، روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ در آبادان

اسناد تاریخی نشان می دهد که این روز، پس از انقلاب اکتبر، به هنگام جنبشهای انقلابی در شمال ایران جشن گرفته شد. کارگران ایران، هرچند که تعدادشان محدود بود، با تعطیل کارخانه خود در برگزاری این جشن همت می گذاشتند. رونامه حقیقت که ارگان تیم رسمی اتحادیه های کارگری پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بود، طی مقاله ای به تشریح این روز تاریخی پرداخت. یک سال پس از توقیف این نشریه، روزنامه کار به سردبیری ابوالفضل لسانی (که در آنزمان رئیس اتحادیه معلمین بود و بعدها سناتور شد) پیرامون جشن اول ماه مه مطالبی منتشر کرد. بعدها، پس از تقویت حکومت رضاخان و سرکوب نیروهای مترقی و بویژه اتحادیه های کارگری، رنجبران ایران ناچار شدند جشن اول ماه مه را در باغی در اطراف شهرها و بدور از چشم پلیس مخوف رضاخان برگزار کنند. پس از تجدید فعالیت حزب کمونیست ایران در پائیز ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) فعالیت سندیکایی نیز تشدید شد. در سال ۱۳۰۷ سازمانهای کارگری که تجدید حیات یافته بودند، روز اول ماه مه را در تهران و شهرهای

یادی از اولین مراسم روز کارگر پس از انقلاب - تهران، ۱۳۸۵

اول ماه مه سال ۵۸ بی تردید وسیعترین نمایش طبقاتی کارگران در تمام طول تاریخ برگزاری این جشن بین المللی در ایران بوده است. در اول ماه مه در سال ۵۸ در تهران کارگران با یک راهپیمایی عظیم قدرت و همبستگی طبقاتی خود را به نمایش گذاشتند. از ساعت ۷ صبح روز ۱۱ اردیبهشت کارگران کارخانجات مختلف تهران بندریچ در خیابان ابرویحان جمع شدند و راهپیمایی با شکوه روز کارگر ساعت ۹:۵ آغاز شد.

در جلوی صف هزاران کارگر بیکار و پشت سر آنها صدها هزار کارگر از کارخانجات مختلف در حرکت بودند. تظاهر کنندگان با پلاکاردهایی که بهمراه داشتند خواستهای خود را بیان می کردند. کارگران بیش از ۳۰ کارخانه با شعارها و پلاکاردهای خود در راهپیمایی شرکت داشتند. دهها

اعلامیه حزب کمونیست ایران بمناسبت اول ماه مه ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ شمسی)

از: کتاب جمعه، شماره ۳۳

رفتی رنجبر و زحمتکش، امروز روز اول ماه مه عید رنجبران جهان است. امروز روزی است که رنجبران قدرت تشکیلاتی و اراده دفاع از حقوق و منافع طبقاتی خود را ظاهر می سازند. امروز در سراسر جهان، رنجبران کار را ترک می گویند و روز کار را جشن می گیرند. در این روز رنجبران آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، و سایر کشورها، و البته روسیه آزاد زحمتکشان، در خیابانها تظاهرات برپا می کنند. شعار انقلابی و سرودهای بین المللی رنجبران تمام جهان را به نکان دومی آورد. رنجبران ایرانی تو یکی از افواج این ارتش قدرتمند و محبوب را تشکیل می دهی، تو باید در کنار رنجبران تمام جهان علیه بی قانونی امپریالیسم، استبداد رژیم موجود، جنگ

خونین سرمایه داران و زورگویی های روزافزون کارفرماها قد علم کنی: تو باید برای روز کار هشت ساعته، به خاطر اعلام قوانین مدافع کارگر، به پا خیزی! براهبان و شاه، مالکین ارضی، ملاها، نمایندگان مجلس، سران نظامی، حکام، کارمندان (عالی رتبه) فرمانداران، و کلیه سرمایه داران بر شما حکومت می کنند و از طریق وسائلی که شما و دهقانان فلک زده تهیه می کنید به عشرت زندگی می کنند. اینان به حساب بردگی شما و فلکزدگی شما و دهقانان بدبخت ایرانی زندگی می کنند. امروز شما محکوم به فلاکت هستید. شما به فردا نه امید دارید نه اطمینانی. شما مدام زیر تهدید بیکاری و فقر قرار دارید. دولت اشرافی کثونی هرگز از حقوق شما دفاع نکرده و نخواهد کرد. این دولت نماینده و مدافع اشراف، ملاکین، و سرمایه داران بزرگ ایران، و همچنین دست نشانندگان امپریالیسم خارجی است.

قابل توجه خواننده گان کارگر امروز
نامی است از خوانندگان کثرتی که تا به امروز ما چنانچه کتاب مقاله اعلامیه مکتوب و با هر سند دیگری در این زمینه دارند یک نسخه یا کپی آنها به کارگر امروز هدیه کنند

کارگاه امروز

پایان اعتصاب ۵ ماهه کارگران کاترپیلار در آمریکا

مرکز خبری کارگزاران امروز: روز ۱۵ آوریل بدنیال دو روز مذاکره میان اتحادیه سراسری کارگران اتومبیل سازی و کمپانی کاترپیلار که با میانجیگری دولت صورت گرفت کارگران اعتصابی کاترپیلار پس از ۵ ماه اعتصاب به سر کار بازگشتند. این اعتصاب در نوامبر سال ۹۱ و پس از آن آغاز شد که کاترپیلار از قبول قراردادی که اتحادیه کارگران اتومبیل سازی آمریکا با آن دیر متعقد کرده بود سر باز زد بر اساس سنت قراردادهای هم شکل هرگاه اتحادیه قراردادی با یک کارفرما امضا کند، این قرارداد منبایی برای مذاکره با کارفرمای دیگر در همان رشته است.

به گزارش تایمز مالی بدنیال بن بست مذاکرات، پس از آنکه کاترپیلار اعلام کرد که کارگر جدید استخدام می کند اتحادیه با کارفرما به توافقاتی دست یافت بنا به این گزارش، کمپانی متعهد شد که بجای کارگران اعتصابی کارگر جدید استخدام نکند، پیرامون شرایط کار مذاکره شود و تا حصول یک توافق جدید کارگران تحت شرایط قرارداد قبلی کار کنند و اتحادیه قول بازگشت به کار کارگران را داد.

بدین ترتیب اعتصاب در میان ناباوری کارگران و با اعلام تلویحی قبول قرارداد پیشنهادی کاترپیلار پایان یافت اما کمپانی اعلام کرد که نیروی کارش را بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش خواهد داد.

تدارک اتحادیه های ترکیه برای روز کارگر

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۰ آوریل، رئیس کنفدراسیون اتحادیه های کارگری ترکیه، ترک ایش، اعلام کرد که این کنفدراسیون در تظاهرات جشن اول ماه مه امسال شرکت خواهد کرد تا نشان دهد که روز اول ماه مه روز خونریزی نیست.

به گزارش "ترکیش دیلی نیوز"، شرکت ایلماز رئیس کنفدراسیون در طی جلسه ای با نماینده "کنفدراسیون اتحادیه کارگری انقلابی" (دیسک) که خواهان برگزاری آکسیون مشترک با "کنفدراسیون اتحادیه های کارگری ترکیه" در روز اول ماه مه است دیدار کرد. "دیسک" اعلام داشت که با تمام اتحادیه های کارگری که برای رسمیت شناسی جشن اول ماه مه مبارزه می کنند حاضر به همکاری است.

پس از این جلسه دو کنفدراسیون بر سر این مسئله که اول ماه مه یک روز رسمی برای جشن گرفتن کمک و سهم کارگران در اقتصاد ملی است، توافق کردند. "شوکت ایلماز" گفت که کنفدراسیون قصد دارد که امسال اول ماه مه را در فضای سر بسته و در سالهای آتی در خیابانها جشن بگیرند. این دو کنفدراسیون در



1 mayıs 1977 taksim DİSK birlik mücadele dayanışma

خواست شان از دولت و پارلمان مبنی بر قانونی کردن برگزاری جشن اول ماه مه مصمم هستند.

جریمه کارگران اعتصابی در ایتالیا

مرکز خبری کارگر امروز: مدیریت راه آهن دولتی ایتالیا تهدید کرد که دستمزد کارگرانی که مسئول برگزاری اعتصاب غیرمجاز و ۲۴ ساعته رانندگان لوکوموتیو در روز ۱۱ آوریل بودند افزوده نخواهد شد تاکنون دولت ایتالیا برای محدود کردن اعتصاب کارگران ترانسپورت تصمیمات ویژه ای گرفته است اما این اولین باری است که کارگران اعتصابی با عدم پرداخت افزایش دستمزد تائیمزالی، اعتصاب اخیر به گزارش تایمز مالی، اعتصاب اخیر توسط یک اتحادیه رانندگان که با قرارداد

فرانسه:

اعتصاب رانندگان در برو

مرکز خبری کارگر امروز: اتحادیه های "ت اف د ت"، "سی اف تی سی"، "اف او"، "ت ج ت" و شرکت ترانسپورت شهر برو در فرانسه تصمیم گرفتند که رانندگان بین روزهای ۲۳ تا ۲۷ آوریل یکروز را دست به اعتصاب بزنند. به گزارش نشریه لیبراسیون چاپ فرانسه، این اعتصاب در اعتراض به پایمال شدن حقوق رانندگان و قربانیان این شغل صورت خواهد گرفت.

کارگران فرانسه ۱۲ بندر را اشغال کردند

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۲ آوریل، کارگران اعتصابی بندر، ۱۲ بندر فرانسه را به اشغال خود درآوردند و مانع انتقال بار به شمال آفریقا شدند.

به گزارش خبرگزاری رویتر، به گفته اتحادیه کارگران بندر ۹۷ درصد از مجموع ۸۳۰۰ کارگر بندر به فراخوان اتحادیه پاسخ مثبت دادند و در اعتصاب شرکت کردند. اعتصاب در اعتراض به دولت فرانسه برای تغییر شرایط کار و از بین بردن مشاغل بود. کارگران اعتصابی شب ۲۱ آوریل دو بندر "مارسی" و "بردو" را بلوکه کردند و به این ترتیب اعتصاب به ۱۰ بندر دیگر کشیده شد.

احتمال اعتصاب کارگران خدمات اجتماعی در آلمان

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۵ آوریل، بدنیال بی نتیجه ماندن مذاکرات میان اتحادیه های خدمات عمومی و دولت بر سر دستمزد ۴ اتحادیه بخش خدمات عمومی اعلام کردند که تصمیم به اعتصاب را به رای کارگران خواهند گذاشت. به گزارش تایمز مالی، اتحادیه ها پیشنهاد نهایی دولت مبنی بر ۴/۸ درصد افزایش دستمزد را نپذیرفتند. وزیر داخلی آلمان اعلام کرد که افزایش دستمزد برای ۳ میلیون کارگر این بخش برای دولت معادل ۹ میلیارد دلار در سال تمام خواهد شد! دبیر اتحادیه "اوتو" که ۱/۲۵ میلیون عضو دارد و پس از "اگ-متال" بزرگترین اتحادیه آلمان است گفت که میزان افزایش دستمزد پیشنهادی دولت

اتحادیه کارگران نظامی در آمریکا برسمیت شناخته شد

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران نظامی در کمپانی کامپیوتر اهل پس از یکسال مبارزه موفق شدند کارفرما را ناچار کنند اتحادیه آنها را برسمیت بشناسد.

به گزارش نشریه "سن خوزه مرکوری نیوز" چاپ آمریکا، این پیروزی بدنیال بایکوت بین المللی تولیدات کمپانی، اعتصاب غذا و از طریق پیگیری در مراجع قانونی ممکن شد. شاید این پیروزی برای برسمیت شناسی اتحادیه که تنها ۱۳۰ کارگر تحت استخدام شرکت مقاطعه کار نگهداری ساختمان "شاین" را در بر می گیرد چندان بزرگ بنظر نیاید اما این اولین قدم برای برسمیت شناسی اتحادیه در تمام شرکت های مقاطعه کاری است که کارگران نظامی را استخدام کرده اند. شرکت "شاین" پذیرفت که کارگران در اتحادیه سراسری کارگران خدمات نمایندگی شوند. نماینده

حداقل یک کارگر ساده در آلمان هم اکنون چیزی نزدیک به ۱۰۰ مارک در روز است. با اینکه در پرتقال قانونا افراد ابتدا از سن ۱۴ سالگی می توانند به کار گمارده شوند اما بسیاری از مصطلین در سن ۱۲ سالگی مدرسه را رهایی کنند و مشغول بکار می شوند. پیاده روهای بسیاری از شهرهای بزرگ اروپا با سنگهای کوچکی سنگفرش شده است که حاصل کار سخت کودکان کارگر در پرتقال است، مزد کودکان بشکل قطعه کاری پرداخت می شود و برای هر سنگ آماده شده ۹ فنیک، کمتر از یک دهم مارک است دستمزد می گیرند.

داد. دست اندرکاران جنبش کارگری آمریکا پایان غیرمترقبه این اعتصاب و نتایجش را یک ضربه اساسی به اتحادیه کارگران اتومبیل ساز آمریکا و کل جنبش کارگری تلقی می دانند.

به گزارش هفته نامه "بیلیتنت" چاپ آمریکا، اعتصاب ۵ ماهه ۱۰۸۰۰ کارگر عضو اتحادیه سراسری کارگران اتومبیل سازی در کاترپیلار یکی از مهم ترین اعتصابات جنبش کارگری آمریکا در دهه اخیر است. اعتصاب کارگران علیه کمپانی کاترپیلار که تلاش دارد برای سود بیشتر دستاوردهای مهم کارگران را در بهبود شرایط کار و مزایا و میزان دستمزد باز پس بگیرد، مورد حمایت وسیع کارگران آمریکا قرار گرفت. تلاش کمپانی برای استخدام کارگران اعتصاب شکن در طی اعتصاب به مبارزه وسیع کارگران علیه کمپانی دامن زد. میزان کنونی دستمزد کارگران کاترپیلار در نتیجه سالها مبارزه کارگران و نه سخاوتمندی کمپانی کسب شده است.

احتمال اعتصاب کارگران خدمات اجتماعی در آلمان

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۵ آوریل، بدنیال بی نتیجه ماندن مذاکرات میان اتحادیه های خدمات عمومی و دولت بر سر دستمزد ۴ اتحادیه بخش خدمات عمومی اعلام کردند که تصمیم به اعتصاب را به رای کارگران خواهند گذاشت. به گزارش تایمز مالی، اتحادیه ها پیشنهاد نهایی دولت مبنی بر ۴/۸ درصد افزایش دستمزد را نپذیرفتند. وزیر داخلی آلمان اعلام کرد که افزایش دستمزد برای ۳ میلیون کارگر این بخش برای دولت معادل ۹ میلیارد دلار در سال تمام خواهد شد! دبیر اتحادیه "اوتو" که ۱/۲۵ میلیون عضو دارد و پس از "اگ-متال" بزرگترین اتحادیه آلمان است گفت که میزان افزایش دستمزد پیشنهادی دولت

اتحادیه کارگران نظامی در آمریکا برسمیت شناخته شد

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران نظامی در کمپانی کامپیوتر اهل پس از یکسال مبارزه موفق شدند کارفرما را ناچار کنند اتحادیه آنها را برسمیت بشناسد.

به گزارش نشریه "سن خوزه مرکوری نیوز" چاپ آمریکا، این پیروزی بدنیال بایکوت بین المللی تولیدات کمپانی، اعتصاب غذا و از طریق پیگیری در مراجع قانونی ممکن شد. شاید این پیروزی برای برسمیت شناسی اتحادیه که تنها ۱۳۰ کارگر تحت استخدام شرکت مقاطعه کار نگهداری ساختمان "شاین" را در بر می گیرد چندان بزرگ بنظر نیاید اما این اولین قدم برای برسمیت شناسی اتحادیه در تمام شرکت های مقاطعه کاری است که کارگران نظامی را استخدام کرده اند. شرکت "شاین" پذیرفت که کارگران در اتحادیه سراسری کارگران خدمات نمایندگی شوند. نماینده

کار کودکان در پرتقال

غیر قانونی کودکان شدند، اما آمار رسمی این کشور گواه بر بکار گماردن غیر قانونی کودکان در ابعاد وسیع است و از ارقام ۴۰۰ هزار و ۷۰۰ هزار صحبت می کنند. کودکان ۹ تا ۱۳ ساله در این کشور روزانه تا ده ساعت به کار گمارده می شوند، آنهم برای مزدی معادل ۲۵۰ مارک آلمان در ماه. این در حالیست که مزد حداقل یک کارگر در پرتقال ماهانه ۴۶۵ مارک است. مزد

اخبار کوتاه

آلمان، انفجار معدن

روز ۱۵ آوریل، در انفجاری که بر اثر تراکم گاز متان در یکی از معادن زغال سنگ شهر "برگ کاسن" روی داد ۶ کارگر معدن کشته شدند. یک معدنچی بشدت زخمی شد و یک ساعت پس از انفجار به بیمارستان منتقل شد. او هنوز در خطر مرگ قرار دارد زیرا بیش از ۸۰ درصد پوستش سوخته است.

بریتانیا، افزایش دستمزد در راه آهن

قرار است رهبران اتحادیه ها که بیش از ۱۱۶ هزار نفر از کارکنان راه آهن را نمایندگی می کنند در مورد پیشنهاد ۴/۵ درصد افزایش دستمزد تصمیم بگیرند. این اولین قرارداد دستمزد از زمان انتخابات اخیر در بریتانیاست. در حال حاضر نرخ تورم در بریتانیا ۴ درصد است.

بریتانیا، سوانح و حوادث کار

روز ۷ آوریل، ۸ معدنچی در یک معدن زغال سنگ در شمال یورکشایر زندانی شدند. گروههای نجات پس از ۱۵ ساعت موفق به نجات معدنچیان شدند. در این سانحه هیچکدام از معدنچیان زخمی نشدند.

روز ۱۱ آوریل، در اثر انفجاری که در یک سکوی نفتی "کلیموراول" در دریای شمال رخ داد ۴ کارگر نفت زخمی شدند.

ترکیه، قرارداد جدید کارگران خدمات

در اواخر ماه مارس، اولین قرارداد دستمندی امسال کارگران بخش خدمات منعقد شد. به گزارش "ترکیش دیلی نیوز"، کارگران نفت "بوتاش" که یک کمپانی دولتی است به ۱۵۰ درصد افزایش دستمزد دست یافتند. این قرارداد شامل ۹۸۰ کارگر تحت استخدام "بوتاش" می شود.

معدنچیان در بریتانیا در آستانه اعتصاب

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۷ آوریل، معدنچیان ناحیه یورکشایر به اعتصاب علیه "اداره زغال سنگ" بریتانیا که تصمیم دارد کار را به کمپانی های خصوصی محول کند، رای مثبت دادند. به گزارش تایمز مالی، با آنکه ۵۱۳۱ نفر از کارگران به نفع اعتصاب و ۴۹۸۴ نفر در مخالفت با اعتصاب رای دادند اما هبستگی میان معدنچیان یورکشایر و معدنچیان بریتانیا از مذاکره بر سر مطالبه کارگران خودداری کند اتحادیه فراخوان اعتصاب اتحادیه تبعیت کنند. اعتصاب معدنچیان در سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۴ "اداره زغال سنگ" بریتانیا را بشدت تحت فشار گذاشت. از آن زمان تاکنون معدنچیان چندین بار برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار رای به اعتصاب دادند اما در نهایت اعتصابات لغو شدند. معاون اتحادیه سراسری کارگران معدن در یورکشایر اعلام کرد اگر "اداره زغال سنگ" بریتانیا از مذاکره بر سر مطالبه کارگران خودداری کند اتحادیه فراخوان اعتصاب خواهد داد.

از زمان اعتصاب عظیم معدنچیان بریتانیا در سال ۱۹۸۴، نیروی کار معادن یورکشایر از ۳۸ هزار نفر به ۱۳ هزار نفر کاهش یافته است.

کارگران کشتی سازی شرق آلمان

قیام علیه سیاست بی وجدان

خیزش علیه سیاست ضد کارگری حکومت



اجتماع کارگران کشتی سازی شرق آلمان در مقابل کاخ پارلمان

هنگامی که علیه کارگران سیاستهای خود را پیش می برد، چگونه با مقاومت کارگران و مردم رویو می شود.

راه حل یکپارچه

در سال گذشته تمام طرفهای درگیر بر این نکته وحدت داشتند که در امر خصوصی کردن کارخانه های کشتی سازی شرق آلمان بایستی حداکثر مصلحتهای کار و منطقه صنعتی در مکلنبورگ - فورپومرنگهداری و حفظ شوند. بنابراین سه شاخه مرکزی یعنی کمپانی ماشین آلات و کشتی سازی آلمان، تکنولوژی دریایی و کشتی سازی، کارگاه کشتی سازی نپتون - وارنوو (روستوک - وارمزونده) و کمپانی روستوکی موتور کشتی سازی با مجموع حدود ۱۰ هزار کارگر و کارمند می بایستی مجموعاً تحت پوشش مجتمع کشتی سازی هانزا و شرکت سهامی ماشین سازی روستوک هدایت گردد و بعد بعنوان یک مجموعه به شرکت فراگیر متصل گردد. هیئت مدیره، شوراهای کارخانه کارخانه و آ.ی.گ. متال، "بنیاد خصوصی..." و حکومت ایالتی همه در این باره نظر واحدی داشتند که کشتی سازیهای مکلنبورگ - فورپومرنگه بایستی بعنوان هسته مرکزی صنایع در این ایالت حفظ شوند و در سطح ملی و بین المللی از نظر اقتصادی تحت پوشش قرار گیرد.

خیانت در پارلمان محلی

کمپانی برمنی و ولکان به چنین راه حل

شورش مسلح آمیز کارگران کشتی سازی تنها حکومت محلی مکلنبورگ - فورلومرنگه را مجبور به استعفا نکرد. آنها اکنون به خیلی چیزهای دیگر رسیده اند. در تمام شرق و غرب آلمان مردم درک کرده اند که سیاست حکومت فدرال و "بنیاد خصوصی کردن صنایع در شرق آلمان" تمام پایه های زندگی انسانها را نابود می کند. هدف این مبارزه بازسازی بجای نابود سازی است و این چیزی است که تا سرنوشت کارگاههای کشتی سازی روشن نشود، ادامه دارد.

لنگر سنگین چند تنی، قطعات ماشین آلات و صفحات فولادی نشان می دهند که انسانهایی که در روز ۱۷ مارس مقابل "بنیاد خصوصی..." یک پست نگهبانی سمبلیک گذاشته اند، از کجا آمده اند. آنها در نیمه های شب از مناطق مختلف ساحلی در شرق آلمان به پایتخت آمده اند تا با تظاهرات خود به همه نشان بدهند: "در این محل علیه انسانهای کارکن در ساحل تصمیم گرفته خواهد شد" و "ما علیه آن مبارزه می کنیم".

کارگران کشتی سازی در مکلنبورگ - فورپومرنگه در چند هفته اخیر نشان داده اند که مجدانه بر مطالباتشان با فشاری می کنند: آنها با تظاهرات، میتینگ، گردمایی، نگهبانی در مقابل ادارات، سدود کردن خیابانها و اتوبانها و اشغال کارگاههای کشتی سازی برای حفظ شغل خود مبارزه کردند و خود را علیه سیاست مافیایی که نه تنها در ایالات بلکه در سطح سراسری نیز از طرف قدرتمندان اعمال می شود مجبور کردند.

در ایالت خودشان (ساحل شمالی دریای شرق)، اعتراض کارگران کشتی سازی بیک جنبش شهروندان تبدیل شده است. کارگران ساختمانی، رانندگان اتوبوس، کارمندان و حتی پلیسها، زنان خانه دار، محصلین و دانش آموزان و بازنشستگان همگی در "جماع عمومی کارخانه ها" که در نقاط چهار راه ها برگزار می شوند، شرکت می کنند، پلها و مینادین را بلوکه می کنند و هنگامی که قطارهای شهری و اتوبوسها به نشانه همبستگی سر ساعت ۵ دقیقه به ۱۲ متوقف می شوند، برای آنها هورا می کشند.

اعتراضات توده ای به سیاست فروش کارگاههای کشتی سازی هم باعث سقوط گومولکا رئیس حکومت محلی شد و هم برنامه احزاب سابق (دمکرات مسیحی و لیبرالها)، را برای شکل دادن به یک حکومت جدید با بن بست رویو ساخت. کارگران و شهروندان در این بیان تنها یک راه حل برای خروج از بن بست حکومتی می بینند: انتخابات جدید. کارگران کشتی سازیها با آکسیونهای خودشان، برای بسیاری از مردم و کارگران در شرق آلمان، پیام مقاومت در برابر بیکار سازیها، اخراجها و نابودی اجتماعی را ارسال داشته اند و به "بنیاد خصوصی..." نیز نشان داده اند که

کل ایالتی دموکرات مسیحی و وزیر راه و ترابری فدرال در آخر فوریه در مقابل اجتماع کارگران کشتی سازی خواهان استعفا وزیر دارایی ایالت شد. در روز ۱۱ مارس که قرار بود در پارلمان شورین بحث بر سر آینده کارخانه های کشتی سازی صورت پذیرد حدود ۱۰ هزار کارگر کشتی سازی از تمام قسمتهای ایالت در مقابل قصر محل پارلمان اجتماع کردند. بسیاری از آنان از هفته ها پیش درست نخوابیده بودند و روز و شب در کارخانه های اشغال شده نگهبانی داده بودند. آنها در دسته های کوچک و بزرگ در رابطه با سرنوشتشان و طرح فروش تک تک کارخانه ها که در آن هزاران کارگر شغل خود را از دست خواهند داد بحث می کردند و باین طرح ضد کارگری معترض بودند. خشم و یاس همراه با انتظار در چهره های زنان و مردان هویدا بود. هنگامی که یکی از نمایندگان دموکرات مسیحی پارلمان نظر فراکسیون خود را علیه فروش تک تک کارخانجات و راه حل یکپارچه به گوش آنها رساند بارقه هایی از امید در دلهاشان پدیدار شد.

اما همین سیاستمداران بعد از مشورت با یکدیگر درست عکس آن رای دادند. با این بهانه که ائتلاف دموکرات مسیحی و لیبرالها در پارلمان نباید بخطر افتد! این خبری بود که رئیس شورای کارخانه خانم اینگه پوهلمان با خشم و نومییدی بهمه اطلاع داد. "آنها وجدان ندارند" این چیزی بود که این خانم با صدای بلند اعلام کرد. او ادامه داد "والا نمی توانستند همگی علیه تمایل و نظر خود رای بدهند". یکی از همکاران که دیگر تحمل یک چنین پارلمانی را نداشت در حالی که فریاد می زد، فشاری که از طرف سیاستمداران بما تحمیل شده، غیر قابل تحمل است، بطرف سالن محل نشست شروع به دویدن کرد.

در میدان مقابل قصر پارلمان شورین که "خیانت" حکومت علیه کارگران کشتی سازی آمده می شد، کارگران هر کدام خشم خود را چنین بیرون می ریختند باید "شرم کنید"، "جنایتکاران!". یک زن تظاهر کننده با خشم گفت: "این درست مثل سابق است" دیگری پاسخ داد: "نه، از گذشته بدتر است، در سابق حداقل کار ما و محل سکونت ما را برآیمان باقی می گذاشتند". اینها اعضای سابق حزب حاکم آلمان شرقی نبودند که چنین می گفتند، بلکه زنانی بودند که علیه رژیم سابق تظاهرات کرده بودند و تعدادی از آنها هم فعال محلی و عضو احزاب ائتلافی هستند.

انتخابات جدید، خواست فوری!

یک روز قبل از رای گیری پارلمان در مورد کشتی سازیها که نتیجه آن کارگران تظاهر کننده را هاج و واج کرده بود، هیئت مدیره "بنیاد

خصوصی..." در برلین تصمیم گرفت که تکنولوژی صنایع دریایی و کارخانه موتور دیزل کشتی را به کمپانی ولکان برمن و کارگاه کشتی سازی نپتون - وارنوو به کمپانی نیروی کوارنر فروخته شود. در اثر این تصمیم حداقل ۳ هزار محل کار بر سر راه باقی می ماند. خانم بیریت برویل رئیس "بنیاد خصوصی..." بعد از این تصمیم اظهار داشت که "در این تصمیم گیری می بایستی علامات و مسائل سیاسی هم در نظر گرفته می شد".

یک خبرنگار از بن گزارش می دهد که صدراعظم آلمان در مقابل این مسئله چنین عکس العمل نشان داد که "مسئله او حفظ و نگهداری ائتلاف حکومتی است نه حفظ کارگاههای کشتی سازی بهر قیمت!". بقول رئیس شورای کارخانه کنسرن دی.ام.اس "منافع ما بار دیگر قربانی ائتلافهای حکومتی شد!". مبارزه بر سر محل کار بایستی در مکلنبورگ - فورپومرنگه به پیش برده شود. چرا که:

اگر منطقه صنعتی روستوک توسط کمپانی نیروی کوارنر تصاحب شود، در خطر جدی قرار خواهد گرفت. از یک حکومت محلی که توسط ائتلاف دموکرات مسیحی و لیبرالها هدایت شود کارگران در آینده نباید انتظار سیاست دیگری داشته باشند چرا که با کنار گذاشتن رئیس حکومت پیشین "گومولکا" چیزی عوض نخواهد شد.

معدالک خیزش و حرکت کارگران کشتی سازی در ساحل بی نتیجه نخواهد بود. این جنبش کارگران و کارمندان را به خودآگاهی جدیدی علیه نابودی محل کار و بیکار سازیها رسانده است. این حرکت باعث شد کوششهایی که برای ایجاد تفرقه بین کارگران بعمل میآید خنثی گردید و با وحدت یکپارچه کارگران رویو شوند. "بنیاد خصوصی..." مجبور شد مجدداً با کمپانی نیروی مذاکره کند. این مبارزه مردم ساکن این ایالت شجاعت بخشید و آنها را با هم متحد کرد.

در سراسر ایالت موسسات خودیاری شهروندان برای آماده کردن انتخابات جدید تشکیل شده و لیستهای گوناگونی که در آن شهروندان از خواست تغییر حکومت پشتیبانی می کنند، بوفور بچشم می خورد. بقول رهبران یکی از احزاب محلی بعد از استعفای رئیس حکومت مکلنبورگ - فورپومرنگه آنچه که جنبش توده ای پیشنهاد می کند تنها یک انتخابات جدید است. مردم می گویند "زمان برای دور ریختن کهنه و بدرد نخورد فرا رسیده است".

از نشریه: متال، ارگان اتحادیه کارگران فلز آلمان

وضعیت کارگران خارجی در آلمان

زن خدمتکار - یک سرنوشت تلخ

از: "هاتز" نشریه بیکاران هانوفر در آلمان

سخن گفت، مگر نزد روسای شرکتیهای مذکور! خانم آی یک زن ترک تجربیات خود را بعنوان یک زن نظامتچی برای مجله ما (هاتز، نشریه بیکاران هانوفر در آلمان) تصویر می کند: "از زمانی که به آلمان آمدم سالها می گذرد. من در یافتن کار هیچ شانسی نداشتم و کاری گیرم نیامد. تازه بعد از مدتها جستجو هنگامی که سرانجام کاری پیدا کردم، نمی توانستم از شانس و خوش شانسی حرفی بزنم. زیرا شغل ظرفشویی بود. من می بایستی در یک محوطه بسیار سرد کار کنم. کس دیگری این کار را نمی کرد، اما من راه دیگری نداشتم.

با آنکه اجازه کار نداشتم، من را استخدام کردند و رئیس شرکت برای من یک اجازه کار درخواست کرد و از این

کار شرکتیهای خصوصی با گروههای کار نظافتگر که ادارات و ساختمانهای دولتی را با سرعت بیشتری گردگیری و جارو می کنند، ادارات و کرایدورهای ساختمانهای دولتی و مدارس و بیمارستانها را تمیز و همه جا را با نظم و ترتیب بیشتری برق می اندازند، بطوریکه انسان فکر می کند که این کار تاثیر مهمی بر سلامتی عمومی دارد، امروز در همه جا رونق گرفته است. راستی آدم نباید خیلی خوشحال باشد که در این شغل "بسیار تمیز" کار می کند؟ در بسیاری از شرکتیهای نظافتکار زنان خارجی مشغول کارند. تحت چه شرایطی این کارها باید صورت گیرد، بندرت می توان از خوشحالی و خوشی

مذاکرات معدنچیان آفریقای جنوبی بر سر دستمزد

اتحادیه همبستگی علیه دولت همبستگی

مرکز خبری کازگر امروز: در ماه آوریل مذاکرات سالیانه صنایع معدن آفریقای جنوبی با اتحادیه سراسری کارگران معدن آغاز شد. به گزارش تایمزمالی، مطالبه کلیدی اتحادیه سراسری کارگران معدن که ۲۰۰ هزار معدنچی سیاهپوست را نمایندگی میکند افزایش ۲۰ درصد حداقل دستمزد در معادن طلا و افزایش ۵۵ درصد متوسط دستمزد در معادن زغال سنگ است. در قرارداد سال گذشته، اتحادیه ها پذیرفتند که در شرایط دشوار اقتصادی در مقابل افزایش دستمزد انعطاف بخرج دهند. در سال گذشته افزایش دستمزد ناچیز بود و به شکل مزایایی در رابطه با میزان تولید پرداخت شد. در ژانویه سال جاری کمیته تعیین دستمزد در اتحادیه سراسری کارگران معدن تصمیم گرفت که قراردادهای مربوط به بازآوری کار را تجدید نکند.

مرکز خبری کارگر امروز: به دعوت اتحادیه همبستگی لهستان نزدیک به ۷۰ هزار کارگر در شهر ورشو در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت دست به تظاهرات زدند. به گزارش خبرگزاریها، ماریان کرژاک لوفسکی سخنگوی اتحادیه همبستگی که در پیشاپیش تظاهرات حرکت می کرد در سخنرانی خود گفت این آخرین اخطار به دولت است. این تظاهرات در اعتراض به افزایش بیکاری و پائین رفتن سطح زندگی کارگران علیه دولتی صورت می گیرد که از یکسال و نیم پیش رهبر اتحادیه همبستگی بر آن حکومت می کند. این بزرگترین تظاهرات علیه دولت از سال ۸۹ تا کنون بوده است.

بابت خوشحال بودم. من از محل کارم که سلامتی ام را تهدید می کرد، راضی نبودم اما از اجازه کار خوشحال بودم. هنگامی که بعداً خواستم در جای دیگری استخدام شوم، متوجه شدم که این اجازه کار فقط برای این کار بخصوص اعتبار داشته و اجازه کار عمومی نبوده است. بهمین علت برای سالهای متمادی در آنجا بعنوان ظرفشو کار کردم و هنگامی که سلامتی ام را از دست دادم اغلب مریض می شدم، این شغل را از دست دادم. مدت زیادی بیکار بودم و شوهرم هم قبل بیکار شده بود. با اینکه شش فرزند داشتیم، اداره کار به من و شوهرم کاری عرضه نکرد. هر چند شنیده بودم که سرپرستان خانوادهمای پرآلاد از امتیازاتی در یافتن کار برخوردار می شوند، اما این حق هم از ما دریغ شد. آنها ما را درجه دوم حساب می کنند، مردم پائین دست حقوق پائین تری دارند! مرتب به اداره کار سر می زدم و بدنال کار می گشتم. چند سال بعد سرانجام دوباره آنها کاری برایم پیدا

الکساندر هبرت عضو کمیته اجرایی اتحادیه قدرت کارگری (اف.ا.و) در فرانسه

تاریخ بشریت تاریخ مبارزه برای آزادی و برابری است



الکساندر هبرت کارگر سابق راه آهن فرانسه، یک فعال کارگری قدیمی و آثارکو سندیکالیست شناخته شده ای است. او در حال حاضر عضو کمیته اجرایی سازمان اتحادیه ای "اف.ا.و" (قدرت کارگری) و دبیر کنفدراسیون در استان لوآر آتلانتیک است. سارا اصلانی همکار کارگر امروز در فرانسه با وی گفتگویی انجام داده است که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

کارگر امروز: اوضاع امروز جنبش کارگری فرانسه چگونه است؟

الکساندر هبرت: از سال ۱۹۸۲ تاکنون برای بی اعتبار کردن جنبش متشکل کارگری در فرانسه کمپین پر دامنه ای با تم "طبقه کارگر دیگر وجود ندارد، اتحادیه بدر نمی خورد، عقیده شده و به گذشته تعلق دارد" و... براف افزاده است. این کمپین با سیاست دولت برای در هم شکستن سیستماتیک دستاوردهای کارگری و تنگ تر کردن عرصه زندگی بر او است، توأم بوده و هست. از لحاظ سیاسی هم احزابی که خود را متعلق به طبقه کارگر می دانستند یعنی حزب کمونیست و حزب سوسیالیست که وارث "اس.اف.آی.یو" سابق است به دلائل مختلف از پایه های خود جدا شده اند و خلاصه اینکه طبقه کارگر فرانسه دیگر حزب ندارد. بنابراین کمپین تبلیغاتی علیه کار متشکل اتحادیه ای، سیاست ضد کارگری دولت حاکم و بی حزب شدن طبقه کارگر اوضاع فعلی را تا حدی توضیح می دهند.

کارگر امروز: بنظر تو که یک آثارکو سندیکالیست قدیمی و مجرب هستی، آتارکو سندیکالیست تاریخچه چه نقشی در جنبش کارگری فرانسه داشته و امروز در چه وضعیتی بسر می برد؟

الکساندر هبرت: جدا معتمد که آثارکو سندیکالیست ها که همان آثارشیت ها در درون طبقه کارگرند نقش مهم و تعیین کننده ای در جنبش کارگری فرانسه داشته اند. آنها ساختاری را بنیاد گذاشتند که امروز هم پا بر جا است یعنی ثروت (ثروت در ابتدای تاسیس خود از سنت آثارکو سندیکالیستی مایه می گرفت). تشکلی با یک ساختار مضاعف. از یکطرف اتحادیه های جغرافیایی (استانی) فرانسی که همه کارگران یک منطقه را مستقل از شاخه و رشته کارشان در بر می گیرد و از طرف دیگر فدراسیونهای سراسری که ظرف گردهمایی کارگران یک شاخه یا رشته معین است. سیاسی شدن جنبش اتحادیه ای فرانسه هم نتیجه فعالیت آثارکو سندیکالیستها است، منظوم حرکت در جهت کسب قدرت سیاسی یا حتی شرکت در انتخابات نیست، بلکه این جنبش سیاست را بخود مربوط می داند و خود را در رابطه با مسائل سیاسی تعریف می کند و این تنها خودش است که مواضعش، دیدگاهش و پاسخیهایش را در این زمینه تعیین می کند، و این کاملا مغایر با سنت سوسیال دموکراسی در جنبش کارگریست که می خواهد اتحادیه ها را تابع سازمانهای سیاسی کند، نه فقط در فرانسه بلکه تقریباً در همه کشورهای لاتین (اسپانیا، ایتالیا) آثارکو سندیکالیست ها بدرجه زیادی جنبش اتحادیه ای را تحت تاثیر قرار داده اند.

در هر حال اگر آثارکو سندیکالیسم امروز بطور متشکل در جنبش اتحادیه ای حضور ندارد اما سنتهای آن باقی مانده و وزن و اعتبار خود را حفظ کرده است.

کارگر امروز: امروز به انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم که هدف و مضمون مهم فعالیت بخش بزرگی از جنبش جهانی کارگری در ابتدای این قرن بود، به شکل اتوبی نگاه می کنند. در مورد آنها تو چه نظری داری؟

الکساندر هبرت: با اینکه خود را انقلابی

می دانم اما هیچوقت آن برداشتی را که رفقای تروتسکیست من از انقلاب دارند، نداشته ام و به قدوسیت انقلابی باور نکرده ام. انقلاب یک مفهوم تجریدی نیست، هیاهو نیست. من آنچه که در جامعه بشری می بینم تحول و تغییر دائمی است، در جهات مختلف و حتی گاه مخالف هم، به شوری و به شرق نگاه کنید، منظوم را می فهمید.

اما سوسیالیسم در معنای عام آن، غلبه بشر بر تناقضاتش از راه مبارزه طبقاتی است و من به این معنا خود را سوسیالیست می دانم و قطعاً این راه سهل و آسان و کوتاهی نیست. سیستم مالکیت سرمایه داری بر تولید زنجیری سر دست و پای بشریت است. این سیستم مدتهاست که بعد از به انجام رساندن پیشرفتهای شگرف، خود انهدام آنها را آغاز کرده است. آخر کجای این طبیعی است که در کشوری مثل فرانسه سه میلیون نفر از کار محروم باشند. این سیستم منجمد است، و بشر باید بالاخره بر این تناقضش غالب شود.

من معتمد آنکه کنترل تولید را در دست دارد، مالک آنست و به این معنا به مالکیت اشتراکی باور داشته ام، یعنی به اینکه جامعه کنترل تولید و مصرف را در دست بگیرد. اما در مورد اینکه چطور می شود آنرا در سطح جهانی سازمان داد و هماهنگ کرد، هیچ تصویری ندارم. از لحاظ تحلیلی به حقانیت آن باور دارم ولی به اینهم در اوائل قرن تصویر می کردیم نیست. برای من یک اصل وجود دارد: من به طبقه کارگر تعلق دارم. تعلق به این طبقه خود بخود به اصول و ارزشهایی تعلق داشتن است، نظیر اینکه مبارزه طبقات موتور محرک جامعه است و در اینمورد من تحلیل مارکس را کاملاً قبول دارم.

کارگر امروز: فروپاشی بلوک شرق، الحاق جوامعی که آنرا تشکیل می دادند به سیستم سرمایه داری غرب، بالا گرفتن جنبشهای ناسیونالیستی و قومی در آنها را چطور می بینی؟

الکساندر هبرت: راستش هیچ فکر نمی کردم. که روزی شاهد نابودی کامل و صاف و ساده شرق و الحاق آن به سرمایه داری و این فاجعه ای که اسمش را اقتصاد بازار گذاشته اند، باشم. تازه کار به همین جا تمام نشده، نه تنها "انسان نوینی" خلق نشد بلکه این انسانهای موجودیم بدلائل "ملی" بجان هم افتاده

کردند که جنگ صلیبی علیه صدام حسین را بخورد من بدهند، من به آنها جواب دادم که البته آقای صدام حسین شخصیت محترم و قابل توصیه و دفاعی نیست، ولی مسئله ابتدا این نیست. مسئله مردمی است که قرار است قربانی این نظم نوین شوند، یعنی نه فقط مردم عراق بلکه همه کسانی که پس فردا نخواهند این نظم جهانی امپریالیستی را زیر سوال ببرند، این جنگ علیه آنها است. قطعاً با این شکل تحمیل نظم نوین، امپریالیسم آمریکا نمی تواند قدرتش را اعاده کند. ولی می تواند بربریت و عقب نشینی اجتماعی و جنایات تازه ای را موجب بشود. در هر حال بوش و سیاست او ننگ بشریت است، ننگی که با دیدن عکسهای بچه هائلی که در عراق از گرسنگی در حال مرگند، سنگینی اش را بیشتر بر دوشمان احساس می کنیم.

کارگر امروز: در مورد اروپای متحد که در حال ساخته شدن است چه نظری داری؟

الکساندر هبرت: اروپا یک ماشین جنگی تمام عیار علیه طبقه کارگر است. من هرگز طرفدار این اروپا نبوده ام. هر چه که هم امروز بسر طبقه کارگر در اروپا می آورند، به نام همین اروپاست. من تقریباً یقین دارم که این اروپا آن جنبه های ناسیونالیستی را که شاید تا بحال خوابیده بودند، بیدار می کند. ابزار این قانون پایه ای توحش سرمایه داری که هر چه قویتر است پیروز می شود، رقابت است. این اروپا بر پایه رقابت درست می شود. هدف پیروز شدن چارچوبهای ملی ممکن است برای چند صیباخی ناپدید شوند، اما این بسیار کوتاه خواهد بود و ما شاهد بیدار شدن ناسیونالیسم عنان گسیخته ای خواهیم بود. شوری سابق و روند تجزیه و بالا گرفتن جنگ و جدالهای قومی در آن یک زنگ خطر برای ما است. این اروپا خود را برای یک جنگ آماده می کند، اروپائی که رقیب آمریکا و در عین حال پای استوار نظم جهانی بوش است.

کارگر امروز: تو عضو اتحادیه هیئت اجرایی سازمان کنفدراسیون اتحادیه ای "اف.ا.و" (قدرت کارگری) هستی، خط اصلی حاکم بر این اتحادیه و مطالبات چیست و چه جایگاهی در جنبش اتحادیه ای فرانسه دارد؟

الکساندر هبرت: در "اف.ا.و" آنچه که ما را متحد می کند، مشغله ما برای حفظ استقلال اتحادیه ای کارگری است. یعنی اتحادیه کارگری نباید به یک دولت یا به یک حزب وابسته باشد، البته همه ما یک برداشت مشترک از کارهایی که باید انجام دهیم، نداریم. اینرا هم باید بگویم که اف.ا.و خیلی وقتها دینامیک و انرژی نبوده و فرصتهای زیادی را از دست داده است، با اینکه از سال ۸۲ به اینطرف که با سیاست فشار دولت وقت (بخصوص در مورد تعلیق قراردادهای دستجمعی) در افتاده، در مجموع روی خط درستی حرکت کرده تا جائیکه فراخوان اعتصاب عمومی ۲۴ اکتبر ۹۱ علیه سیاستهای دولت، را داده است.

کارگر امروز: در اف.ا.و چه خطوط، جریانها و گرایشهایی وجود دارند، این گرایشها آیا به شکل فراکسیون هائی سازمان یافته اند؟

الکساندر هبرت: در اف.ا.و گرایش سازمانی وجود ندارد، تلاشهایی که از طرف رفقای سوسیالیست ما شده که سیاستهای اف.ا.و را به سیاستهای این حزب بچسبانند، شکست خورده است. اولین دبیر اول اف.ا.و بعد از انشعاب گفته که در این سازمان اتحادیه ای کسانی در موضع اقلیت قرار دارند، اما اقلیتی وجود ندارد، یعنی آنها در گرایش خاصی متشکل نشده اند. منظوم این نیست که جریانها و سنتهای مختلف وجود ندارند، بلکه اینست که این جریانها در هیچ ظرفی متبلور نشده اند. ما با وجود تعلق به سنتهای مختلف به گرایش های مختلف تعلق نداریم که بطور سیستماتیک در مقابل هم بایستند. در اف.ا.و رفرمیست های اتحادیه ای هستند (که به هیچ حزبی تعلق ندارند)، سوسیال دموکراتها هستند، آثارکو سندیکالیستها و تروتسکیستها هم هستند. ما با وجود مشکلات خیلی جدی ای که بعضی اوقات بوجود می آیند و

خاطرات ناگواری که بر ما سنگینی می کنند، در مجموع همزیستی می کنیم و امر مشترکمان یعنی استقلال اتحادیه ای را به پیش می بریم. در اف.ا.و تاکنون سرکوب و اخراج مخالفین وجود نداشته است. با اینکه اینجا و آنجا مثلاً در پست و مخابرات پاریس مشکلاتی بروز کرده، ولی مطمئنم که آنها را از سر خواهیم گذراند.

کارگر امروز: استقلال که اینجا از آن به این شکل مطلق صحبت می کنی بنظر می رسد که از همه شرایط مادی و تاریخی انتزاع شده است، حفظ استقلال برای یک شکل صنفی کارگری هدف درخودی بنظر نمی رسد و درست است که اف.ا.و یک سازمان اتحادیه ای و صنفی است ولی مثل همه اتحادیه های دیگر دستکم در اروپا لابد جهت گیری سیاسی و اجتماعی - منظوم تشکیلاتی یا ایدئولوژیک نیست - معنی دارد. این جهت گیری یا حداقل جهت گیری غالب کدامست؟

الکساندر هبرت: در این مملکت "گرایش" و "جریان" با هم فرق دارند. "گرایش" تشکیلاتی است و "جریان" سنتی. در جنبش کارگری فرانسه هم مثل همه جای دیگر سنتهای مختلف وجود داشته و دارند، حتی اگر تضعیف شده باشند. جنبش اتحادیه ای همه این جریانها مختلف را گرد آورده است. اما آنچه که جنبش اتحادیه ای فرانسه را از خیلی کشورهای دیگر متمایز می کند اینست که این جنبش نه تابع و گوش بزرگ دولت است و نه به هیچ حزب سیاسی ملحق می شود. تمام تلاشهایی که در فرانسه - بخصوص از جانب سوسیال دموکراتها - برای تقلید از مدل "تراوانیسم" (مدل حزب کارگر انگلستان) و حتی صنفی گری شد، شکست خورده اند و اصلاً خود طبقه کارگر فرانسه آنها را شکست داده است. عده خیلی هم هستند که می گویند بخاطر حفظ استقلال از سیاست نباید حرف زد، این برداشت کاریکاتورگونه از استقلال امروز رنگ و بوی چندانی ندارد.

کارگر امروز: در چند ساله اخیر بخشی، هر چند کوچک، از مبارزات اعتصابی کارگری در فرانسه خارج از ساختار سنتی اتحادیه ای صورت گرفته است، که به آن "جنبش هماهنگی" می گویند، جنبش که از یک طرف بر دموکراسی وسیع و تصمیمات اتخاذ شده از پائین و نقش محوری مجمع عمومی متکی است و از طرف دیگر در غالب موارد از چارچوب صنفی گری و محدود نگری، بیرون نیامده است. نظرت در مورد آن چیست؟

الکساندر هبرت: جنبش معروف به "هماهنگی" که بیشترین میدان عملش را در میان پرستاران و پرسنل مددکاران اجتماعی پیدا کرده است، در اعتصاب کارگران ترانسپورت در سال ۸۶ اقلیت کوچکی را در خود جمع کرده بود و اهمیت خیلی کمتری نسبت به "جنبش هماهنگی" پرستاران داشت. البته "هماهنگی" بطور پراکنده در اعتصابات معینی در بعضی کارخانجات هم توانسته طرف مبارزه کارگران باشد. من فکر می کنم "جنبش هماهنگی" درجائی بالا می گیرد که اتحادیه کاریش را درست انجام نداده باشد. "هماهنگی" اگر بخواهد در طولانی مدت در امر دفاع از منافع کارگران موثر باشد بالاخره یکروزی تبدیل به اتحادیه می شود، حتی اگر اسم آنرا چیز دیگری بگذاریم. مثلاً در مجازستان به آن شورای کارگری می گویند چون اتحادیه بدنام و نامعتبر است والا شورای کارخانه مجاری یک سندیکا است با همه عملکرد آن. آنچه که بیشتر از همه چیز در این "هماهنگی"ها تری ذوق می زند همان صنفی گری است که اشاره کردی. نمی شود از یک دسته معین کارگران (مثلاً یک رشته) دفاع کرد در عین حال نسبت به بقیه کاملاً بی تفاوت و بی خیال ماند. کارگر نمی تواند بر پایه بدبختی رفقایش پیروز شود، این خیلی روشن است. صنفی گری مخالف منطق مبارزه طبقاتی کارگر است. بنابراین اگر این "هماهنگی"ها واقعا می خواهند صنفی باقی نمانند باید روزی به یک سازمان اتحادیه ای تبدیل

کارگر امروز

ریو مارتیکانز از رهبران جنبش کارگری فنلاند :

سوسیالیسم برای جنبش کارگری متولد شد و زنده است

ریو مارتیکانز کارگر ساختمانی، عضو شورای اتحادیه کارگران ساختمانی و عضو علی البدل شورای مرکزی سازمانهای اتحادیه ای در فنلاند است. وی مدت ۳۰ سال عضو حزب کمونیست فنلاند بود و فعلاً عضو سازمان اتحاد چپ در فنلاند است. همکاران کارگر امروز در این کشور پیروان بحران اقتصادی حاد فنلاند و جنبش کارگری این کشور با وی گفتگویی انجام دادند که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.



وجود ندارد و این برای کارگران فنلاند، بازنشستگان و کشاورزان مساله خطرناکی است. چون هر چه مدیران اتحاد اروپا بگویند ما باید پیاده کنیم.

کارگر امروز: روشن است که مردم فنلاند تامین اجتماعی خود را از دست می دهند برای نمونه کشاورزان امکان صادرات محصولاتشان را از دست می دهند و به این مسئله کاملاً واقفند نظراتان در این باره چیست ؟

ریو مارتیکانز: در فنلاند کشاورزی خیلی سخت است و به این دلیل هم قیمت محصولات خیلی بالا است و تناسبی با قیمت های بازار کشورهای اروپایی ندارد. ما نگرانیم و جنبشی بزرگ و واقعی هم علیه تدارک رفتن به بازار اروپا نداریم.

کارگر امروز: اتحاد اروپا برای کارگران یعنی فقر، بیکاری و از دست دادن خیلی از تامین های اجتماعی. کارگران فنلاند چگونه باید مبارزه علیه وضعیت بعد از رفتن به اتحاد اروپا را به پیش ببرند و یا با کارگران دیگر کشورها همکاری کنند ؟

ریو مارتیکانز: اتحاد اروپا علیرغم هر مساله ای اجتناب ناپذیر است زیرا سرمایه داران روی آن مصمم هستند. ما باید استراتژی دیگری داشته باشیم، باید تماس بهتری با کارگران کشورهای اروپایی برقرار کنیم و مبارزه مشترکی را به پیش ببریم. باید علیه اتحاد سرمایه داران مبارزه کنیم و بنظر من شعار مارکس و انگلس که می گوید کارگران جهان متحد شوید از هر وقت دیگری واقعی تر است.

کارگر امروز: ارزیابی شما از نقاط قوت و ضعف تظاهرات بزرگ و گسترده کارگران در هلند چیست ؟

ریو مارتیکانز: تظاهرات کارگران در هلند خیلی جذاب بود و نشان داد که هنوز کارگران برای حقوقشان می خواهند بمیدان بیایند. این تظاهرات از طرف اتحادیه های مرکزی سازماندهی شده بود و یک علت آن قصد اتحادیه ها

عقاید و باورهای متعددی وجود دارد و اختلافاتی روی مذاکرات و قراردادهای ما دارند. این اختلافات چیست ؟

ریو مارتیکانز: البته قبل از هر چیز در میان اتحادیه ها اختلافات سیاسی وجود دارد. بعضی از سازمانهای عضو اتحادیه های مرکزی از طرف سوسیال دمکراتها رهبری می شوند و بعضی از طرف احزاب دیگری که چپ هستند و خطوط فکری مختلفی دارند. فکر می کنم ریشه اختلاف بستگی به وضعیت اتحادیه ها دارد. مثلاً اتحادیه کارگران نساجی خیلی ضعیف است چون بسیاری از اعضایش بیکارند. نساجی در فنلاند در معرض خطر است چون قیمت تولید آن خیلی بالا است و رقابت سختی با واردات از خارج دارد. ولی برای نمونه وضع کارگران کاغذ سازی بسیار خوب است. سنا به کارگران این بخش اشرافیت کارگری می گویند. آنها خیلی زود مطالباتشان را گرفته اند. چون پرداخت دستمزد به کارگران در مقایسه با مجموع قیمت کل تولید خیلی کوچک است، برای یک تن کاغذ تولید شده نسبت دستمزد با کل قیمت آن ۱ درصد است. به این دلیل سرمایه داران می توانند مقدار بیشتری به کارگران بپردازند. در نساجی پرداخت دستمزد در کل قیمت تولید تا ۵۰ درصد می رسد و یا حتی بیشتر. در این بخش اکثر کارگران زن هستند و سنا کمتر از مردان دستمزد می گیرند. بنابراین وضع کارگران فرق دارد و هنگام انعقاد قراردادهای اتحادیه های قوی از اتحادیه های ضعیف خوب پشتیبانی نمی کنند. البته در حین مبارزه اتحادیه ها علی العموم از یکدیگر پشتیبانی می کنند ولی نه به بهترین شکل. اتحادیه های ضعیف در مبارزه تنها هستند و اتحادیه های بزرگ تنها وقتی به آنها کمک می کنند که مشکل بزرگی پیش بیاید.

کارگر امروز: آیا کارگران از نقش اتحادیه های مرکزی خوششوند. صادرات محصولاتشان را از دست می دهند و به این مسئله کاملاً واقفند نظراتان در این باره چیست ؟

ریو مارتیکانز: در مجموع کارگران از نقش اتحادیه های مرکزی خوششوند. تظاهرات خوب و ضروری بود. اما بعد از امضای قراردادهای پیمانها عمومی، کارگران زیادی از نتایجش خشمگین شده اند.

کارگر امروز: آیا کارگران مبارزه ای خارج از چهارچوب اتحادیه ها داشته اند ؟

ریو مارتیکانز: بلی. در بعضی از مشاغل کارگران اعتصابات و فعالیتهای بدون اجازه اتحادیه داشته اند ولی باز هم از لحاظ کمی کمتر از سالهای قبل بوده است. فکر می کنم در شرایط خوب کارگران بیشتر تمایل به مبارزه دارند چون امنیت کاری وجود دارد و موارد تاریخی نشان داده است که در شرایط بد اعتصابات زیاد رخ نمی دهد چون کارگران می ترسند و سازماندهی اعتصاب خیلی سخت تر می شود.

کارگر امروز: آیا اتحادیه های مرکزی هیچ برنامه ای در دستور کار خود ندارند که اعتصابات و فعالیتهای کارگری دیگر سازماندهی کنند ؟

ریو مارتیکانز: فکر می کنم ندارند. اتحادیه های مرکزی با دولت و با سازمانهای سرمایه داران برسر قراردادهای به توافق رسیده اند. کارهای خودشان را کرده اند، در روزنامه ای خوانده ام که اتحادیه های مرکزی در سازمانها و دفاتر خودشان همان کاری را می کنند که کمپانیها. یعنی دارند بعضی از کارگران را بیکار می کنند و پامرخصی اجباری می دهند و در سال آینده به همه کارکنان و شاغلین در دفاتر خود دو هفته مرخصی اجباری خواهند داد.

کارگر امروز: در فنلاند اتحادیه های مختلفی وجود دارد که در سایه اتحادیه های مرکزی قرار دارند و در میان آنها

نفع سرمایه داران را در کوتاه کردن مدت کار روزانه یا هفتگی می بینند. چون کارگران باید سریعتر کار کنند و همین کار قبلی را انجام دهند. چندی پیش اتحادیه کارگران ساختمانی از اعضایش نظرخواهی کرد که چه نوع از کوتاه کردن مدت زمان کار را ترجیح می دهند. اکثر اعضا علیه کوتاه کردن زمان کار در روز بودند و بیشتر تمایل به افزایش تعطیلی های سالانه داشتند.

کارگر امروز: بگذار از بیکاری حرف بزنیم، در حال حاضر فنلاند نزدیک به ۲۰۰ هزار بیکار دارد و تخمین زده می شود که تا پایان ۹۲ به نیم میلیون می رسد. اتحادیه های کارگری چه برنامه ای برای آن دارند ؟ خود کارگران بیکار چه فعالیتهایی می کنند ؟

ریو مارتیکانز: بیکاری بخشی از نظام سرمایه داری است و اتحادیه ها کار زیادی از دستشان بر نمی آید. کمپانیها کارگران را از مشاغلشان بیرون می کنند و اتحادیه ها نمی توانند جلوی آنها را بگیرند. مبارزه علیه بیکاری یک مبارزه سیاسی را می طلبد.

در حال حاضر سیستم پرداخت بیمه بیکاری در دست اتحادیه ها است. بیکارانی که وابسته به صندوق اتحادیه ها هستند حقوق بیشتری می گیرند و کسانی که از دولت حقوق بیکاری می گیرند حقوق کمتری دریافت می کنند. اعضای اتحادیه چه شاغل و چه بیکار از حقوق متساوی برخوردارند، کارگران بیکار از اتحادیه بیرون نمی روند و از همان خدماتی برخوردارند که اعضای شاغل. اتحادیه ها می توانند برای حقوق بیکاران مبارزه کنند، ولی مشکل اینست که خود بیکاران برای طرح مسائلشان در اتحادیه فعال نیستند.

در حال حاضر "کمیته نمایندگان سراسری بیکاران" بیکاران را سازمان می دهد. اما متأسفانه هنوز خیلی ضعیف است و به دلیل تعددی اعضای زیادی ندارد. مثلاً به بیکاری بعنوان یک مساله خصوصی نگاه می شود و کارگران بیکار خجالت می کشند و فکر می کنند تقصیر از خودشان است. من خودم ۱۷ سال قبل بیکار بودم، سخت و هولناک بود.

کارگر امروز: اوضاع سیاسی جهان خیلی سریع تغییر کرد بویژه تحولات مهمی در بلوک شرق رخ داد. تاثیر این تغییر و تحولات بر طبقه کارگر فنلاند چه بوده است ؟

ریو مارتیکانز: تغییر و تحولاتی که در جهان و بویژه در بلوک شرق مخصوص رخ داد چنان سریع بود که معلوم نیست به کجا می انجامد. بهرحال اوضاع جهان ناپایدار است و مردم علی العموم منتظرند. اما ما احتیاج به همبستگی، رفاقت و صلح داریم و این اهداف فنا ناپذیرند. هر چند چهره رسمی سوسیالیسم مرده است ولی همبستگی کارگری ماندنی است. سوسیالیسم بعنوان یک عقیده نخواهد مرد. اساس سوسیالیسم و سوسیالیسم مارکس و انگلس است و ۱۵۰ سال قبل بنیان گذاشته اند همیشه زنده است. این عقیده برای جنبش طبقه کارگر متولد شد و آینده و دولت بهتری برای کارگران می خواهد، این عقیده نمرده و زنده است

مبارزات و امور صنفی دارد و عملاً در متحد کردن کارگران در سطوح وسیع تر ناتوان است، علاوه بر آن مصروفیتی در برابر شکل گیری بودوکراسی در درون خود ندارد.

الکساندر هیرت: بهرحال برخلاف اسپانیا، سنت این شوراها در فرانسه وجود نداشته است. خود این شوراها در غالب موارد از پایه مطالبات صنفی حرکت می کنند. مثل کمیته های آزاد در کاتالان اسپانیا. حتی اگر این شوراها روزی موفق شوند که ارگانهای حکومتی را هم تصرف کنند نباید فراموش کرد که در مرحله تشکیل خود لزوماً از احتیاجات مادی و روزمره و بعضاً صنفی کارگران و مردم حرکت می کنند.

بچشم دیده ام، ۳۶، ۵۳، ۵۵، ۶۸. اگر به مورد همین هماهنگی ها برگردیم، آنها هم از حمایت اتحادیه ها برخوردار بودند که بهتر ترتیب و با هر درجه ای از آنها دفاع کردند.

کارگر امروز: ولی مطلوبیت شورا درست به خاطر خاصیت فراصنفی و توانائی اش در هدایت مطالبات و مبارزات سراسری کارگری است، بهلاوه شورا ابزار پیاده کردن اراده مستقیم کارگران است و برای این لازم نیست منتظر دورانیهای انقلابی و متحول شد. برعکس اتحادیه هر چه هم اسم کنفدراسیون را بدنهال بکشد و ساختمان فراصنفی هم برای خود تعریف کند هر روز عملاً دارد ثابت می کند که بیشترین استعداد را برای هدایت

برای نشان دادن ظرفیت و قدرت خود بود. یک نوع نمایش قدرت بود. ولی سوال اصلی این است که رهبرانشان چکار می کنند؟ فکر می کنم جنبش بزرگی در آینده نخواهیم داشت چون قراردادهای در بخشهای ویژه و جداگان تصویب می شود. برای نمونه کارگران فلزکار پیمان خودشان را دارند و کارگران ساختمانی کمپنیهای متعدد و جداگانه ای خواهند داشت. چهار اتحادیه مرکزی این تظاهرات را سازمان دهی کردند که اتحادیه های پزشکان و مهندسان و مدیران هم جزو آنها بودند. اینها اهداف مشابهی با کارگران ندارند. اما علیه دولت تظاهرات کردند که بعضاً هم در مذاکرات تاثیر داشت.

هدف عمومی تظاهرات هلسنکی مبارزه علیه پیشنهادهای سرمایه داران برای پایین آوردن استانداردهای زندگی بود. اما باید بگویم که کارگران فنلاند در حال حاضر زیاد تمایل به مبارزه در این راه ندارند و نگران از دست دادن شغلهاشان هستند و از بیکاری می هراسند. اگر شغل در خطر باشد زیاد تمایل به مبارزه ندارند چون زندگی زیر سوال است.

کارگر امروز: آیا کارگران از نقش اتحادیه های کارگری در تظاهرات و مذاکرات خوششوند ؟

ریو مارتیکانز: در مجموع کارگران از نقش اتحادیه های مرکزی خوششوند. تظاهرات خوب و ضروری بود. اما بعد از امضای قراردادهای پیمانها عمومی، کارگران زیادی از نتایجش خشمگین شده اند.

کارگر امروز: آیا کارگران مبارزه ای خارج از چهارچوب اتحادیه ها داشته اند ؟

ریو مارتیکانز: بلی. در بعضی از مشاغل کارگران اعتصابات و فعالیتهای بدون اجازه اتحادیه داشته اند ولی باز هم از لحاظ کمی کمتر از سالهای قبل بوده است. فکر می کنم در شرایط خوب کارگران بیشتر تمایل به مبارزه دارند چون امنیت کاری وجود دارد و موارد تاریخی نشان داده است که در شرایط بد اعتصابات زیاد رخ نمی دهد چون کارگران می ترسند و سازماندهی اعتصاب خیلی سخت تر می شود.

کارگر امروز: آیا اتحادیه های مرکزی هیچ برنامه ای در دستور کار خود ندارند که اعتصابات و فعالیتهای کارگری دیگر سازماندهی کنند ؟

ریو مارتیکانز: فکر می کنم ندارند. اتحادیه های مرکزی با دولت و با سازمانهای سرمایه داران برسر قراردادهای به توافق رسیده اند. کارهای خودشان را کرده اند، در روزنامه ای خوانده ام که اتحادیه های مرکزی در سازمانها و دفاتر خودشان همان کاری را می کنند که کمپانیها. یعنی دارند بعضی از کارگران را بیکار می کنند و پامرخصی اجباری می دهند و در سال آینده به همه کارکنان و شاغلین در دفاتر خود دو هفته مرخصی اجباری خواهند داد.

کارگر امروز: در فنلاند اتحادیه های مختلفی وجود دارد که در سایه اتحادیه های مرکزی قرار دارند و در میان آنها

بقیه از صفحه ۸ تاریخ بشریت

این کار را از ما کارگران مطالبه می کنند و ما مجبوریم دستورات آنها را اطاعت کنیم. چیزی که من اصلاً نمی توانم بفهمم اینست که چرا نظافت ادارت دولتی خصوصی شده اند؟ خانم "آی" مجبور است بطور متوسط در هر ۲/۵ دقیقه یک اطاق اداری یا یک توالت یا یک آشپزخانه را تمیز کند. بنابراین واضح است که او نمی تواند با این سرعت اطاقها را با کیفیت خوب نظافت کند. مهمتر اینکه با این سرعت کار چه بسر سلامتی کارگران این شرکتها می آید. در اینجا فقط سرد شرکتها نظافتکار تنها چیزی است که بحساب می آید چرا این کارفرمایان "تمیز" کنترل نمی شوند؟

بقیه از صفحه ۷ زن خدمتکار

کردند: نظافت در یک اداره در شهرداری هانوفر. خوشحالی از یافتن این کار چندان طول نکشید زیرا نظافت اداره مذکور بیک شرکت خصوصی داده شده بود. هم اکنون برای این شرکت خصوصی روزی ۴ ساعت کار می کنم و ساعتی ۱۱/۵ مارک می گیرم. با این حقوق غیر ممکن است که بتوانیم زندگیمان را بگذرانیم. بنابراین از کمک دولتی و نیز خدمات اجتماعی استفاده می کنم. من طی ۴ ساعت کار باید ۷۵ اطاق اداره، ۱۸ توالت و ۲ آشپزخانه را نظافت کنم. این غیرممکن است، اما آنها

کارگران امروز

رولف پولسون از رهبران اتحادیه کارگران ساختمانی سوئد:

پناهندگان باید تحت شرایط مشابه با سوئدی ها کار کنند



با افزایش سریع نرخ بیکاری در میان کارگران ساختمانی سوئد، اتحادیه کارگران این رشته که با متشکل کردن ۹۰ درصد کارگران ساختمانی دارای ۱۲۵ هزار عضو است همزمان در ۳۲ شهر یک تظاهرات اعتراضی برگزار کرد. بدین مناسبت رولف پولسون دبیر اتحادیه امروز با رولف پولسون دبیر اتحادیه کارگران ساختمانی جنوب سوئد گفتگویی داشت که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

کارگر امروز: هدف از برگزاری این تظاهرات چه بود؟

رولف پولسون: هدف ما جلب توجه دولت و مردم نسبت به وضعیت بازار کار و بخصوص وضعیت کارگران ساختمانی بود. بیکاری در کل سوئد ۴ درصد است اما در صنعت ساختمان سازی ۱۵ درصد. در شروع سال جدید ۱۷۷۰۰ کارگر ساختمانی بیکار بودند. علاوه بر این ۳۶۰۰ کارگر نقاش، الکتریک، فورمن و کارکنان بخش اداری نیز از کار بیکار شده اند. در منطقه ما حدود هزار کارگر ساختمانی بیکار است و تخمین زده می شود که این رقم بزودی دو برابر شود. به ازای از دست رفتن هر شغل ساختمانی سه شغل دیگر که در رابطه مستقیم با این رشته است نیز از بین خواهد رفت، شغلهایی نظیر تولید وان حمام، دستشویی، چوب بری.

لنا: بنظر می آید که اعتراض شما عمدتا علیه بیکاری است آیا خواسته های مشخصی در این رابطه دارید؟

رپ: ما علیه بیکاری مبارزه می کنیم ولی خواستمان از دولت اینست که سیستم وام بانکی را طوری کنترل کند تا کسانی که قصد ساختمان سازی دارند به آن دسترسی داشته باشند. خواست دوم ما ایجاد سیستم "روت" است که معنایش تعمیر، بنای مجدد و بسط ساختمانی است. چند سال پیش یک چنین برنامه ای در سوئد وجود داشت و توسط دولت سوسیال دموکرات قطع شد. بحث این بود که بجای بازسازی ساختمانهای قدیمی بهتر است ساختمانهای جدید بنا کنیم. اما ساختمانهای قدیمی ماکان هستند و به تجدید بنا احتیاج دارند. ما همچنین از دولت می خواهیم که در بنای زیر ساخت اقتصادی کشور بیشتر سرمایه گذاری کند، نظیر راه آهن.

لنا: بنظر شما چه چیزی باعث بیکاری در سوئد است؟

رپ: از یکطرف به وضعیت اروپا، جهان و رکود اقتصادی ربط دارد. هر کشوری به طریقی می تواند در جهت رفع رکود اقتصادی عمل کند. زمانی اروپا در رکود اقتصادی بسر می برد ولی سوئد دوران رونق را طی می کرد. یک دلیلش دید ما نسبت به کار بود. در سایر کشورها به کار بعنوان یک مسئله مهم در زندگی افراد نگاه نمی شود. فکر می کنند که فقط باید یک درآمد بخور و نمیر به کارگران بیکار بدهند. در سوئد ما به کسی برای اینکه بیکار باشد پول نمی دهیم. ولی در عوض کلاسهای آموزشی داریم و به ازای یادگیری یک حرفه به بیکاران پول داده می شود.

دولت بورژوازی کنونی سوئد همان کاری را می کند که سایر کشورهای اروپا کرده اند. آنها بجای آموزش، به کارگران پول می دهند که بیکار باشند. سیاست اقتصادی اینها افزایش بیکاری برای پایین نگه داشتن تورم است.

۱/۵ درصد بود. وقتی بیکاری از مرز ۲ درصد بالا می رود می شود از بیکاری واقعی صحبت کرد.

لنا: رکود اقتصادی و وضعیت بیکاری در سوئد سالهای ۹۰ کمی مانند وضعیت دهه ۸۰ انگلستان است. در این دهه حزب کارگر انتخابات را باخت و دولت محافظه کار مارگارت تاچر بر سر کار آمد. آنوقت هم دولت جدید، بیکاری موجود در بریتانیا را از دولت حزب کارگر به ارث برده بود. همانطور که می دانید موج اخراجها و بسته شدن صنایع افزایش یافت و کارگران دست به اعتراض زدند. بهترین نمونه آن اعتصاب یک سال و نیمه معدنچیان بود. معدنچیان با اینکه قهرمانانه مبارزه کردند اما به همه خواستههای خود نرسیدند. آیا شما چنین شباهتی بین جامعه کنونی سوئد و بریتانیا دهه ۸۰ می بینید؟ آیا می توان از آن درس گرفت؟

رپ: از بعضی جهات تشابهاتی وجود دارد. در عین حال ما از اشتباهات کارگران بریتانیا درس گرفته ایم. اتحادیه های بریتانیا صنفی است. بطور مثال در یک محل کار ساختمانی برای شغلهای مختلف اتحادیه های مختلف وجود دارد. ما چندین سال پیش متوجه شدیم که یک ساختمان را نمی توان به این شکل ساخت. در سوئد همه کسانی که مشغول ساختن یک خانه هستند در یک سازمان متشکل شده اند. مسئله مهم در این نوع سازماندهی اینست که یک گروه نمی تواند علیه گروه دیگر کار کند و دست از کار بکشد. این فرق ما است. ولی شیوه حمله دولت بورژوازی سوئد به



تظاهرات کارگران ساختمانی علیه بیکاری

لنا: منظورتان اینست که کارگران ساختمانی سرعت و شدت کارشان را خودشان تعیین می کنند و در حقیقت مذاکراتان در این مورد است؟

رپ: بله. ما مثلا می گوئیم که هزینه نیروی کار برای بنای این ساختمان ۱ میلیون کرون است. اگر ما ساختمان را در عرض ۶ ماه بسازیم ساعتی ۹۰ کرون و اگر در عرض ۵ ماه بسازیم ساعتی ۱۱۰ کرون. سپس کارهای مختلف در گروه های کاری بر اساس مهارت تقسیم می شود. اینطور نیست که به قیمت نابودی جسمی باید در کوتاهترین مدت کار را تمام کرد.

لنا: کار ساختمانی یکی از خطرناکترین کارهاست. درصد حادثه در هنگام کار چقدر است؟

رپ: از نظر آماری کارگران معدن در ریسک بیشتری قرار دارند و صنعت ساختمان سازی در رده پنجم آمار مرگ یا صدمه در حین کار است. متاسفانه بیشترین درصد سوانح در اثر افتادن از ارتفاع است. اخیرا چند کارگر در ناحیه ما از بلندی افتادند و جان خود را از دست دادند. کارگران همه بیمه اند و اداره بیمه مخارج بیمارستان آنها را می پردازد. اگر ما ثابت کنیم که سانحه در اثر بی توجهی کارفرما بوده است، آنوقت تقاضای خسارت می کنیم.

لنا: در مجله ماهانه اتحادیه شما مقالهای درباره کار سباه کارگران لهستانی خواندم که اتحادیه کوشیده است کارفرما را به علت استفاده از کار ارزان که خلاف قانون کار سوئد است

لنا: منظور شما اینست که عقلانی کردن صنعت در سوئد با اخراجها و بیکاری همراه نیست؟

رپ: البته در صنعتی که این پرورشه طی می شود کارگران بیکار می شوند. ولی اگر بدنبال آن در صنایع جدیدی که از نظر تکنیکی پیشرفته تر است سرمایه گذاری شود، که به معنای فروش بهتر کالاهای سوئدی است، اشتغال افزایش می یابد. ممکن است بطور موقتی بیکاری بوجود بیاید ولی ما همیشه گفته ایم که این تعداد نباید تا موقتی که کار پیدا کنند آموزش ببینند. بدین شکل درجه دانش کارگران هم بالا می رود. ولی اگر کارگران بیکار شوند و به چیز دیگری مشغول نشوند وضعیت مثل آلان می شود.

لنا: دستمزد متوسط یک کارگر ساختمانی چقدر است؟ هر چند وقت یکبار قرارداد امضا می کنید؟

رپ: سطح دستمزدها بستگی به نوع کار از ۷۰ کرون در ساعت تا ۱۲۰ کرون و گاهی هم بیشتر است. کارگران ساختمانی کنتراتی کار می کنند. البته نه بشکل فردی بلکه بشکل گروهی. در نتیجه کارگرانی که در یک محل، کار مشترک انجام می دهند ولی در گروه های مختلف هستند دستمزد برابر دارند. ما هر روز قرارداد امضا می کنیم و سطح دستمزدها را برای هر پروژه تعیین می کنیم. اکثر اتحادیه ها سالانه قرارداد امضا می کنند و سطح دستمزدها در طول سال ثابت است.

لنا: از آنجا که کار کنتراتی است و شرکت ساختمانی می خواهد هر چه زودتر بنا آماده شود، کارگران مجبورند شدت کارشان را افزایش دهند. آیا اینطور نیست؟

رپ: این نکته قابل بحث است. اینطور نیست که کارگران به محض اینکه به خانه می رسند از خستگی بخوابند. درست است که کار بشیوه آکورد پیش می رود ولی ما همیشه کار را بشکل عقلانی تقسیم می کنیم.

لنا: منظورتان اینست که کارگران ساختمانی سرعت و شدت کارشان را خودشان تعیین می کنند و در حقیقت مذاکراتان در این مورد است؟

رپ: بله. ما مثلا می گوئیم که هزینه نیروی کار برای بنای این ساختمان ۱ میلیون کرون است. اگر ما ساختمان را در عرض ۶ ماه بسازیم ساعتی ۹۰ کرون و اگر در عرض ۵ ماه بسازیم ساعتی ۱۱۰ کرون. سپس کارهای مختلف در گروه های کاری بر اساس مهارت تقسیم می شود. اینطور نیست که به قیمت نابودی جسمی باید در کوتاهترین مدت کار را تمام کرد.

لنا: کار ساختمانی یکی از خطرناکترین کارهاست. درصد حادثه در هنگام کار چقدر است؟

رپ: از نظر آماری کارگران معدن در ریسک بیشتری قرار دارند و صنعت ساختمان سازی در رده پنجم آمار مرگ یا صدمه در حین کار است. متاسفانه بیشترین درصد سوانح در اثر افتادن از ارتفاع است. اخیرا چند کارگر در ناحیه ما از بلندی افتادند و جان خود را از دست دادند. کارگران همه بیمه اند و اداره بیمه مخارج بیمارستان آنها را می پردازد. اگر ما ثابت کنیم که سانحه در اثر بی توجهی کارفرما بوده است، آنوقت تقاضای خسارت می کنیم.

لنا: در مجله ماهانه اتحادیه شما مقالهای درباره کار سباه کارگران لهستانی خواندم که اتحادیه کوشیده است کارفرما را به علت استفاده از کار ارزان که خلاف قانون کار سوئد است

جریمه کند و کارفرما را مجبور سازد که مابه التفاوت دستمزد کارگران لهستانی را بپردازد. ماجرا چه بود؟

رپ: هم اکنون تعداد بسیار بسیار کمی کارگر پناهنده در صنعت ساختمانی داریم. شاید دلیلش کم بها دادن به کار بنایی است. در بسیاری از کشورها کار ساختمانی کار پستی بحساب می آید. بهرو اتفاق افتاده که کارگران لهستانی برای کار آمده اند. مشکل اول اینست که اینها اجازه کار ندارند. البته سر و کله آنهاست که اجازه کار گرفته اند در شرکتهایی پیدا می شود که کار زیادی به قانون و قراردادهای نوشته شده ندارند. خوشبختانه ما از همه پروژه های ساختمانی باخبریم و مسئولین اتحادیه دائما به محلات مختلف سرکشی می کنند. از این طریق متوجه شدیم که کارگران لهستانی با دستمزد ۲۵ کرون در ساعت استخدام شده اند. در صورتیکه قانون کار سوئد باید معیار کار باشد و کارگران لهستانی نیز باید دستمزدی مشابه کارگران سوئدی دریافت کنند. اینکه کارگران اجازه کار نداشتند یک مسئله دیگر است. مهم اینست که کارفرما در این وسط نباید جان سالم بدر ببرد. در چند مورد موفق شدیم که کارفرما را مجبور کنیم که دستمزد کامل کارگران لهستانی را بپردازد. البته این کار از طرف کارگران لهستانی به یک روش کار تبدیل شده است. کارگران می دانند که در سوئد می توانند کار سباه کنند و سپس اتحادیه به کارشان رسیدگی می کند و پولشان را پس می گیرد. وضعیت نباید به این سطح تقلیل یابد. پناهندگان باید تحت شرایط مشابه با سوئدی ها کار کنند.

لنا: راسیسم در سوئد اوج گرفته است. این پدیده را چگونه ارزیابی می کنید؟

رپ: بنظر من در یک کشور سالم خطر رشد راسیسم کم است. وقتی بیکاری رشد یافت همه بدنبال دلیل آن هستند و در این بین برخی گروهها سیر بلا می شوند. نمونههای تاریخی این پدیده موجود است. نازیسم با مقصر دانستن یهودی ها در جامعه رشد کرد.

در صنعت ساختمان سازی تعداد پناهندگان بسیار کم است و بهمین علت کسی دلیل رشد بیکاری را به حساب پناهندگان نمی گذارد. وقتی احزاب سیاسی ای مثل حزب دموکراسی جدید عقیده "پناهندگان از قبل کار سوئدیها زندگی می کنند" را رواج می دهند، آنوقت تشکیل گروههای راسیستی غیر قابل تصور نیست.

لنا: نظر اتحادیه سراسری سوئد در مورد بازار مشترک و عضویت سوئد در آن چیست؟

رپ: اتحادیه سراسری (الاو) موافق عضویت سوئد در بازار مشترک است. چگونگی شرایط عضویت هنوز توسط الاو فرموله نشده است. یک چیز برای ما روشن است و آنهم ابعاد اجتماعی ناشی از عضویت است که بنظر ما سوئد باید در عین زمینه سمبل بازار مشترک باشد. چندین کشور دیگر اروپا نیز گفته اند که قانون کار و امکانات آموزش سوئدی باید مدل سایر کشورها باشد. ولی مشکل اینجاست که سوئد نه با شرایطی که خود می گذارد بلکه با شرایطی که بازار مشترک تعیین می کند عضو می شود. در عین حال خارج بازار مشترک بودن هم وضعیت مطلوبی نیست. ما بخشی از اروپا هستیم و تاکنون هم از طریق "افتا" همکاری داشته ایم.

لنا: عضویت سوئد در بازار مشترک چه تاثیری در جنبش کارگری سوئد دارد؟

رپ: گفته می شود که کارگران تحت پوشش قانون کار کشوری که در آن کار می کنند، هستند. بطور مثال کارگران پرتغالی نمی توانند به سوئد بیایند و با دستمزد کم کار کنند. از طرف دیگر سرمایه سوئدی می تواند به پرتغال برود. سوئد دارای نیروی کار حرفه ای و

کارگزار امروز

آندره کولومبار از رهبران اتحادیه کارگران پست کانادا:

هیتر هم از نظم نوین جهانی سخن می گفت

آندره کولومبار دبیر اتحادیه کارگران پست در شهر تورنتو و از رهبران رادیکال جنبش کارگری کانادا است. در اعتصاب کارگران پست کانادا در تابستان گذشته، دادگاهها طی حکمی نزدیک شدن وی به خطوط پیکت و سخنرانی برای کارگران اعتصابی را ممنوع کردند. وی به درست به این حکم وقعی نگذاشت. در فوریه امسال آندره کولومبار و دو تن دیگر از فعالین اعتصاب را بجرم سرپیچی از قانون محاکمه کردند و در پایان آندره کولومبار را به ۷۰ روز و دو نفر دیگر را هر یک به ده روز زندان محکوم ساختند. وی قبل از شروع دادگاه با امیر پیام از همکاران کارگر امروز در کانادا پیرامون مسائل جنبش کارگری کانادا گفتگویی داشت که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.



آندره کولومبار دبیر اتحادیه کارگران پست کانادا، تورنتو

پرویز شدند و کارگران به حکم قانون مجبور به بازگشت بر سر کار شدند. درسهای این اعتصاب برای کارگران چه بود؟

آک: قبل از هر چیز، با این گفته که محافظه کاران پیروز شدند موافق نیستم. بنظر من محافظه کاران در این دو اعتصاب کاملاً پیروز نشدند. نقشه محافظه کاران در اعتصاب کارگران پست از بین بردن کامل اتحادیه بود. امیدوار بودند که در پایان اعتصاب اتحادیه در هم بشکند و در آینده مزاحمتی برایشان ایجاد نکند. در این زمینه مطمئناً پیروز نشدند. اعضای اتحادیه ما و کل جنبش کارگری درس گرفت که اتحاد برای دفاع از کارگرانی که زیر ضرب قرار گرفته اند، از اهمیت زیادی برخوردار است. تا آنجا که به اعتصاب کارگران خدمات عمومی برمی گردد، بنظر من پیروزی بیشتری نصیب کارگران شد و محافظه کاران پیروز نشدند. اتحادیه کارگران خدمات عمومی تجربه و سنت مبارزه چوبی و اعتصاب بزرگ نداشت و دولت هم این را می دانست و گمان کرد می تواند آنرا از بین ببرد. در نتیجه این اعتصاب، اتحادیه کارگران خدمات عمومی به یک اتحادیه پر قدرت و مبارزه جو تبدیل شد. اتحادیه ای که متوجه است از نظر سیاسی چه اتفاقی می افتد و حاضر است علیه آن بجنگد.

ما امکان طلایی داشتیم. حدود ۲۰ هزار نفر در اوتاوا در مقابل ساختمان پارلمان تظاهرات کردند و وارد پارلمان شدند. کارگران پست در اعتصاب بودند و کارگران ترانسپورت تورنتو نیز اعتصاب کردند. اینها به ما امکان داده بود که همه اتحادیه ها و صنایع را علیه دولت محافظه کار بسیج کنیم. اگر رهبران جنبش کارگری و "کنگره کار کانادا" (تشکیل سراسری کارگران کانادا) مبارزتر بودند و کمپین عمومی راه می انداختند، می توانستیم از این موقعیت

نیستند محل خود را ترک کنند. تنها ملیتی که اینکار را کرده است، آمریکایی ها هستند.

لنا: آیا تأثیرات مثبت هم دارد؟

رپ: بازار فروش کالاهای سوئدی وسعت می یابد. ولی از نقطه جنبش کارگری فکر نمی کنم تغییر آچنانی رخ دهد. حرکت نیروی کار آقدر نخواهد بود که همه فکر می کنند. بگذارید. برایتان یک مثال واقعی و عملی بزنم. زمانی بود که دانمارک در رکود اقتصادی بود و همزمان سوئد دوره رونق داشت و تقاضا برای نیروی کار زیاد شده بود. تعداد دانمارکی هایی که به سوئد آمدند انگشت شمار بودند.

من همیشه گفته ام آدمهای تحصیل کرده و روشنفکر راحتتر از مزدبگیران ساده دست به مهاجرت می زنند.

خطری که من احساس می کنم، بویژه با درنظر گرفتن دخالت دولت بورژوازی سوئد، نقض قرارداد کار سوئد و ورود قانون کار کشورهای دیگر به سوئد است. چیزی شبیه استخدام کارگران فیلیپینی توسط شرکت کشتیرانی سوئدی یا شرایط و قرارداد کاری فیلیپین.

استفاده بهتری بکنیم. رهبران جنبش کارگری باید سایر اتحادیه ها را متوجه این مسئله می کردند که کارگران، در بخش خصوصی و دولتی، یک مشکل مشترک دارند و آتیم تلاش دولت برای از بردن نیروی کارگران در این کشور است. امکان مقابله با این دولت وجود داشت ولی ما آنرا از دست دادیم.

لنا: شما یکی از موسسان "اتلاف همبستگی کارگران" هستید. هدف این سازمان بسیج جنبش توده های کارگر (رنک اند قایل) است. هدف از ایجاد این جنبش و مشکلاتی که در پروسه تشکیلش با آن مواجه خواهید شد، چیست؟

آک: ایجاد جنبش "اتلاف همبستگی کارگران" صرفاً برای اتحادیه ها حائز اهمیت نیست، بلکه برای کل جنبش کارگری نیز اهمیت دارد. توده های کارگر و اعضای اتحادیه ها باید آموزش داده شوند و بشیج شوند و در مسائل دخالت کنند. این مهمترین بخش هدف ماست. اگر رهبران فقط در چهارچوب "کنگره کار کانادا" یا هر اتحادیه دیگر بمانند، حتی اگر بهترین رهبران دنیا هم باشند، کافی نیست. رهبری را رهبر می دانند و در قلب کارگران جا باز کرده و از حمایت آنها برخوردار باشند. بدین صورت کارگران متحد هستند و در مسیرهای مختلف حرکت نمی کنند.

لنا: فدراسیون کارگری اونتاریو در ماه نوامبر با شرکت ۱۴۰۰ نفر کنگره خود را برگزار کرد. کنگره بر سر مسائل مهم بحث کرد و قطعنامه های زیادی نیز به تصویب رساند. نظر شما درباره این کنگره چیست؟

آک: صحبت زیادی ندارم. بسیاری فکر می کنند که ترک جلسه در اعتراض به "حزب دموکراتیک نوین" (ان دی پی) و سخنرانی "باب ری" یک اقدام بسیار مهم سیاسی بود. عده ای از نمایندگان جلسه

را ترک کردند. این حرکتی علیه دولت بود، ولی بنظر من حرکت بزرگی نبود. خود من هم جلسه را ترک کردم. بعضی ها می گویند که حرکت سیاسی بزرگی بود. اینطور نبود. حرکت لازمی بود ولی نباید اینقدر آنرا بزرگ کرد. خیلی هاسی گویند که مهمترین اتفاق کنگره بود. در اینصورت باید بگویم که کنگره اصلاً کنگره مهمی نبود! کارگران زیادی با بیکاری، بسته شدن کارخانجات، و غیره مواجه اند. اینها آن مسائل مهمی هستند که باید کارگران را حول آن بسیج کرد.

مثل همیشه قطعنامه های جالبی به تصویب رسید ولی هنوز گام کنکرتی برداشته نشده است. اعضای اتحادیه، کارگران، رهبران اتحادیه ها و نمایندگان اتحادیه در محل کار و همه کسانی که در کنگره شرکت کردند به مسائل آگاهند ولی تا موقعیک توده کارگران با این مسائل نا آشنا هستند، هیچکدام از این قطعنامه های جالب کاری را از پیش نمی برد. هدفمان باید آگاهی توده های کارگر باشد. باید به مرحله ای برسیم که همه کارگران همان درک و قدرت بسیجی را پیدا بکنند که نمایندگان کنگره دارند و به قطعنامه ها رای می دهند. نکته قابل توجهی در کنگره نبود که من درباره آن نظر بدهم.

لنا: اتحادیه گراها اهداوند که "ان دی پی" (حزب دموکراتیک نوین) در انتخابات دولت محل پیروز شود و از منافضشان دفاع کند. ولی این حزب که در اونتاریو دولت را در دست دارد در چنین مسیری حرکت نمی کند. نظر شما در این مورد چیست؟ نقش "ان دی پی" را در اونتاریو چگونه توضیح می دهید؟ آیا اگر این حزب دولت فدرال را تشکیل دهد، می تواند سیاست محافظه کاران را که مورد حمایت کمپانیهای بزرگ است نفی کند؟

آک: اولاً من خودم از "ان دی پی" حمایت می کنم که دولت فدرال را تشکیل دهد. نه به این علت که همه کارهایشان درست است و نه به این علت که آنها همه لویاچی را که ماکارگران می خواهیم به تصویب می رسانند. هیچ کس ادعا نمی کند که این حزب فقط از منافع کارگران دفاع می کند. اینطور نیست. حتی اگر آنها دولت فدرال را تشکیل دهند همانطور که در اونتاریو وجود دارد، به این معنی نیست که مبارزه کارگران متوقف میشود. بدین معنا نیست که کارگران اعتصاب نمی کنند و یا در مقابل حملات کارفرماها و دولت ساکت می نشینند. مبارزه علیرغم نوع دولتی که آن بالاست ادامه می یابد. با همه اینها بنظر من منافع کارگران ایجاب می کند که به "ان دی پی" رای بدهند زیرا سیاستهای این حزب نزدیکترین سیاست به منافع کارگران است. کارگران از این طریق می توانند قدرت و نیروی محدودی کسب کنند. شاید این انتخاب بین بد، بدتر و بدترین است. البته پشتیبانی ما از "ان دی پی" مشروط است. باید از آن انتقاد کنیم. نباید این استنباط را به کارگران داد که "ان دی پی" همه مسائل را حل خواهد کرد و مبارزه متوقف خواهد شد.

"ان دی پی" در اونتاریو اشتباهات زیادی کرده است و بزرگترین اشتباهش این بود که فکر می کرد باید حزب همگانی باشد، حزب کمپانیها و کارگران. "ان دی پی" باید متوجه شود که هر کاری بکند کمپانیها حاضر نیستند در انتخابات آینده پولهای کلانی به جیب حزب بریزند. کمپانیها کماکان به محافظه کاران رای خواهند داد. وقتی محافظه کاران و لیبرالها دولت را تشکیل دهند، سیاستهای خود را پیش خواهند برد و نظر کارگران برایشان مهم نیست. "ان دی پی" سیاستی داشت بنام سیاست مردمی، و قوانینی را می خواست به تصویب برساند که کارگران برای آن مبارزه کرده اند. ولی وقتی در انتخابات پیروز شد از عکس العمل کمپانیها ترسید. بجای اینکه بگوید ما سیاست و برنامه داشتیم و به همین دلیل انتخاب شدیم و دولت را تشکیل دادیم و مانند دولت محافظه کار و لیبرال کار نخواهیم

کرد، اعلام کرده است که می خواهد همه را راضی نگه دارد. وقتی دولت دست حزب محافظه کار و لیبرال بود می گفتند ما سیاستهای خودمان را پیش می بریم چون انتخاب شدیم و اگر کارگران از آن راضی نیستند به ما مربوط نیست. "ان دی پی" هم باید بگوید که اگر کمپانیها از سیاستهای ما راضی نیستند به ما مربوط نیست. ولی "ان دی پی" اینکار را نکرد. باید بر اساس اصول کار کرد زیرا همه در واقع به این اصول رای دادند. و اگر نه کارگران فرقی بین این سه حزب نخواهند دید. وضعیت در اینصورت بسیار وخیم خواهد شد.

لنا: وضعیتی که کارگران کانادا به آن مواجه اند مختص این کشور نیست و در کشورهای دیگر هم حقوق و دستاوردهای کارگران مورد حمله است. آیا می توان مبارزات مشترکی را با کارگران کشورهای دیگر سازمان داد؟ چگونه می توان همبستگی بین المللی را ارتقا داد؟

آک: بدون شک همه شاهد اقدامات دولتها بخصوص دولتهای دست راستی هستیم که چگونه دست به یکی کرده و سیاستهای اقتصادی ضد کارگری را اعمال می کنند. با توجه به این نکته کارگران باید متوجه شوند که اگر بطور مثال به حقوق کارگران آمریکا یا اروپا حمله ای شود مانند پرتاب سنگ در آب است که موجش به همه نقاط آب سرایت می کند. آدم نباید نابغه باشد تا به لزوم اتحاد و همبستگی جهانی کارگران واقف باشد. وضعیت کارگران اروپا، آمریکا، آسیا و غیره به یکدیگر ربط دارد. اگر دشمن ما، یعنی دولتها و شرکتهای چند ملیتی با یکدیگر علیه ما کار می کنند، روشن است که ما نیز باید مشترکاً فعالیت کنیم. برای رسیدن به این هدف کارهای زیادی باید انجام شود. بطور مثال کنگره کار کانادا باید نقش بزرگتری در نزدیک کردن کارگران دنیا ایفا کند. سازمانهای کارگری کشورهای مختلف باید تماسهای بیشتری با یکدیگر بگیرند و مبارزه جهانی را علیه این گرایش که بوش به آن نظم نوین جهانی می گوید، سازمان دهند. هیتر هم از نظم نوین جهانی سخن می گفت. باید مشترکاً به جنگشان برویم. زیرا آنها نظم نوین جهانی خود را دارند و ما هم باید بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی متحد شویم و علیه این نظم بجنگیم. کارگران یک کشور در اعتصابند و کارگران یک کشور دیگر نشستند و دارند تلویزیون نگاه می کنند. اینطور کاری از پیش نمی رود. این دقیقاً وضعیتی است که دولتها می خواهند. مبارزه مشترک جهانی حیاتی است. ولی بهترین شیوه آن تماس سازمانهای کارگری موجود است. رهبران این سازمانها باید خود را برای چنین اقدامی آماده کنند. تنها در این مقیاس می توان نتیجه فوری استنتاج کرد. اینجاست که نقش کنگره کار کانادا و سازمانهای کارگری کشورهای دیگر عمده می شود. زیرا این سازمانها می توانند سیاستی اتخاذ کنند که در مقابل حمله بین المللی به حقوق کارگران بشود مقابله کرد.

لنا: "باب وایت" (رهبر اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا) کاندید رهبری "کنگره کار کانادا" است. بنظر شما در صورتیکه انتخاب شود چه تغییراتی در این شکل بوجود می آید؟

آک: نمیدانم. اصلاً نمی دانم افق باب وایت چیست و چکار می خواهد بکند. حتما بزودی می فهمیم. با این حال فکر می کنم که وضعیت بهتر می شود. انتخاب باب وایت و ژان کلود پروت (رهبر اتحادیه کارگران پست کانادا) برای کنگره کار کانادا بخصوص در ده سال اخیر پیشروی بحساب می آید. افق باب وایت نسبت به آینده کنگره کار کانادا را نمی دانم. با شناختی که از کارهای باب وایت و ژان کلود پروت دارم می توانم بگویم که انتخاب آنها به نفع کارگران است. چیزی بیشتر از این ندارم.

کارگر امروز: کارگران در وضعیت سخت اقتصادی بسر می برند. حقوق و دستاوردهای آنها مورد حمله است. اتحادیه گراها معتقدند که باعث و بانی این وضعیت سیاستهای محافظه کاران است. نظر شما درباره این سیاست و استراتژی حاکم بر این سیاست چیست؟

آندره کولومبار: محافظه کاران می خواهند در کانادا یک وضعیت اقتصادی کاملاً متفاوت بوجود بیاورند. وضعیتی که بر وفق مراد کمپانیهای بزرگ و چند ملیتی است. این سیاست از طریق تجارت آزاد با آمریکا و مکزیک در حال اجرا است و به معنای بیکاری پیرامون آور، و ششمار بیشتر کارگران است. درصد کاری آقدر زیاد است که صاحبان صنایع کارگران شاغل را به بیکاری معید می کنند. این عملاً باعث مشکل دن اتحاد کارگران در اتحادیه برای ابله با این سیاست می شود.

روزه کارخانه ها بسته می شوند، رگران بیکار شده و کارخانه ها به بیکار منتقل می شوند و بیزودی شاهد نقال کارخانه ها به مکزیک هم خواهیم دید. این روند فشار روحی و اقتصادی بر کارگران می گذارد. ولی کمپانیها کاملاً ارضی اند زیرا شاهد تفرقه و دست به مینه بودن کارگران هستند، کارگرانی که بدون مقاومت هر کاری که گفته می شود، انجام می دهند.

محافظه کاران سیاستهای دیگری نیز دارند ولی سیاست اقتصادی آنها بزرگترین تهدید علیه کارگران و مناسب ترین سیاست به نفع صاحبان صنایع است.

لنا: اعتصاب توده ای کارگران پست و جویی کارگران علیه محافظه کاران را به نمایش گذاشت و بهترین موقعیت برای اعمال فشار به دولت فدرال و شکست سیاست آنها بود. ولی محافظه کاران

پناهندگان باید تحت.

آموزش دیده است و کالاهایی تولید می کند که در پرتقال تولید نمی شود.

لنا: این کارخانجات می توانند در پرتقال ایجاد شوند.

رپ: ولی همه چیز که کارخانه نیست. تازه اگر بخواهند می توانند همین امروز اینکار را بکنند. اینطور نیست که چون حرکت سرمایه و نیروی کار ساده تر می شود ما با موج مهاجرت وسیع کارگران روبرو شویم. به بلژیک نگاه کنید. مدتی پیش بخشی از بلژیک با کمبود نیروی کار مواجه شد. مردم از جاهای دیگر به این منطقه نقل مکان نکردند. مردم به راحتی از جای خود کنده نمی شوند. شاید ۷ یا ۸ درصد نیروی کار نقل مکان کند اما درصد بیشتری حتی اگر بیکار هم شوند نقل مکان نمی کنند. این حکم حتی در مورد مردم یک کشور واحد هم صدق می کند. امروز مردم شمال سوئد حاضر

کارگزار امروز

درباره سازمان جهانی کار (آی.ال.او) (قسمت چهارم)

۹- کمیسیونهای کنفرانس بین المللی کار

کنفرانس بین المللی کار در مدتی که جریان دارد، کمیسیونهای متعددی را برمیگزیند. برخی از آنها هر سال ایجاد می شوند و بقیه که تخصصی هستند موضوعات مطرحه در برنامه کنفرانس را تا هنگامی که موضوع مربوطه سرانجام یابد، بررسی می کنند.

کمیسیونهایی که علی القاعده تشکیل می شود، از این قرار است:

کمیسیون برنامه و بودجه که به شتاب یک استثنا تنها از نمایندگان دولتها تشکیل می شود. کنفرانس بر پایه بررسیهای این کمیسیون، برنامه و بودجه پیشنهادی را مورد بحث قرار می دهد.

کمیسیون استوار نامه که وظیفه دارد تا شکایات احتمالی رسیده علیه نماینده منتخب یک دولت را بررسی کند و بر اساس آن پیشنهادی برای اتخاذ تصمیم، که بطور سنجیده اخذ خواهد شد، به کنفرانس ارائه دهد.

کمیسیون منتخب از ۲۸ نماینده دولتها، ۱۴ نماینده کارفرماها و ۱۴ نماینده از مزدبگیران که توسط هر گروه برگزیده می شوند، تشکیل می شود. این ارکان ریاست کنفرانس را یاری می دهد و نقش مهمی در هدایت سیر عمومی کنفرانس دارد. برای مثال مسئولیت نظارت بر پیشبرد برنامه کنفرانس را بر عهده دارد، وقت جلسات و دستور روزانه را تعیین می کند، در مورد ایجاد سایر کمیسیونها و ترکیب آنها پیشنهاد ارائه می دهد و همچنین در مورد تمامی نکات برنامه که مستلزم اخذ تصمیم از جانب کنفرانس است، گزارش ارائه می دهد. در عمل مجرب ترین شرکت کنندگان از هر گروه برای این کمیسیون انتخاب می شوند و بسیاری از آنها عضو هیات اجرایی و عناصر کلیدی سایر کمیته ها هستند.

کمیسیون بازرسی اجرای معاهدات و توصیه ها که در اولین فرصت ممکن توسط هر کنفرانس برگزیده شود، درباره اقدامات کشورهای عضو در اجرای معاهدات پذیرفته شده و گزارشاتی را که به دوایر اجرایی داده اند، تحقیق می کند. این کمیسیون باید گزارش کار خود را به اجلاس کنفرانس ارائه دهد. کمیسیون دائمی کارشناسان برای نظارت بر اجرای معاهدات و توصیه ها، که یک ابزار اجرایی آی.ال.او است، باید از قبل گزارش خود را برای بحث در درون کمیسیون بازرسی آماده کند. معمولا کنفرانس بر برخی اسناد جالب توجه فعالیت سالانه دایره اجرایی متمرکز می گردد.

کمیسیون قطعنامه ها پیشنهادات مطرحه نمایندگان برای قطعنامه در مورد مسائل دیگری جز آنچه که در دستور کنفرانس آمده را بررسی می کند. کار این کمیسیون پایین تر تشریح می شود.

کمیسیون آلودگی که بعد از تصمیم کنفرانس بین المللی کار در ۱۹۸۱ تشکیل شده، سیاست تبعیض نژادی آفریقای جنوبی را که از آی.ال.او اخراج شده است، بر پایه ملاحظات مدیر کل و کمیسیون ویژه ای که هیات اجرایی برگزیده است، مورد بررسی قرار می دهد. کمیسیون آلودگی برای دنبال کردن یک موضوع همین تشکیل شده است، اما از آنجا که این مسئله تداوم دارد این کمیسیون نیز منطقی تشکیل می شود.

کمیسیون بازرسی متون که لازم نیست اعضایش از نمایندگان یا کارشناسان باشند، حداقل سه عضو دارد و توسط کمیسیون سازمان انتخاب می شوند. وظیفه عمومی این کمیسیون تأیید تطبیق قطعنامه ها و توصیه ها با تصمیم کنفرانس و همچنین تأیید تطبیق متون انگلیسی با فرانسوی است. علاوه

کمیسیون متون سایر کمیسیونها را از همین نقطه نظر مورد بررسی قرار می دهد.

کمیسیون ساختار بین سالهای ۱۹۸۶-۱۹۶۹ هر سال تشکیل شده است. موضوع کار این کمیسیون تصمیم هیات اجرایی در سال ۱۹۷۴ بود که گروه کار سه جانبه ای تشکیل دهد تا مسائل مربوط به ساختمان آی.ال.او را که همچنان مفتوح بود، پاسخ گوید. این کمیسیون بنا به وظیفه اش تخصصی بود.

کمیسیونهای تخصصی که مسائل در دستور، مباحث و یا قواعدی را که کنفرانس باید در مورد آنها تصمیم بگیرد آماده می کنند، تعدادشان با توجه به تعداد موضوعات و سال به سال تغییر می کند.

۱۰- دستور کار کمیسیونها

کنفرانس بین المللی کار می تواند کمیسیونهایی جهت آماده کردن بحث و ارائه گزارش در مورد هر موضوعی که تصمیم بگیرد تشکیل دهد. کمیسیونها می توانند توسط کارشناسان متخصصی که حق رای ندارند تشکیل شوند.

کنفرانس نمایندگان و علی البدلهای دولتها در هر کمیسیون را برمیگزیند. گروه کارفرماها و مزدبگیران مجازند معتقدین خود و جانشینان آنها را خود انتخاب کنند. هرگاه که تعداد متقاضیان برای عضویت در یک کمیسیون زیاد باشد، می توان تعدادی از آنان را به شتاب علی البدل برگزید که دارای حقوقی همانند اعضای اصلی بجز حق رای هستند.

در گروه دولتها حق رای ناشی از وکالتی است که یک نماینده اصلی واگذار می کند، اما در گروه کارفرماها و مزدبگیران حق رای ناشی از تصمیم شخص نماینده است. ارائه پیشنهاد در مورد ترکیب کمیسیونها بر عهده کمیسیون منتخب است.

مستقل از عضویت در کمیسیون، هر نماینده و یا کسی که وی به جای خود معرفی کند دارای حق حضور و صحبت در کمیسیونهاست. این حق شامل نمایندگان سازمانهای دعوت شده به کنفرانس نیز می شود. با کسب موافقت رئیس کمیسیون حتی نمایندگان دولتها و یا سازمانها که بعنوان ناظر شرکت می کنند و همینطور کارشناسان متخصص می توانند در بحث شرکت کنند. با جلب موافقت تمام هیات رئیسه کمیسیون به نمایندگان سازمانهای غیر رسمی که دارای رابطه مشورتی تأیید شده به آی.ال.او هستند و یا رسماً به کمیسیون دعوت شده اند، حق حضور داده می شود. اینها حتی می توانند حق صحبت و یا حق توزیع ماتیال اطلاعاتی داشته باشند.

هر کمیسیون یک رئیس و دو معاون آنرا انتخاب می کند، بطوریکه هر سه گروه نماینده خود را داشته باشند. علاوه یک یا چند سخنگو نیز انتخاب می شود. وقتی کمیسیون پیشنهادی را آماده و بصورت سند ارائه می دهد، یک گروه سه جانبه بازرسی متن انتخاب می شود تا مراقبت کند که نسخه های مختلف معاهده و یا توصیه پیشنهادی به زبانهای مختلف باهم مطابقت دارند. این گروه تحت مسئولیت کمیسیون متون کنفرانس کار می کند.

رئیس کمیسیون اختیارات وسیعی دارد: او بحث را هدایت می کند، با توجه به شرایط اجازه صحبت می دهد، از آن امتناع می کند و یا صحبت را محدود می کند. او همچنین پیشنهاد رای گیری می دهد و اجرای آنرا بعهده دارد. رئیس می تواند در بحث شرکت کند و در صورت فقدان جانشین در رای گیری نیز شرکت کند. اما هنگامی که آرا مساویند نمی تواند رای تعیین کننده داشته باشد. در چهارم رئیس، نایب رئیس دارای همان حقوق است. رئیس قاعدتا قبل از اتخاذ تصمیمات مهم با معاونین خود مشورت می کند.

سه جانبه گرایی در رای گیریهای کمیسیون به روش دیگری جز آنچه که در جلسه کنفرانس بین المللی کار معمول است، انجام می شود. هر کدام از سه گروه در کمیسیون

معمولا تعداد زیادی قطعنامه پیشنهاد می شود که باید در کمیسیون قطعنامه ها مورد بررسی قرار بگیرند. این کمیسیون طبق آئین نامه حق دارد که بعد از شنیدن معرفی قطعنامهها، طی یک رای گیری مخفی تصمیم بگیرد که نحوه بررسی پیشنهادات چگونه باشد. هر عضو کمیسیون حق دارد که در ورقه رای خود نام قطعنامه هایی را که مایل است به ترتیب در نوبت اول تا پنجم مورد بررسی قرار بگیرند، ذکر کند. بقیه قطعنامه ها توسط یک گروه کاری طبق نوبت تعیین شده دسته بندی می شود تا اگر وقت و شرایط اجازه دهد مورد بحث قرار گیرند.

بعد از معرفی یک قطعنامه کمیسیون می تواند فرم یا فرمولاسیون آنرا از طریق رای گیری تغییر دهد. همچنین کمیسیون وظیفه دارد تا پیشنهاداتی را که در صورت تصویب کنفرانس عواقب حقوقی دربر خواهد داشت و همینطور پیشنهاداتی که بدون چنین عواقبی مستلزم اقداماتی از جانب هیات اجرایی، دولتها و یا دیگران است، از باقی جدا کند. کمیسیون باید نتایج کار خود را به اجلاس کنفرانس گزارش کند و اگر پیشنهادی را کاملاً خارج از حیطه صلاحیت کنفرانس بین المللی کار قلمداد کند، کنفرانس باید بلافاصله در این مورد تصمیم بگیرد. همچنین پیشنهادی که به یکی از موضوعات دستور جلسه کنفرانس مربوط می گردد باید برای بررسی به کمیسیون مربوطه ارسال گردد.

قطعنامه های پیشنهادی از اهمیت زیادی برخوردار است. از طریق استفاده از حق ارائه پیشنهاد، نمایندگان می توانند در صورت تصویب قطعنامه های خود اقدامات مدیر کل و دفتر بین المللی کار را هدایت کنند. بسیاری مسائل که در کنفرانسهای اخیر مطرح گردیده و قواعدی برای آن وضع شده است، ریشه در قطعنامه هایی دارد که بطور سه جانبه شکل گرفته و اجلاس کنفرانس آنرا بتصویب رسانده است. رویه انعطاف پذیری در تملیظ قطعنامهها امکان بررسی سریعتر مسائل روز و عاجل را فراهم می کند. اگر چنین امکانی نبود، می بایست تمام برنامه کار سازمان بر تصمیم گیری هیات اجرایی متکی می شد که همیشه قدری کند است.

یک جنبه منفی در جریان تصویب قطعنامه ها اعمال فشارهای سیاسی به اعضا است. برای مثال قطعنامه ای می تواند علیه یک کشور عضو و در آن زمینه هایی باشد که بدشواری می تواند جزو محدوده صلاحیت آی.ال.او محسوب شود. این امر موجب آن شده که در برخی کنفرانسها قطعنامه تصویب نشود؛ بدین نحو که یک قطعنامه سیاسی با رای گیری مخفی در اولویت کار کمیسیون قطعنامه ها قرار گرفته، تمام وقت کمیسیون را بخود اختصاص داده و در پایان نیز به نتیجهای منجر نشده است. چنین سواری یا تجدید نظر از جانب طرح کنندگان قطعنامه پیشنهادی را طلب می کند و یا تغییر در دستور جلسه کنفرانس را.

۱۲- بازرسی ساختمان تشکیلاتی آی.ال.او

بازنگری ساختمان تشکیلاتی آی.ال.او، که از سال ۱۹۶۹ آغاز شده بود، طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۸۶ امر یکی از گروهبای کار سه جانبه ای شده است که کنفرانس کار و هیات اجرایی آی.ال.او مشترکاً گمارده اند. سه مرتبه سنالی که این گروه مورد بررسی قرار داده است مربوط به تقسیم اختیارات بین کنفرانس کار و هیات اجرایی، ترکیب هیات اجرایی و ملزومات تغییر برخی نکات دیگر در اساسنامه آی.ال.او است.

گروه کار مذکور نشستهایی در فواصل کنفرانسهای کار برگزار کرده است. این گروه در دستگیری به راه حلی همه جانبه تلاش زیادی بخرج داده که مدتها به نظر می رسید به دلیل وجود اختلاف نظرهای سیاسی دستگیری به آنها ممکن نیست. پر دروس ترین مسئله مربوط به موقعیت ده کشور بزرگ در هیات اجرایی و افزایش تعداد کرسیهای هیات اجرایی بوده است. همچنین خواست سهجانبه بندی کرسیهای هیات اجرایی بین مناطق مختلف (قاره ها) و گروهبای مختلف ایجاد کرده است. کشورهای سوسیالیستی حتی برای سهمیه بندی در گروهبای کارفرماها و مزدبگیران کوشش کرده اند. خواست ایجاد تغییرات همچنین انتخاب مدیر کل، قاعده حد نصاب، نحوه کار کمیسیون قطعنامه و مقررات تغییر اساسنامه را نیز

دارای آرای برابرند. حال آنکه در جلسه کنفرانس گروه دولتها دارای دو رای در برابر یک رای برای کارفرماها و یک رای برای مزدبگیران هستند.

رای گیری از طریق بلند کردن دست و یا ثبت اسامی صورت می گیرد. اساسی هنگامی ثبت می شود که کسی بعد از رای گیری از طریق شمارش دستها، خواهان آن باشد و یا آنکه حداقل یک پنجم اعضای حاضر در کمیسیون از قبل خواستار رای گیری از طریق ثبت اسامی شده باشند. کمیسیون می تواند تصمیم بگیرد که رای گیری بشکل مخفی انجام می شود. پیشنهاداتی که دارای آرای مخالف و موافق مساوی باشد، به تصویب نمی رسد.

نحوه رای گیری با "قاعده حد نصاب" تکمیل می شود. بنا به این قاعده اگر مجموع آرای موافق و مخالف اخذ شده کمتر از دو پنجم تعداد کل آرای اعضای کمیسیون باشد، رای گیری رسمیت ندارد. هرگاه یک رای گیری از طریق بلند کردن دست به نتیجه فوق (حد دو پنجم) منجر شود، (البته به معنی آنست که سه پنجم اعضا یا غایب بوده و یا از رای دادن خودداری کرده اند) نتیجه فوق می تواند رسمیت یابد. در این صورت بنا به تصمیم رئیس و یا تقاضای دستکم یک پنجم از اعضا حاضر، رای گیری به شیوه ثبت اسامی انجام می شود.

دفتر سازمان بین المللی کار حق دارد کارمندان خود را بعنوان منشی یک کمیسیون برگزیند که به شتاب همکاران دبیر عمل می کنند. آنها با توافق رئیس حق صحبت دارند ولی فاقد حق رای هستند. همچنین در ثبت صورت جلسات، کارمندی از دفتر بین المللی کار، کمیسیون را یاری می دهند.

بخشی از زمان جلسات کمیسیون به جلسات گروه کارفرماها و مزدبگیران که جداگانه برگزار می شود، اختصاص دارد. علاوه بر این بخش سهمی از مذاکرات مشترک بین گروه کارفرماها و مزدبگیران خارج از جلسات کمیسیون صورت می گیرد. اگر روسا و یا نمایندگان گروه کارفرماها و مزدبگیران بر سر مسائل مطرحه به توافق نظر دست یابند، فعالیت کمیسیون موقتاً می گردد. کمیسیونها نیز غالباً گروههای کاری سه جانبه برمیگزینند تا مسائل مختلف را بررسی کرده و راه حل ارائه دهند. این اشکال همکاریهای غیر رسمی یادآور شیوه کار در مذاکرات بازار کار در سطح ملی است.

گزارش کار کمیسیون پس از تصویب برای بررسی به اجلاس کنفرانس ارسال می شود. حتی اینجا نیز می توان پیشنهاد تغییر ارائه داد، هر چند که این رویه جزو استثنائات است. چرا که بنوعی این چیزها هستند که استخوانبندی کنفرانس بین المللی کار را تشکیل می دهند.

۱۱- روند تصویب قطعنامه ها

بنا به بند اول ماده ۱۷ آئین نامه هر نماینده چه به تنهایی و چه همراه دیگران می تواند در موضوعاتی که در دستور تعیین شده است، جانب هیات اجرایی آی.ال.او را برای کنفرانس بین المللی کار نیامده است، قطعنامه هایی پیشنهاد کند. پیشنهادات به شکل قطعنامه تنظیم شده و طبق اساسنامه باید دستکم ۱۵ روز قبل از آغاز کنفرانس به مدیر کل ارائه گردد. رئیس کنفرانس می تواند با توافق معاونین خود اعلام کند پیشنهاد مذکور بعدتر مطرح گردد، خواه پیشنهاد مذکور مسئله بسیار عاجل باشد و یا یک مسئله فرمال.

علاوه بر آنکه قطعنامه پیشنهادی نباید به مسائلی بپردازد که قبلاً در دستور جلسه آمده، روند تصویب قطعنامه محدودیت های معینی دارد. اگر در پیشنهاد مذکور آی.ال.او ملزم به اقداماتی شود که در محدوده صلاحیت سازمان ملل و یا دیگر ارگانهایی تابع آن جز آی.ال.او قرار می گیرد، دبیر کل باید با اینگونه سازمانها در باره قطعنامه مذکور مشورت کند و درباره چگونگی دستیابی به هماهنگی در منابع، پیشنهاداتی جهت اخذ تصمیم به کنفرانس ارائه دهد. اگر پیشنهادی بطور مستقیم به سازمان ملل و یا حیطه صلاحیت سازمان خاصی خارج از حیطه نفوذ آی.ال.او مربوط گردد، باید این سازمان تحت شرایط تعریف شده برای تصمیم گیری به کنفرانس دعوت شود. در اینگونه موارد نیز باز نهایتاً این کنفرانس است که تصمیم می گیرد قطعنامه پیشنهادی اصولاً مورد بررسی قرار گیرد یا

دربار گرفته است. بعد از فعالیت دراز مدت گروه کار ویژه و نیز در کمیسیون ساختمان تشکیلاتی گمارده شده از سوی کنفرانس کار، هفتاد و دومین کنفرانس بین المللی کار در سال ۱۹۸۶ موفق شد راجع مسائل فوق تصمیم بگیرد. این تصمیم بدون آنکه به استقلال گروهها گذاشته وارد آید، ساختمان آی.ال.او را با تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که طی دهه اخیر در جهان حادث شده است منطبق می کند. این تغییرات در اساسنامه چهار مورد است:

۱- تعداد اعضای هیات اجرایی

اعضای هیات اجرایی از ۵۶ به ۱۱۲ افزایش می یابد (۵۶ کرسی برای دولتها، ۲۸ کرسی برای کارفرماها و همین تعداد برای مزدبگیران). سیستم ده کرسی ثابت دولتها در هیات اجرایی، بمثابة مکان از پیش مغزوف فقط برای دولتها، ملغی می شود. طرفین هر یک ده مکان ثابت در هیات اجرایی خواهند داشت. طبق مقررات جدید ترکیب هیات اجرایی باید حتی الامکان قابلیت نمایندگی بیشتری داشته باشد و علائق متفاوت اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی در سه گروه مربوطه را رعایت کند، بی آنکه بر خود مختاری هر یک اثری بگذارد. از ۵۶ کرسی دولتها، به آفریقا ۱۳ کرسی، به آمریکا ۱۲ کرسی و به آسیا و اروپا به نوبت ۱۴ و ۱۵ کرسی داده می شود. دو کرسی باقیمانده باید به تناوب به آفریقا و آمریکا از یک سو و به اروپا و آسیا از سوی دیگر داده شود. بدین ترتیب کشورهای مختلف می توانند بواسطه مکان جغرافیایی و یا بر اساس توافقی ویژه جزو مناطق مذکور باشند، اما این شامل توافقنامه ای که طی آن یک منطقه برای انتخاب در هیات اجرایی دعوت می شود، نمی گردد.

۲- انتخاب مدیر کل

دبیر کل مانند گذشته توسط هیات اجرایی تعیین می شود، اما طبق مقررات جدید باید به تأیید کنفرانس هم برسد.

۳- ضوابط اخذ تصمیم

طبق مقررات فعلی یک پیشنهاد که تعداد آرای مخالف و موافق آن به نصف کل تعداد نمایندگان صاحب رای نرسد، رد می شود. بنابراین در مواردی مخالفین یک پیشنهاد توانسته اند به جای دادن رای منفی، از طریق امتناع از رای دادن پیشنهاد مذکور را ساقط کنند. وقتی که مقررات جدید به اجرا درآید، آنها می که رای نمی دهند در شمارش برای تصویب (که برابر با نصف تعداد شرکت کنندگان حاضر است) محسوب می شوند اما در تعیین اکثریت لازم که تصویب یک پیشنهاد می طلبد به حساب نمی آیند.

برای آنکه یک تصمیم بعد کافی کنفرانس را نمایندگی کند، مقرر شده در مواردی که طبق اساسنامه تصمیم گیری از طریق اکثریت نسبی صورت می گیرد باید دستکم یک چهارم نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس به آن رای موافق دهند. و در مواردی که بنا بر اساسنامه اکثریت دو سوم لازم است، باید حداقل یک سوم نمایندگان به آن رای دهند. در مواردی که اکثریت سه چهارم لازم است، باید حداقل سه هشتم نمایندگان به پیشنهاد مذکور رای دهند.

۴- ضوابط تغییر اساسنامه

طبق اساسنامه آی.ال.او تغییر اساسنامه وقتی صورت می پذیرد که دو سوم اعضای سازمان (شامل ۵ کشور از ده کشور بزرگ صنعتی) آنرا تصویب کرده باشند و یا بر آن صحنه بگذرانند. مقررات جدید شامل اینست که در مسائل بنیادی مربوط به اهداف و ترکیب سازمان، انتخاب مدیر کل و تعیین حدود مسئولیت او، و همچنین ضوابط اساسنامه، در رابطه با معاهدات، پیشنهاداتی که کمتر از سه چهارم آرای اخذ شده را بدمت آورند قابل تصویب نیست. به همین ترتیب تغییر مقررات در زمینه های فوق نباید قبل از آنکه سه چهارم اعضا سازمان بر آن صحنه بگذرانند به اجرا درآید.

مورد اخیر شامل اینست که تصمیمات ذکر شده مربوط به تغییر ترکیب هیات اجرایی و غیره نباید قبل از تأیید تصمیم کنفرانس توسط ۱۱۵ کشور عضو به اجرا گذاشته شود. از همین روست که زودترین زمان برای اجرائی مقررات جدید می تواند سال ۱۹۹۰ باشد که انتخابات هیات اجرایی تازه برگزار می شود.

Workers are distrustful of Islamic Councils

- Most workers come to work while still sick
- Annual holidays are 12 days

Interview with a worker from Pepsi Cola plant in Iran

Question: How many workers, in all, work for the Pepsi Cola (Zam-Zam) company in Iran?

Answer: Zam-Zam has 11 plants throughout Iran: two in Tehran, and the rest in the cities of Shiraz, Esfahan, Mashad, Rasht, Tabriz, Gorgan, Ahvaz, and Bakhtaran. There is also a factory in Yaft-Abad, producing bottle tops, concentrated juice for soft drinks, as well as spare parts for soft drink plants. It also has sales depots in most cities. In all, 6,000 and a few hundred people work for Pepsi Cola.

Q: What is the composition of the workforce?

A: Most of the workers are male; women work in the administrative sections. The age range is from 25 to 50. The contract (daily-waged) workers are not insured. For instance in Tehran 1/3 of the workforce are contract workers.

Q: What are the working hours?

A: The working week is 44 hours. Some factories operate a 5-day working week, and some a 6-day week. In some, for example the

Bakhtaran plant, which has a workforce of between 230 and 250, there is a two-shift routine and a 6-day week.

In theory, the working week is 44 hours, but in practice, for example in Tehran, 2 to 3 hours are spent in travelling to and from work. Living in the outskirts, most workers have to take at least one bus tour just to get to one of the stops of the factory bus service.

There is a half-hour lunch break, and the workers have to go to lunch according to regulations laid down by the management in each plant. Annual holidays are 12 days. There is also six days of sick-leave annually, which can be taken as one-day, two-days or three-days off. But if the illness exceeds three consecutive days, you have to deal with the Insurance Organisation, which - not before repeated calls at its offices - pays 3/4 of the wages - for married workers - and 1/2 - for singles, which is not even worth the trouble. Most workers, when sick, try not to rest more than three days, and come to work while still sick. This is because, to get the pittance from the Insurance they have to take a few days off, and the sick-leave should not ex-

ceed the six days, otherwise it would be deducted from their annual holidays.

Q: How about overtime?

A: Workers generally are against overtime work. But since the wages are so low, most of them do a second job after the day's work, like selling cigarettes or dealing in second hand articles. But for the foremen and supervisors, who have higher wages, it pays to work overtime.

To make the workers do overtime, for example the ordinary bus service in the evenings is cancelled, so that those who don't work overtime can get back home only after much difficulty and at great expense. So because of the low pay, because there is no bus service, and from fear of losing their jobs, workers give in to overtime work. But despite the fact that some workers do more than 90 hours' [monthly] overtime they are always hard up for money. On top of that there is this anti-labour law in the Azadi plant in Tehran that if a worker takes a short leave - for a few hours - this is cut from his overtime hours, which have a 35% higher wage rate!

Q: What is the level of pay and bonuses?

A: The wages and all bonuses together come to, on average, 50,000 rials [\$36] a month [at market exchange rates]. There are some workers, with families, whose basic pay is 35,000 rials [\$25].

For instance in one of the Tehran factories the job classification scheme is to be carried out this year. Workers generally are in favour of the plan, and say that though they won't get much in terms of wages, at least things would be sorted out a little.

The bonuses include child benefit: 3,000 rials [\$2.2] for each child - two children at most. There is a housing allowance of 3,000 rials, a food allowance of 800 rials, and a new-year gift and bonus for 85,000 [\$61] rials which is decided by the government. The plant itself gives a can of cooking oil and some rice.

There is also a productivity allowance. This is the best way of exploiting workers, since if in the supervisors' opinion a worker is, as they call it, 'unruly and disobedient', his/her productivity allowance is cut. This allowance varies from 15,000 rials to 100 rials.

Q: What amenities are there in the plant?

A: In Azadi plant in Tehran, for example, there is no nursery. In most of the factories there aren't enough showers. You can't stay in the shower for more than ten minutes, and the doors open half an hour before the work ends. There are no medical facilities in this plant, and any worker in need of first-aid is bandaged by his work mates' unhygienic hands.

There are no sporting activities. Whenever you talk to the managers about sports, they say work is the best kind of sport!

Each plant has a separate consumer cooperative which once in a while arranges a lottery for articles like fridges and heaters. There are also housing cooperatives, but until now their members have only heard their names; nothing has been seen in terms of housing.

Q: How is the situation of the Islamic Councils?

A: In Zam-Zam factories the Islamic Councils actively work in the service of the management. Most workers are distrustful of them.

Q: What have been workers' grievances and protests?

A: The workers protest about everything, but they avoid complaining to the labour ministry or arguing with the management because they know that none of the authorities accepts their words and that they always take the side of the managers. But in 1980 there was a big labour protest in Azadi factory about the poor wages which lasted two months. During these two months the managers were prevented from entering the factory, and when Zam-Zam's General Director arrived at the plant together with a few officers he was thrown out by workers who pelted him with rubbish and shouted abuse at him. But the strike was broken in the end by the management splitting the workers and having them arrested and banished.

Abridged from a broadcast by radio Voice of the Communist Party of Iran

Worker Today published in Arabic and Kurdish

From Letters to the Editor

Dear Worker Today Editor,

With warm and comradely greetings, we wish you success in the publication of *Worker Today* and in the efforts to widen its distribution.

Uniting the class rank of workers of the world is a basic task of all vanguard workers and labour leaders throughout the world, and for achieving which different tools are needed. *Worker Today* is one such instrument which can, by fulfilling its objective, fill in the vacuum in this area. So far it has played a worthy role in this respect.

Since the publication of its first issue and its distribution in Iraq, *WT* has been an encouragement and a message of hope for a large section of workers here, particularly in Kurdistan, filling the empty place of a worker paper. There are hardly any labour leaders or activists who, irrespective of their political and ideological persuasions, do not each month enthusiastically await the arrival of *Worker Today*. We hope that *WT* can, to begin with, be published fortnightly, and in future, even weekly and daily...

Recently, because of the significance of this paper, communist

and worker circles in Iraq decided to publish its Arabic edition. At the moment, due to limited resources ... only the English section is being translated. Already a few issues in Arabic have appeared. But the aim is to publish the whole of the paper in Arabic in the near future with the cooperation of communist circles and groups in Kurdistan.

The need for the publication of *WT* in Kurdish has also been felt for a long time among many labour activists in Kurdistan. As a group of *Worker Today* co-workers in Iraqi Kurdistan, we therefore decided to take up this work and publish the entire paper monthly in Kurdish. Right now we are distributing the Kurdish edition of *WT* no.19. Of course to be able to continue our work we need to receive the paper regularly. We should also add that we have close contacts with comrades in the south who publish the *Amel El-yome*, the Arabic edition of *WT*.

We expect the Kurdish edition of *WT* (*Karikari Emro*) to become a popular worker paper in Iraqi Kurdistan, since it has already won support among the workers. And using our political connections and contacts with workers,

we want to make sure it reaches most of the cities and regions in Kurdistan.

You may ask why we are not trying to bring out a paper which reflects the struggle and aims of the Iraqi workers. Well, at this moment two worker papers are being published in Kurdistan: *Payami Karikar* (Workers Message) and *Serenji Karikar* (Workers View). *Payami Karikar* is also published in Arabic, as *BalaghEl-lam*, and is distributed in central and southern Iraq. We ourselves co-operate with these two papers and consider it our duty to strengthen and improve them. At the same time, right now no other national paper - as valuable as this is in itself - can take the place of *WT* as an internationalist paper.

We wish to state that we are ready to be co-workers of *Worker Today* in Iraq and to send you reports and news from the Iraqi labour movement. In future we will send you letters, interviews and commentaries which we hope can be published in *Worker Today*.

Sincerely,
Ahmad
On behalf of
WT co-workers

In the Persian Section

In addition to the articles in the English section, the Persian section of this issue includes:

- Interview with Rio Martikainen, Finnish labour leader
- Interview with Alexander Hubert, executive committee member of French FO union
- Revolt against callous policies - IG Metall article on E. Germany's shipyard workers
- On the ILO (part 4)
- On the situation of immigrant women workers in Germany - translation

• Documents on history of May Day in Iran

• ILO bulletin reviews Iranian labour law

• Interview with Rolf Paulson, Swedish construction union leader

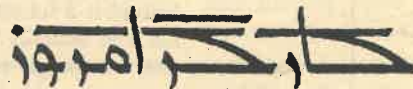
• Islamic Councils in an Iran textile factory - report

• Labour organisations denounce arrest of Iranian labour activists

• Struggle for free May Day in Iran.

News of workers' struggle around the world is published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516



شعبه انتشارات و ناشری کارگری
WORKER TODAY
An Internationalist Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year
Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates	
Europe	Elsewhere
1 Year SKr140	1 Year SKr210
6 Months SKr80	6 Months SKr120

■ Institutions double the rate. ■ All prices include p&p.

Hitler too had a new world order

Interview with André Kolompar

André Kolompar is the president of Toronto Local of the Canadian Union of Postal Workers (CUPW). Following last summer's postal strike, he was jailed, along with two other comrades, for defying an injunction against picketing. Amir Payam, *Worker Today* co-worker in Canada, talked to André Kolompar about the lessons of the postal strike and a number of related issues. The interview was carried out before the court actions. Excerpts:

Worker Today: Working people are facing tough economic times. Their rights and achievements are under attack. Unionists in Canada believe this situation is created by the Tories' agenda. How do you analyze these policies? What strategy do you see behind them?

André Kolompar: Well, the way I analyze the agenda is that the Tories want to create, first of all, a completely different Canada. They want to create a completely different economic climate that is good for big business, that is good for big, multinational corporations, who are the people whose interest the Tories really serve.

We've seen all the examples. We've seen the free trade agreement with the US; we now see a move towards free trade with Mexico. The whole agenda is creating an economy which is based on very high level of unemployment, where companies and corporations have got greater opportunity to exploit the workers, to threaten the workers; indeed, the type of situation that we see today. There are so many people thrown out of jobs that employers can actually threaten the people who *have* jobs - that is, for *now* - with the fact: "Look, there's always thousands of replacements for you", etc. What it does is that it takes away, it threatens the ability to organise the workers, to unionize them, to fight the agenda. I think that, overall, that's the bottom line agenda of the Tories; to establish a political and economic climate which is good for big business but horrible for the workers.

WT: The strikes last summer and fall by the Canadian Union of Postal Workers (CUPW) and the Public Service Alliance of Canada (PSAC) showed a strong militancy. They had a good opportunity to impose much pressure on the Federal Government collectively. But in the end the Tories won, and the workers were legislated back to work. How do you explain this? What are the lessons that the labour movement should learn from those strikes?

A.K: First of all, I don't agree with one part of that question which makes the statement that "the Tories won". I don't believe the Tories really won in either the case of the PSAC strike or the CUPW strike. What, for instance in the case of CUPW, the Tories were planning to do was to completely break the union. They were hoping that after the end of that struggle the CUPW as a union would be broken, and that there would not be a union to fight ever in the future.

They certainly didn't win that.

I think it was a lesson for our membership, and for the labour movement as a whole, as to the fact of how important it is to have the unity, to stand behind the workers that are being attacked. In the case of PSAC, I think it was even a greater victory for PSAC, and by no means do I think that the Tories won. Because, there you had a union that did not have any great history of militancy, any big history of going on strike. And the government was counting on that. What happened as a result of that strike is that we've got a very very powerful, strong, militant force within the PSAC that now politically understands what's happening to them as workers in this country, and are prepared to fight in the future. I think that union got incredibly strengthened as a result of that strike, and as a result of the fight they had with the Tories.

I think the labour movement should learn that we had a golden opportunity, when CUPW and PSAC were in positions where we had 20,000 people in Ottawa on Parliament Hill demonstrating, storming the Parliament, trying to get in, and all that. When we saw all that, and we saw that there were postal workers on strike, transit workers on strike in Toronto, there was really an opportunity to mobilize workers in all industries, in all unions, to actually launch a fight against the government at that time; a serious fight, and a fight that we would have had a very good chance of winning, had the leadership of the labour movement, the CLC (Canadian Labour Congress), come behind it a lot stronger than they did and actually begun a mobilizing campaign to get the other unions to understand that the one common problem we all have, whether we are private or public sector, is that we're facing a government that is trying to destroy our power as workers in this country. We would have had an opportunity to fight back. And we had a very good one, but we didn't take it.

Hopefully, one of the big lessons from it is that when given another opportunity like that, against this government, or against any other government that puts into place the type of agenda that the Tories do (and the Liberals are quite capable here as well, as we've seen in the past), we don't pass it up like we did during [last] fall.

WT: You are a co-founder of the Workers Solidarity Coalition, which is trying to build a rank-and-file movement. What does building such a movement involve?

A.K: Building a rank-and-file movement is not something that's



André Kolompar, president of CUPW Toronto Local important only to the Workers Solidarity Coalition, or only to unions. I think that's important overall, for the entire labour movement, for all the workers in this country. It is important that the rank and file, the membership of the unions, the workers that work everyday on the floor, are educated, mobilized, that they understand the issues, see that there's a leadership out there to fight against it, become involved, and that they become leadership themselves. I think that is the most important part of trying to mobilize the rank and file and rank-and-file actions.

The leadership, be it the best leadership in the world, cannot fight the fight alone. If we, the leadership, say we're going after all these wonderful things but we don't bring the membership along with us, if we don't educate the membership and show them what the issues are, if we don't build the support of the rank-and-file worker, then we're going to have a problem.

I think that's what building a rank-and-file movement really is all about. It is about making sure that people that are saying that they're the leadership are not only just saying "we are leaders" but are actually capturing the hearts and minds of the workers as well, and having the support of the workers in this fight, so that the workers are actually together.

WT: The unionists in Canada are hoping that the New Democratic Party (NDP) will be elected to the Federal Government, and that it will represent their interests. But the NDP, as it is showing in Ontario, where it is in power, is not going that way. What do you think? How do you criticise the job NDP has done in Ontario up to now? And if it gets the federal power, will it be able to throw away the Tories' policies?

A.K: First of all, I very strongly support the NDP to be elected to federal level, not because I think

they're going to do everything right, not because I think that the NDP is going to establish all types of policies and legislations that we, as workers, believe should be established. But, what we know in reality in this country is that there are three parties - unless we want to consider the Reform Party; but hopefully they're never going to be a credible party - and if you look at these three, the NDP is the one that's actually closest to representing workers' interest. Certainly I don't think anyone will argue that the NDP represents solely the workers' interest. They don't. But out of the three, they are the closest to representing what would be in our interest.

However, the fact remains that even if the NDP gets elected at the federal level, that won't mean that the struggle stops, that workers don't have to go on strike, and so on; just the same way as we have an NDP government in Ontario and the struggle still goes on. But, there's no doubt in my mind that it's in the best interest of working people in this country to vote NDP, because, clearly, their policies are the ones that are closest to giving workers some strength, some power - very limited - but some power, and some recognition of workers' rights as well.

I think the NDP has made some major mistakes in Ontario since its election. I believe their biggest mistake was that they believed they had to be a party for everyone - business, labour, and everything else. What they have to understand is that business, no matter what the NDP does, is not going to vote NDP. They'll still pour their money into the Tories, they'll still want the Tories elected. Now, what do the Tories or the Liberals do, when they are in office? They put forward the agenda they stand for. And they don't care what workers say about that. They're not interested in that, once they are elected.

The NDP had what it called "the people's agenda". These were policies that were very much supported by workers; legislative changes that workers had been striving for for a long time. However, when they got into power they feared the reaction from business. Instead of saying, "We had an agenda, we put it forward, and we got elected on that basis; now big business have a problem with that; so what?" - instead of saying that, the NDP is trying to be somebody for everybody. And you just can't do it. You have to believe in the principles that you stood for. You have to follow your policies and put them into place, because that's why you got elected. Otherwise, I think workers are going to be completely disenchanted with all three parties, and won't be able to see any difference between NDP, Liberals, and Conservatives any more. And I think that would be very bad, if workers in this country couldn't see any difference between these three. So, while they no doubt made some serious mistakes, the NDP is still the party that we have to put in federally; the best of the three evils so to speak, for lack of a better word. And that's what we're going to have to fight for.

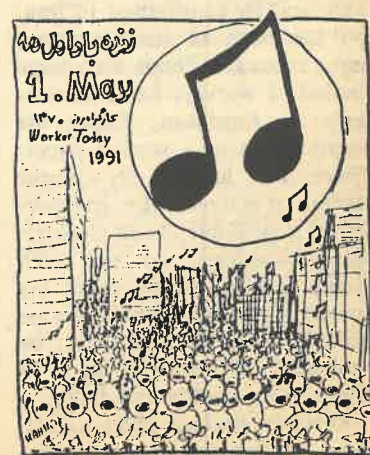
But, certainly, any support for the NDP is not unconditional. We have to be able to criticise when they're wrong. By no means should we give the indication to workers that once the NDP is

elected, everything is solved, and that the struggle stops. Because, we've seen in Ontario and other provinces where NDP has got elected, the struggle still continues.

WT: As you know, what we're facing in Canada is part of a process that's going on all around the world. Everywhere workers' interests, rights, and achievements are under attack. How do you think we can build international solidarity to fight back?

A.K: Well, there's no doubt in my mind that anybody sees what's happening between governments, particularly right-wing governments, all over the world; how they are working together in implementing economic policies that are hitting the workers same way all across the board. Now it should be clear to everyone that workers have to realise that if something happens to workers in Europe, or to workers in the US, and so on, it's like a rock falling into a lake; it ripples, it gets bigger and bigger, it spreads. In the same way, the agenda of right-wing governments spreads, and they *work together* to spread it. So you don't need to be a genius to realise that workers have to establish international links, to realise that what's happening to workers in Europe, in Asia, in South America, in North America, is *linked*. Workers have an interest in understanding that if they are being downtrodden in one country, that is heading towards a country where they may not be as downtrodden. If all our enemies, the right-wing governments and the multinational corporations, are working together to put us down, then it's obvious that we have to work together.

To achieve that, a lot of things have to be done. For instance the Canadian Labour Congress could play a much larger role in bringing workers across the world together. The labour bodies that exist in all countries should be working a lot more in conjunction with each other, establishing common fights against this world-wide trend - what Bush likes to call the New World Order; Adolf Hitler had a New World Order too; he was the last one to use that term! So, they've got their New World Order, and we, as workers, regardless of what geographical borders we've got around us, have to get together and fight that. Because, if workers in one country are actively fighting it and workers in another country are sitting down, watching their colour TV sets, it's not going to work. That's exactly what these governments want.



Worker Today May Day sketch 91

Fighting Islamic Councils, an internationalist struggle

by Mostafa Saaber

UP TO NOW, whenever the issue of fighting the Islamic Councils - state-made organisations in the workplaces in Iran - has been discussed, the question has been approached mainly from the viewpoint of defending Iranian workers' right to freely set up their own organisations. Now, with the efforts underway by Worker House - the headquarters of the Islamic Councils - to give effect to the reactionary and anti-working class idea of establishing an "international union of Moslem workers", the struggle against the Islamic Councils has assumed an internationalist dimension too.

The idea of forming an Islamic union may have been conceived by the heads of the Islamic Republic as early as when they were setting up the Worker House. But it is only in the last two to three years that, along with the consolidation of Worker House and Islamic Councils as an essential pillar of Islamic Republic, this divisive idea is being promoted vigorously by the Worker House.

In June 1990, Alireza Mahjoob, general secretary of Worker House, said just before attending the 77th conference of the ILO that the Iranian delegation there was following two objectives in its foreign activities: first, to propose the formation of a union of workers of Moslem countries; and second, to build a union of Asian workers.

This idea was repeated in February last year in a meeting with officials from Pakistan's National Labour Federation (NLF). Founded by a clergyman, this union too has an Islamic ideology. In this meeting Mahjoob stressed the need for greater contacts between the Worker House and the NLF, as well as with the Hak-Ish union in Turkey which also "has Islamic tendencies and is interested in this idea".

In May last year a delegation from Hak-Ish, led by its general secretary, visited Tehran. During the talks and in official statements the idea of setting up a Moslem

workers' union was especially voiced by the Iranian Worker House.

On the eve of last year's annual conference of the ILO, Alireza Mahjoob repeated: "One of our objectives in this trip is to negotiate with worker groups of Islamic countries with the aim of setting up a labour union of Islamic countries". The point was picked up again during a meeting in Tehran between the Worker House and a delegation from Libyan unions - themselves organs of direct state control set up on the basis of Ghazafi's Green Book.

Meanwhile, the hopes of the Worker House to implement its reactionary idea received a real boost with the convening in February of the conference of ECO countries (Iran, Turkey and Paki-

stan) in Tehran, which was attended by representatives of the Moslem-inhabited republics of the former Soviet Union. It has also been reinforced by the proposal of a plan for establishing an Islamic common market in the region, and, generally, by the new position that the Iranian state has obtained in Central Asia following the break up of the Soviet Union.

The success or failure of the Worker House in accomplishing the idea of a separate union for Moslem workers depends, of course, on many factors. It depends, above all, on the position of the Iranian government and its policies internationally and in the region. But what can already be seen is that the successful pushing of this plan will reinforce the most

reactionary anti-working class forces in the countries of the region.

Workers of many countries have more or less - and workers in Iran particularly - experienced the destructive consequences of divisions according to religious distinctions. But the problem is not limited to one of splitting workers on the basis of religion. Islam provides a whole arsenal of the most reactionary and anti-worker ideas, traditions and laws. Even a fraction of these is enough to force the workers, subjected to them, into years of struggle and efforts just to counter them. This we experienced in Iran and are still experiencing.

The struggle against the idea of setting up a Moslem workers union and basically any religious

interference in workers' lives, organisations, and in labour relations and laws, is the duty of workers everywhere, and not just of the workers in Islamic countries. In this sense the struggle against the Islamic Councils and the Worker House has also an internationalist character.

The Islamic Councils have no basis, appeal or sympathy among the Iranian workers. They should not be given recognition as Iranian workers' representatives in any international organisation or forum.

The call for their expulsion from the ILO and protesting to the ILO for recognising the Islamic Councils is, of course, important. But even more important is to put pressure on the Iranian govern-

ment to repeal the Islamic Republic Labour Law. This law categorically denies workers' right to strike and organise; it denies even such demands as a 40-hour week; it recognises only Islamic Councils as legal labour organisations.

Not constrained by the usual considerations shown towards Islam and reactionary cultures in the Third World, the workers of other countries should explicitly attack the reactionary idea of a separate organisation for Moslem workers. Their allies are the

workers in Iran who for years have shown hatred towards, and fought against, any idea of Moslem worker, Islamic union, Islamic Society, Islamic Council, Islamic laws, and so on.

Such a protest will no doubt aid the efforts of the labour movement in Iran to bury the Islamic Councils where they were born. ■

[The author has extensively written on labour issues in Iran and is on the news service staff of Worker Today.]

Iran:

Plans for an international Moslem workers union

WT News Service:

In a recent press conference, Alireza Mahjoob, general secretary of Worker House (the centre for Islamic Councils - the government-set up organisations in the workplaces), announced that the Worker House, along with Hak-Ish union in Turkey and Pakistan's National Labour Federation

Thus, on the initiative and by sustained efforts of the Worker House and useful assistance from the Iranian foreign ministry, an agreement has been reached to set up the Islamic union. "We will try to make a rational cross between what today in the world is known as unionism, [on the one hand] and Islamic aims and contents, [on the other], producing a model which is unionist in form, but Islamic in content", said Mahjoob.

Also in late February, a delegation from the Worker House, headed by Ahmad Moshirian (who last June attended the ILO conference dressed as 'a representative of Iranian workers'), arrived in Kuwait to take part in the "liberation of Kuwait celebrations". There, Moshirian submitted an official invitation by the Worker House to the general secretary of Kuwait's trade unions to visit Iran for talks on the Moslem workers' union.

With less than two months to go before the annual conference of the ILO, the Worker House and Iranian government are getting ready to come up with sufficient material there to trumpet their reactionary Islamic union.

Workers in Iran, whose daily life is full of fights to counter the anti-working class role of the Islamic Councils, expect labour organisations worldwide to support them in their struggle. They expect them to call for the expulsion of Islamic Councils from the ILO - not least because these organisations have no legitimacy among the Iranian workers - thus preventing the peddling of reactionary and divisive ideas of an Islamic union at the ILO conference. ■



interference in workers' lives, organisations, and in labour relations and laws, is the duty of workers everywhere, and not just of the workers in Islamic countries. In this sense the struggle against the Islamic Councils and the Worker House has also an internationalist character.

The Islamic Councils have no basis, appeal or sympathy among the Iranian workers. They should not be given recognition as Iranian workers' representatives in any international organisation or forum.

The call for their expulsion from the ILO and protesting to the ILO for recognising the Islamic Councils is, of course, important. But even more important is to put pressure on the Iranian govern-

ment to repeal the Islamic Republic Labour Law. This law categorically denies workers' right to strike and organise; it denies even such demands as a 40-hour week; it recognises only Islamic Councils as legal labour organisations.

Not constrained by the usual considerations shown towards Islam and reactionary cultures in the Third World, the workers of other countries should explicitly attack the reactionary idea of a separate organisation for Moslem workers. Their allies are the

workers in Iran who for years have shown hatred towards, and fought against, any idea of Moslem worker, Islamic union, Islamic Society, Islamic Council, Islamic laws, and so on.

Such a protest will no doubt aid the efforts of the labour movement in Iran to bury the Islamic Councils where they were born. ■

[The author has extensively written on labour issues in Iran and is on the news service staff of Worker Today.]

In memory of Jamal

A labour activist and utility worker in Iranian Kurdistan, Jamal Cheragh-Vaissy was brutally executed just days before May Day 90. His crime? He was put to death for having dared to organise and speak at a May Day rally the year before in the city of Sanandaj. Over the years labour organisations and activists worldwide have in hundreds of letters condemned this blatant crime by the Iranian government. Here we publish the resolution which was passed on May Day 89, outlining the workers' basic demands.

Resolution by workers of Sanandaj in the 1989 May Day rally

Working People, Comrades!

Greetings on May Day, the international workers' day, the day of the manifestation of unity and solidarity of workers of the world of any nationality, creed and sex.

We are commemorating this historic day along with our class comrades throughout the world. We are celebrating May Day at a time when workers with the slogan of "Workers of the world, unite!" are declaring their demands and aims relying on their immense and united

power. This is the day when workers of the world, hand in hand, renew their pledge. It is not only the day of remembrance of the general strike in the US and the bloody crushing of the militant Chicago workers, but also a day in which we voice and insist on our demands. We, the workers of Kurdistan, make the following demands:

1- We demand the recognition of May Day and its declaration as a national holiday.

2- We demand the recognition of workers' organisations such as councils, syndicates and unions, and of a committee for arbitration in disputes between workers and employers,

with the presence of workers' real representatives.

3- Since women constitute half of society, we, the workers of Kurdistan, demand full equal rights for women and men for equal work and in all social, economic and political fields.

4- We demand the prohibition of child labour under the age of 18.

5- We demand rise in workers' wages in line with inflation and on the basis of the expenses of a family of five.

6- We demand the specification of a minimum wage on the basis of the expenses of a family of five and in line with inflation, to be determined by the workers' genuine representatives.

7- We demand the introduction of a 40-hour working week and two consecutive days of rest every week.

8- We demand the prohibition of overtime and night work in all production and service sectors, with the exception of the socially vital areas where we demand double pay and benefits.

9- We demand the prohibition of any form of piece and contract work.

10- We demand the prohibition of firings and cuts in wages by the employers under different excuses.

11- We demand the implementation of unemployment insurance for unemployed persons ready for work, for both women and men above the age of 18.

12- It is common knowledge that the main cause of corruption, drug addiction, prostitution, etc, is the poverty and unemployment in society. We demand the creation of jobs for women and men above the age of 18.

13- We demand suitable housing, health care and consumer cooperatives in accessible areas for working people.

14- We demand compulsory education for the children of working people until the age of 18 funded by the state.

15- We demand that the [annual] holidays for workers be raised from the [present] 12 to 30 days in all production and service sectors.

16- We demand the creation of welfare facilities for women, such as nurseries and creche, as well as adequate maternity leave, and the creation of public laundries in areas of work and living of women.

17- We workers demand the immediate lowering of the prices of essential public goods.

18- We demand the payment of wages and "worker stamps" on time.

19- We demand the provision of essential goods, which would really assist the living conditions of us workers, instead of the "worker stamps".

20- We demand the punishment of corrupt and profiteering officials in all state and private offices and institutions.

21- We demand amenities for all workers in workplaces and near workers' homes.

22- We, the workers of Kurdistan, declare our resolute support for the legitimate struggle of Palestinian working people against Israel and imperialism.

23- We, the workers of Kurdistan, declare our resolute support for the struggle of workers of the world for winning their legitimate demands.

Long live First of May, the international day of unity and solidarity of workers of the world!

Long live the solidarity and unity of workers of the world! □

LONG LIVE FIRST OF MAY

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	\$2.5

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

Page 16, Vol.3, No.25, May 1992

صفحه ۱۶، سال سوم، شماره ۲۵، اردیبهشت ۱۳۷۱

IN BRIEF

Italy

The management of Italy's state railways, FS, threatened to refuse pay increases to workers who take 'unauthorised' industrial action. Since July 1990 the government has used new powers to limit the effectiveness of strikes, but this is the first time that strikers are being penalised through pay cuts. The workforce is due to be slashed from the 1989 level of 209,000 to 168,000 this year.

Britain

Miners at Yorkshire coal mines voted to take selective strike action over contracting out of work to private companies. Ken Capstick, National Union of Mineworkers' Yorkshire vice-chairman, said the union was likely to call the action if British Coal refused to meet for talks or to compromise. Since the end of the 1984-85 strike, the workforce in the Yorkshire area has been reduced from 38,000 to 13,000.

France

Striking dock workers occupied 12 French ports on 22 April, blocking goods bound for Corsica and North Africa. The CGT union which called the action said that 97% of the country's 8,300 dockers took part in the stoppage in protest against government's plans to change work practices and cut jobs.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to
Worker Today and urge your
union branches to take up
subscriptions.

YOU CAN support us
financially and ask your
unions to make donations to
Worker Today out of their
assistance funds.

YOU CAN help distribute
Worker Today in your area.
YOU CAN give us technical
assistance, e.g. computer
hardware and software to
speed up and improve our
work.

YOU CAN send books and
journals to Worker Today
Book Club.

YOU CAN send us your
articles and reports.
YOU CAN introduce Worker
Today to colleagues and
comrades.

YOU CAN tell us your views
and suggestions about the
paper.

Caterpillar strike ends after 5 months

WT News Service:

STRIKERS at US Caterpillar returned to work on April 15 after an agreement between the United Auto Workers union and the company.

Under the terms of the agreement, the company agreed not to hire replacement workers, which it used during the strike, and the union said it would send its members back to work.

Thus the strike ended amid the workers' disbelief and the implicit acceptance of the company offer, bringing to an end five months of bitter struggle by UAW members over wages, job security and

health benefits.

The UAW had been holding out for a pattern settlement - similar to that agreed between the union and Deere & Co, another US heavy equipment maker, last year. The company is now to cut the workforce by 10 to 15 per cent.

Some labour leaders in the US described the sudden ending of the strike as a big blow to the auto workers union and the labour movement as a whole. The deal will put the UAW in a weaker position later when it is going to take on giants like GM, Ford and Chrysler.



US Caterpillar workers fought a hard battle for five months

Iran:

Strike for higher wages

WT News Service:

Around 300 workers of a contract company in Bandar Imam Petrochemical Complex in the south (formerly Iran-Japan) went on strike in early March for higher wages and a number of other welfare demands. The strike came only a few days after the announcement by the government of a minimum wage rise, showing the strong dissatisfaction still felt

with the level of wages.

According to a report by Hasan Salehi, *Worker Today* correspondent in Turkey, the demands of the strikers included a rise in the basic pay and overtime pay, shorter working hours, and a higher year-end bonus. The strike ended after the management gave pledges to immediately raise wages and the year-end bonus. The action lasted for two days.

ILO bulletin:

No mention of strike in Iranian labour law

WT News Service:

In a review article on the Iranian Labour Law, ILO's *Social and Labour Bulletin* (nos.3 & 4, 1991) criticises this law on a number of points including its Islamic and discriminatory aspects, its denial of the right to freely set up unions, the denial of child care benefits, and absence of rights for workers of family workshops.

With regard to the issue of labour organisations in the labour law, the Bulletin writes that Islamic Councils play the dominant role in industrial relations in Iran. To be eligible for elections to these councils one must be a committed Moslem and of Iranian nationality, without any connections with the former Shah's regime or groups opposed to the Islamic Republic. Labour unions, irrespective of their nature, must be approved by the labour ministry; their statutes must also be submitted for approval to the ministry.

The article, reprinted in the daily *Kar-o-Kargar*, published by the Islamic Republic Worker House, notes concerning the absence of strike right in the labour

law: "There is clearly no mention of strike and shutdown of the workplace. The worst scenario anticipated by the labour law is apparently 'stoppage of work in the presence of workers in the workplace, or the deliberate reduction of production by workers.'"

In its own introduction, *Kar-o-Kargar* writes: "In this review, the [ILO] experts, while pointing out the positive points in the Labour Law, have referred to a number of clauses as problems. This either shows their ignorance of Islam and the Islamic Republic, or is a continuation of previous spiteful attitudes." It goes on: "They [the ILO experts] have tried to insinuate that the Labour Law of the Islamic Republic of Iran has not provided for rights for workers to form free labour organisations. They have therefore picked on the point about the appointment of the representative of *Valiy-e-Faghih* [the highest authority in the country] in the [labour] organisations."

The ILO article, taken from *Kar-o-Kargar*, is reprinted in the Persian section of this issue.

Iran auto industry to be privatized

WT News Service:

The Ministry of Heavy Industries announced on 4 March the procedure for the sale of shares in the state-owned car industries.

According to the plans, 67% of the shares are gradually going to be made available in the Stock Exchange. The Organisation for Industrial Development and Renovation - holder of the state industries - is to sell off 34% of the shares as one batch to a single buyer, or a group of buyers, and 33% to the employees of the industries concerned.

The auto industries to be privatized include Iran Khodrow

(maker of Peugeot cars), Iran Kaveh (producer of US Mack trucks), Saipa (maker of Renault cars), Pars Khodrow (maker of GM vehicles), Khodrow Sazan (maker of Fiat minibuses), Zamyad (producer of Neissan and Mazda vans, Volvo trucks and car radiators). Also a number of large steel plants are up for sale.

The deputy labour minister, Ajayeby, said that the aim in selling the shares to workers, besides assisting them economically, was to make them feel that they are owners of property, and make sure that they cut down on waste and improve productivity.

● Struggle against Islamic Councils in Iran p.15

● Iran's plans for a Moslem workers' union p.15

● In memory of Jamal Cheragh-Vaissy p.15

● Hitler too had a new world order
André Kolompar, Canadian labour activist, talked to WT p.14

● Workers are distrustful of Islamic Councils
Interview with a worker from Pepsi Cola in Iran p.13

● Worker Today in Arabic and Kurdish p.13